

چشم انداز
CHASHM ANDAAZ

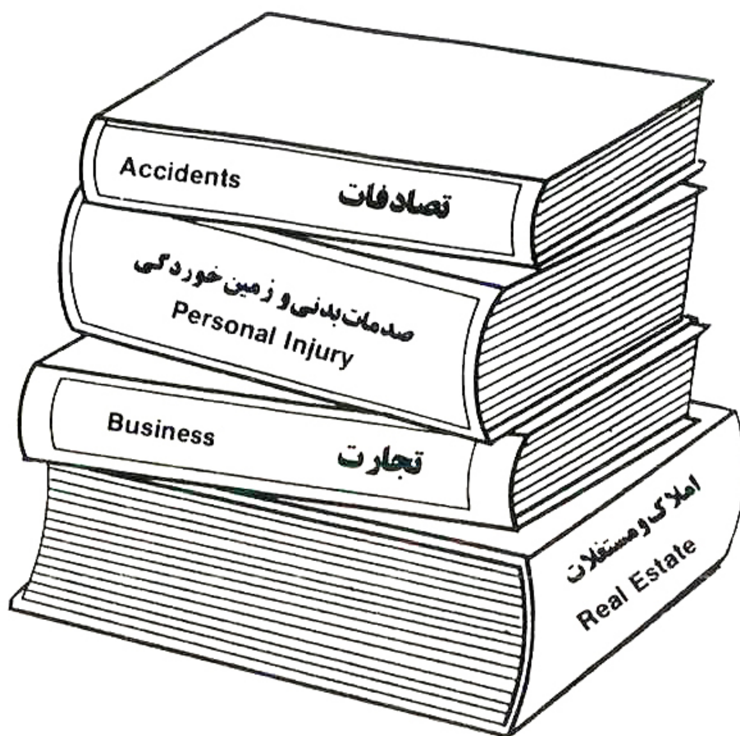
شماره‌ی ۲۲ دسامبر ۱۹۹۲ آذر ـ دی ۱۳۷۱ طوت ۵۷۵۳



An Affiliated Organization of
JEWISH FEDERATION COUNCIL
OF GREATER LOS ANGELES







Law Office of

ODETTE L. ASHLEY

دفتر حقوقی

اودت آشلی

(لادن آشوری)

وکیل مجرب باداشتن بیش از ۹ سال سابقه در دعاوی چندین میلیون دلاری
بزرگترین شرکتهای آمریکا و برنده بودن در تمام دعاوی

اکنون در دفتر جدید واقع در «سنچوری سیتی»

آماده دفاع از حقوق شماست

در امور تصادفات تا زمانی که حق شما دریافت نشده از شما وجهی دریافت نمی شود.

PENTHOUSE

1901 Ave. of the Stars
Century City, CA 90067

Tel: (310) 553_9090
Fax: (310) 556_1740

בס"ד



هم قبیله عزیز :

سازمان سیامک باهمکاری **مجتمع فرهنگی ارتص (کنیسای ولی)** برای ترغیب نسل جوان و تحصیلکرده جامعه اقدام به برگزاری مراسم شبهای شبات نموده است .

هدف ما ازاین برنامه هاکه به زبان **انگلیسی و عبری** و سرود های آن به **نحوه ایرانی** اجراء میگردد برای **شناخت بهتر زیبائی یهودیت** و جلوگیری از **تحلیل قومی** جوانانمان میباشد .

میدانیم که انسان برای شناخت خدا دست به هر تلاشی میزند - تردید دارد - جستجو میکند - در تلاطم زندگی در اوج سرگشتگیها - ناباوریها و در ظلمت امید و ترس ، به نیروئی باور دارد .

ما یهودیان خدا را بیرحم ، ساکت و درکمین انسان نمی دانیم . باخدا درحال جدلیم و به سکوت گاه به گاهش اعتراض میکنیم ولی درهمه حال باورش داریم و **عشق** را با او قسمت میکنیم .

اورا نفی نمی کنیم ولی به سئوالش میکشیم .

معتقدیم مذهبمان ، **رابطه عشقی ما با خدا** ، براساس ترس و تحقیر انسان از حضورش و نامش بنانشده است .

اعتقاد داریم هر انسانی در درون خود ، خدائی را حمل میکند .

اعتقاد داریم که میتوان از راه خود شناسی و خدا یابی به خدا رسید و خود بهتر را پیدا کرد .

صدای خدا - صدای واسطه نمی خواهد

دراین دوران جدید و این غربت ، چه ایمان داران که به شرک رسیدند و چه مشرکینی به ایمان . چه بسا افرادی که منکر هم قبیله گی شان شدند و چه اسف بار است که جوانان ، راه نایافته ، گم شده‌اند .

دراین مراسم شبهای شبات میخواهیم سئوال کنیم - ازخدا و از خودمان - ممکن است پاسخی قطعی نیابیم ولی یاد میگیریم چگونه سئوال را مطرح کنیم .

میخواهیم خاطره های روشن و سرشار از نور گذشته گانمان را بیاد بیاوریم و عطر شناخت را در فضائی روحانی پراکنده کنیم .

نسل جوان مابی خبر وحیران گم شده است و دور میشود

مابعنوان پدران و مادران این جگر گوشه هایمان حاضریم از هستی مان ببریم و خوشبختی را ارمغانشان کنیم .

بیائید یاری شان کنیم و ازاین راه آینده ای بهتر را برایشان رقم بزنیم .

قوم یهود از فراز و نشیب ٦ تمدن بزرگ که دیگر نامی ازآن درتاریخ نمانده ، سرفراز و سربلند ،گذشته وبرجای مانده و دین خود را به جامعه بشری با بارآوردن بزرگترین نوابغ فلسفی علمی مذهبی و اجتماعی جهان ارائه نموده است .

ساکت **ننشینیم** ، فرزندان ما، آینده سازان فردای جامعه بشری هستند .

آیاماتوانائی آن را داریم که زنجیرپیوسته بانیاکانمان راپاره کنیم ؟

آیا نسل مابایستی آخرین حلقه این زنجیر باشد و فرزندانمان بدون تکیه گاهی این چنین افتخار آفرین از ما دور شوند ؟

دراین مراسم هیچ خط و فورم مذهبی دیکته نمی شود .

برنامه توسط **پرفسور زوگاربر** ، استاد دانشگاه و کالجهای کالیفرنیا رهبری و توسط شرکت کنندگان اجراء میگردد .

درنظراست محلی نیز درغرب لس آنجلس (وست وود) درآینده ای نزدیک تهیه گردد .

دراین برنامه از شرکت کنندگان با شیرینی و نوشیدنی و ترانه های عبری پذیرائی میگردد.

سازمان سیامک - داریوش فاخری

باعرض تشکر از مجتمع فرهنگی ارتص (کنیسای ولی)



دکتر بیژن عافار

جراح و متخصص بیماری های لثه

پیوند و کاشتن دندان (IMPLANT)

آسیستان پروفسور دانشگاه U.C.L.A

عضو انجمن جراحان لثه آمریکا

قبول اورژانس ۲۴ ساعته

BIJAN AFAR, D.D.S., M.S.

PERIODONTICS & IMPLANT DENTISTRY

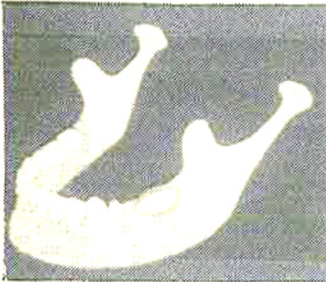
18607 Ventura Blvd., Suite 209
Tarzana, CA 91356
(818) 784-4867

72 N. Hill Ave.,
Pasadena, CA 91106
(818) 796-5386

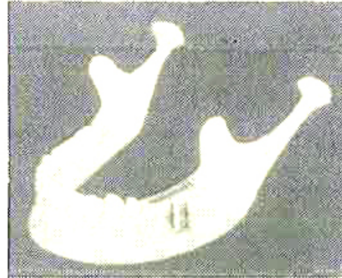
10350 Santa Monica Blvd., Suite 190
Los Angeles, CA 90025
(310) 557-0209

303 S. Glenoaks Ave., Suite 7
Burbank, CA 91502
(818) 843-7892

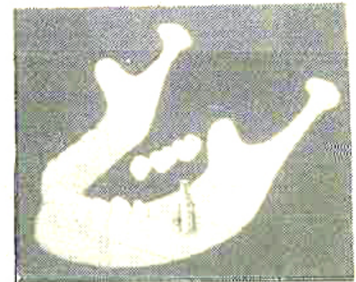
11701 Wishire Blvd., Suite 13A
Los Angeles, CA 90025
(310) 826-1181



An incision exposes the bone over the site of the implant.



The implant is covered for 3-6 months to allow undisturbed healing.



The bridge, in this case, is supported by the implant and a natural tooth.

روبرت دانش راد

عضو انجمن ملی حسابداران آمریکا و کالیفرنیا

- حسابرسی - حسابداری - دفترداری
- کلیه امور مالیاتی (شخصی - تجارتی)

16200 Ventura Blvd., Suite 216
Encino, CA 91436

(818) 905-1422

دکتر مسعود ایمانوئل

MASSOOD IMANUEL D.M.D

دندانپزشك عمومی و زیبائی

تحصیلات در ایران - اروپا و آمریکا

- سفید کردن دندانها با تکنیک جدید
- دندانپزشکی زیبائی (باندینگ)
- درمان بیماریهای لثه
- درمان ریشه دندان (روت کانال)
- دندانپزشکی اطفال
- روکشهای چینی
- انواع دندانهای مصنوعی ثابت و متحرک

اکثر بیمه های درمانی پذیرفته میشود
مطب به جای شنبه، یکشنبه ها باز است

(310) 657-0777

239 SOUTH LA CIENEGA BLVD., SUITE 200
BEVERLY HILLS, CA 90211
بین ویلشیر والمپیک در لاسینگا

چشم‌انداز

در این شماره می خوانید...

شماره‌ی ۲۲ دسامبر ۱۹۹۲ آذر ـ دی ۱۳۷۱ طوت ۵۷۵۳

چشم انداز

(۸۱۸) ۵۰۳ ـ ۱۲۷۰

چشم انداز

Published By;
International Judea Foundation
P.O.Box: 3074 Beverly Hills,CA 90212
(818)503-1270

سردبیر: داریوش فاخری
همیاران: مهندس آشر آرام‌نیا
شهرام سیمان
ژرژ هارونیان
سردبیر بخش عبری: داوید فاخری
باهمگامی: مترجمین وگزارشگران چشم‌انداز

چشم انداز، نشریه ایست برای بازتاب افکار و دست‌آورد های یهودیان دنیا. هدف ما، روشنگری واقعیت های یهودیت، مسایل، آرزوهاو امید یهودیان ـ مبارزه با نژادپرستی و همراهی با هدف های بشردوستانه انسان های جهان می باشد.
نظر های نویسندگان، متعلق بـه آنـان است و لزوماً بازتاب دیدگاه چشم‌انداز نیست.
نقل مطالب چشم‌انداز، باذکر مأخذ، مجازمی باشد.
چشم‌انداز، در انتخاب مقاله های رسیده آزاد است و درستی و نادرستی مندرجات آگهی ها، به عهده ی صاحبانشان است.
نوشته های رسیده، بازپس فرستاده نمی شود.
نامه های بدون نام و نشانی ، قابل استفاده نخواهد بود.
درصورت تمایل، ازمقالات شما ،با امضاء محفوظ، تحت حمایت قوانین آمریکا، استفاده می شود.

▣ واژه نگارنده: نادره
▣ واژه نگاری با زیباترین نرم ابزار ایرانی؛

زرنگار

(۳۱۰)۴۷۴ـ۴۵۴۷

همت عالی

خواهشمندم «چشم انداز» را به نشانی من بفرستید

نام خانوادگی ـ نام : L / Name ____________ F / Name ____________

شماره ی آپارتمان : Apt,No.__________

خیابان : Street____________________

شهر ـ ایالت ـ پیش شماره : City ____________ State ________ Zip Code (________)

تلفن خانه : H.Phone (____) ____________

تلفن کار : B.Phone (____) ____________



مرکز خدمات بهداشتی و درمانی
نوزادان، کودکان و نوجوانان

دکتر عزیزالله نورمند

استاد سابق دانشگاه

متخصص بیماریهای کودکان
از امریکا

دارای برد تخصصی کودکان

عضو کادر پزشکی بیمارستانهای سیدر ساینای، سنت جونز، سانتامونیکا و تارزانا

در منطقه سانتامونیکا
2001 Santa Monica Blvd.
Suite 865W
Santa Monica, CA 90404
(310) 829-3311

تلفن ۲۴ ساعته

در منطقه انسینو
16542 Ventura Blvd.
Suite 501
Encino, CA 91436
(818) 905-5552

WOMEN'S MEDICAL CARE CENTER

مرکز پزشکی زنان

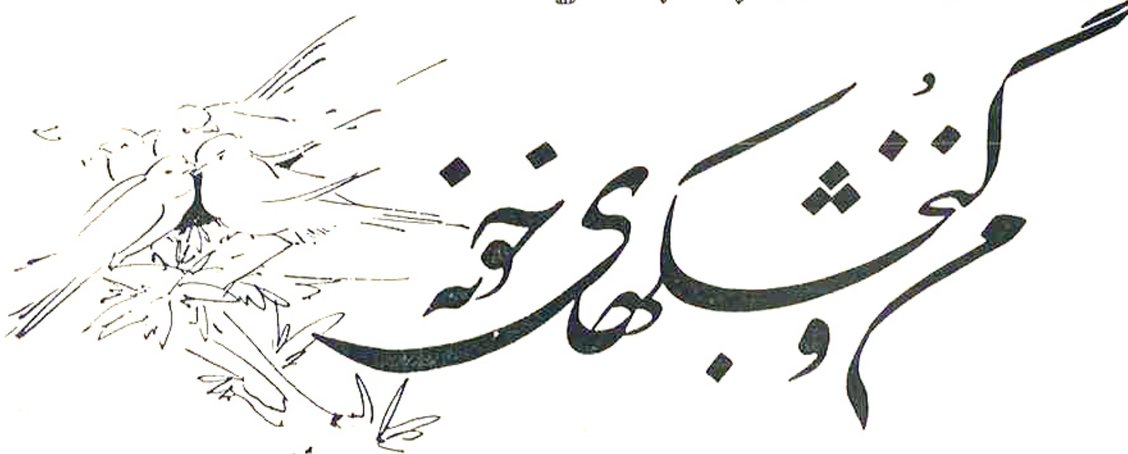
تحت نظر: خانم دکتر دولر م. آبرامیانس

با بیست سال سابقه پزشکی در رشته های طب عمومی
و زنان و زایمان در کشورهای اطریش، ایران و آمریکا

بیماریهای زنان ـ امراض مقاربتی ـ بیماریهای قارچی زنان ـ دردهای ناشی از
عادات ماهانه ـ کلیه آزمایشهای سالیانه خانم ها ـ جلوگیری از حاملگی
ناراحتیهای قبل و بعد از یائسگی ـ چک آپ کامل

16542 VENTURA BBLVD. #318
ENCINO, CA 91436

(818) 986-6060
(818) 986-6067



از تاریخ بیاموزیم

فعالیت های جدید نئونازیسم که در پی خرابی اقتصادی و دگرگونی های اجتماعی ـ سیاسی جهان به وجود آمد، در ماه گذشته سر تیترها و مقالات بی شماری را در جهان به خود اختصاص داد.

این وقایع ناشگون قلب هر انسان آزاده ای را به درد آورد.

فجایع آلمان نازی را دوباره در ذهن ها رقم زد و قربانیان دیگری را در آلمان به کام مرگبار خود کشید. بازماندگان یهودی اردوگاه های مرگ ـ سازمان های یهودی جهان و مقامات کشور اسرائیل، به اعتراض برخاستند و دولت آلمان را به خاطر سهل انگاری در روبرو شدن با این بلای جدید به باد انتقاد گرفتند! پارلمان اسرائیل مسافرت یک گروه اعزامی از طرف خود به آلمان راکه قبلاً" پیش بینی شده بود، معلق نمود و شیمعون پرز وزیر امور خارجه اسرائیل رسماً" به دولت آلمان اعتراض کرد.

سخنگوی پارلمان آلمان، دکتر ریتا سوس مات که در جلسه یاد بود درگذشت رئیس جامعه یهودیان آلمان و افتتاح اولین مدرسه یهودی در برلین سخنرانی می نمود از یهودیان درخواست کرد که علیرغم موج جدید احساسات نازی و ضد صیهونیستی این کشور را ترک نکنند. دکتر کلاس کینکل، وزیر امور خارجه آلمان نیز به خبرنگاران گفت که دولت و ملت اسرائیل بایستی از ما عصبانی باشند، حق کاملاً" با آنان می باشد. با این همه یهودیان از تاریخ آموخته اند. بر اساس نوشته ای در روزنامه یدیوت اهرنوت، موج متقاضیان یهودی برای خروج از کشور آلمان رو به افزایش نهاده است. بیشتر

درجستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده ایم؟

این متقاضیان مهاجرین روسیه قبلی بوده اند که به آلمان رفته اند. با خودم می گویم چه فرقی دارد وضع یهودی آلمانی امروز و ۵۰ سال پیش؟ **وجود اسرائیل قدرتمندی که مأمن و پناهگاهی امن و مدافع جان هر یهودی در هر جای این دنیاست.**

مسئولیت جهانی

در شماره قبل نوشتم که مسئولین پخش جوایز نوبل امسال جایزه شیمی و پزشکی را به یهودیان اهداء کردند. در خبرها آمده بود که ماه گذشته فرانسوا میتران رئیس جمهور فرانسه که با یک گروه ۲۰۰ نفره به اسرائیل مسافرت نمود، پروفسور ژرژ شاپتک را نیز در گروه خود به همراه داشت. نامبرده برنده جایزه نوبل امسال در رشته فیزیک و یهودی می باشد. پرفسور شاپتک از بازماندگان اردوگاه مرگ داخوا در زمان جنگ جهانی دوم بوده و اظهار می دارد حتی از آن زمان می دانستم **بایستی زنده بمانم زیرا در جهان مسئولیتی به عهده من گذاشته شده است.**

یک بام و دو هوا

در پی قتل غیر انسانی یک شهروند اسرائیلی به نام نیسیم تولدانو، مقامات اسرائیلی ۴۰۰ نفر از مخربین و آدمکشان گروه خمس، کسانی که تا امروز ۶۷۰ نفر از هم کیشان خود را به گناه همکاری با دولت اسرائیل (باز نمودن مغازه در زمان اعتصاب و یا نپذیرفتن فرمان کورکورانه از آنان) به قتل رسانده اند را تبعید نمود. با آن که ۹۰ درصد مردم آن کشور

از این عمل پشتیبانی نموده اند، وکلای حقوق بشر اسرائیل از اینان در دادگاه ها دفاع کرده و می کنند و این حق را برای این آدمکشان قائل هستند که قانون در مورد آنان اجراء شود. این وکلا حتی توانستند ۳۵ نفر را از تبعید نجات دهند. حقی که افراد گروه خمس برای شهروند اسرائیلی قائل نشدند و او را چند ساعت پس از ربودن به قتل رساندند.
نکته جالب در این مودر برخورد قانونی ارتش اسرائیل بود که برای تبعید این عده مجبور شد رئیس ستاد خود را در دادگاه عالی اسرائیل حاضر کند و در یک دادگاه آزاد و نه پشت درهای بسته حکم تبعید را در مقابل وکلای اسرائیلی دریافت کند.

روزنامه های جهان یک باره برای دفاع از این جانیان به پا خاست ! یک باره گرسنگان سومالی و اتیوپی فراموش شدند! کشتار شهروندان بوسینا و تجاوز به زنان و دختران ٦ تا ۷ ساله فراموش گردید! کامبوج - هند - پاکستان و دیگر نقاط جهان به بوته فراموشی سپرده شد ! کافی است برای یک دقیقه چشمان خود را ببندید و فکر کنید اگر این اتفاق در یک کشور عربی اتفاق می افتاد ، تمام دهکده یا شهر نابود می گردید - زنان مورد تجاوز قرار می گرفتند و فاجعه ای دهشتناک رقم زده می شد. مگر نه این که در اولین ماه های جنگ جهانی اول زمانی که آلمانی ها به بلژیک ریختند، تجاوز به زنان و قتل ، سر به آسمان زد و دنیا ساکت بود. یا زمانی که در جنگ جهانی دوم آلمانی ها به شوروی ها و یهودیان کردند و بعد شوروی ها وقتی پیروز شدند. تلافی نکردند؟ ژاپنی ها در سال ۱۹۳۷ در زمان اشغال چین - پاکستانی ها به زنان و کودکان بنگلادشی و یا پرونده های دادگاه های نظامی آمریکا ، در مورد سربازان آمریکایی به ویتنام ها از این موارد پاک نیست . اسرائیل در قبال کشتن یک شهروند خود دست به کشتار نزد ، نه خانه خراب کرد، نه به زنان و دختران تجاوز نمود، نه اموال کسی را غارت یا مصادره کرد، عاملین حادثه را تبعید نمود ، برای ٦ ماه تا ۲ سال آن هم با حق آن که وکلایشان بتوانند در دادگاه های اسرائیل برای بازگشت آنان فعالیت کنند .
من تبعید هیچ فردی را نمی پسندم همان طور که قتل هیچ انسانی را تأئید نمی کنم . برای من إستثناء قایل شدن در مورد یهودیان در وقایع گوناگون تکان دهنده است . و جالب که چگونه بایستی اخلاقیات جهان یک بام و دو هوا باشد.
در همین کشور آمریکا نیز دسته ها و جمعیت های مختلف برای نفوذ در مراحل قانون گذاری به نفع جامعه و علایق خود می کوشند. جمعیت زنان - گروه های مذهبی - سازندگان اسلحه - کمپانی های نفتی - شرکت های ژاپنی و غیره هر کدام سعی دارند که برای اهداف خود به قول آمریکاییان «لابی» کنند. در این میان نیش قلم ها و تهمت ها و نپذیرفتن ها ، نه متوجه اینان است و نه لابی کردن در آمریکا (که کاملا" قانونی است!) می گویند چرا لابی یهودیان قوی است ؟ - نفوذ دارد یا چرا باید این ها لابی کنند و ...

▣ بنشینیم و بیندیشیم

پی آمد بخشی از مقاله این صفحه در شماره قبل چشم انداز تحت عنوان **غم این خفته چند** ، نامه ها و تلفن هایی بود که به دفتر سازمان رسید.
مقاله در مورد اباکردن آقای دکتر آقایی برای بحث و گفتگو با سازمان های دیگر لس آنجلس بود.
لازم به تذکر است که این سری مقاله ها اصلا" و ابدا" در پی رد شخصیت فردی آقای دکتر آقایی نمی باشد . تلفن ها و نامه های بی نام و نشانی که به دفتر نشریه ما رسید کاملا" شخصی بود. شخص آقایی به عنوان یک فرد شخصا" برای من و دیگران چون تمام انسان های دنیا قابل احترام است . شخصیت اجتماعی ایشان در ایران نیز برای من که خود نیز چه در ایران و چه در آمریکا در کار خدمت اجتماعی هستم با ارزش می باشد. خدمات اجتماعی ایشان شاید چون دیگر خادمان اجتماعی دارای نواقصی بوده که بحث درباره آن در این مقوله نمی گنجد.
هدف من از بازگویی نواقص سازمان فدراسیون و افراد آن است که **پلی شویم و نه دیواری** تا از این راه من هم با دیگران یاد بگیرم و دنیای بهتری رابرای فرزندانمان رقم بزنیم. شخص دکتر آقایی فردی است در کار اجتماع - **در این خطه، دموکراسی و نحوه کارکرد بنیادهای آن ، شخص اجتماعی را به سئوال می کشد - راه نشانش می دهد - تصحیح می کند و پیش می رود.** مسلما" برخی از افراد نسل قدیم تر ما که از ایران آمده و هزاران سال با دیکتاتوری و زد و بند مردم و دولت روبر بوده اند ، قابلیت انعطاف کمتری برای پذیرش این روش فکر را دارند. ولی به قول معروف ، **حرف را باید زد - درد را باید گفت .**
اول آن که سازمان فدراسیون بخشی از یهودیان ایرانی را من

بقیه در صفحه ۱۰

اخیراً مشاهده شده که سرویس های دیگری به اسم سرویس ملکه و حتی با اجازه نامه کار سرویس ملکه به خانه های مردم می روند . شماره تلفن ما فقط شماره تلفن هائی است که دراین آگهی چاپ شده‌اند و تلفن های دیگر مربوط به ما نمی باشند .



سرویس ملکه

جهت بهتر برگزار کردن جشن ها و میهمانیها



با سابقه چندین ساله و درخشان در جامعه کلیمی، ضمن در اختیار داشتن کادر ورزیده شامل: وله پارکینگ، بارتندر، و یترس، و بتر و دیزاین میوه آماده خدمت به هم میهنان عزیز کلیمی می باشد.

قبل از برگزاری جشن ها جهت تنظیم وهماهنگی با ما مشورت نمائید.

چایخانه سنتی با لباس سنتی در تمام مجالس شما

استپانیان

Office:
(818) 353-9263
(818) 352-6422

Beeper:
(818) 420-0608
(818) 569-8514

Youssefyeh Insurance Services

خدمات بیمه روبن یوسفیه

RUBEN D. YOUSSEFYEH



6399 Wilshire Blvd., Suite 808, Los Angeles, CA 90048

PHONE : (213) 653-6655 * FAX: (213) 653-4466



THE PERSONAL PRUDENT BASIC (HOSPITAL) PLAN®'

EFFECTIVE 11- 01-91 — MONTHLY RATES*

	سن Age	Deductible $2,000
Single مجرد	19-29	29
	30-39	35
	40-49	52
	50-59	77
	60-64	98
Subscriber & Spouse** زن و شوهر	< 30	55
	30-39	67
	40-49	101
	50-59	151
	60-64	193
Subscriber & Child زن یا شوهر و فرزند	< 30	42
	30-39	48
	40-49	65
	50-59	90
	60-64	111
Family** زن و شوهر همراه با فرزندان	< 30	82
	30-39	95
	40-49	129
	50-59	178
	60-64	219
Subscriber & Children زن یا شوهر همراه فرزندان	< 30	56
	30-39	62
	40-49	80
	50-59	105
	60-64	126
Children Only 1-18 فرزندان زیر ۱۸ سال	1 Child	24
	2 Children	37
	3+ Children	50

* Monthly dues include a $2.00 monthly service charge for monthly checking account deduction.
** Rate is based on the age of the younger spouse.
® Registered Mark of Blue Cross Association.
®' Registered Mark of Blue Cross of California.

Rates for Los Angeles County. (Rates Subject to Change without Notice)

اگر هزینه بیمه درمانی شما طاقت فرسا شده است.

اگر بیمه ندارید.

اگر مخارج احتمالی بیمارستان شما را نگران کرده است

از این فرصت استثنایی برای آسودگی خیال خود استفاده کنید.

بیمه بیمارستانی

از ۳۹ دلار درماه

$5,000,000

LIFETIME PROTECTION

لطفا برای کسب اطلاعات بیشتر وانتخاب مناسبترین بیمه سلامتی برای خانواده خود با شماره تلفن زیر تماس بگیرید.

(213) 653-6655

کاملاً" درک نمی کنم . روزهای اولی که این سازمان بنا نهاده شد قرار بود صدای واحدی باشد برای تمام سازمان های یهودی ایرانی شهر **تابامشاوره** با یک دیگر **صدای واحدی** باشند در مقابل مقامات خارج از جامعه مان - تا باکمک آنان که بسیار ازرنده و حیانی بوده و هست راه گشای مشکلات جامعه باشیم. سازمان سیامک که با نفوذترین و پر عضو ترین سازمان آن زمان بود پشت این حرکت ایستاد. انتخاباتی شد و با تمام نواقصش ، راه افتاد.

باگذشت زمانی بسیار اندک ، چهره این سازمان فدراسیون عوض شد. رئیسش دیگر خیال انتخابات مجدد نداشت صورت سازمانی گرفت که کارهای سازمان های دیگر راکپی می کرد و عملاً" سر درگمی و فقدان ابتکار و نداشتن برنامه کوتاه و بلند مدت و دیدی قوی از آینده در شخص رئیس آن (که می خواست شکل و قیافه‌ای از گردانندگی به صورت شرقی را به این سازمان بدهد) ما را با صورت اسف بار امروز آن روبرو می کند.

حالا سازمان فدراسیون بخشی از یهودیان لس آنجلس یعنی ۲ تا ۳ نفر .که همه چیز و همه کار به نام آنان انجام می شود - پشت میکرفن رفتن و اعتبار کارهای اعضاء خود را به خود دادن - اعتبار کارهای سازمان های دیگر شهر را به نفع خود گرفتن - عکسهای یادگاری تاریخی (!!!)گرفتن و بدتر از همه شایست ها را نا شایست کردن ، چه از افراد و چه از ارزش های اجتماعی - این همه به آن خاطر است که **چیزی بگویم که ارزش شکستن سکوت را داشته باشد** . نوشتن این مطالب برای من دردناک است . **زیرازمانی که ببرم باخته ام و هر آینه که ببازم برده ام.** سعی من بر آن است که **جامعه درس بگیرد و سعی کند که شایستگی رویاهایش را داشته باشد.**

انتخاباتی که اخیراً" این سازمان به راه انداخت باعث نگرانی است . هم نحوه اجرای آن و هم پی آمدش! اگر این سازمان بایستی صدای واحد سازمان ها باشد ، انتخابات یعنی چه ؟ اگر قرار است سازمانی باشد که نشریه داشته باشد و حرف خودش را بزند - جشن راه بیاندازد و کارهای سازمان های در بر خود راکپی کند ، چه نیازی به سازمان های دیگر دارد ؟

نتیجه این که : اجتماعی داریم که نمی دانیم آیا سازمان فدراسیون مسئولش هست یا نیست ؟ اگر مسئول است این همه طلاق - نابودی ارزش های اجتماعی - تحلیل قومی و سر در گمی را چرا برنامه ای برایش نداشته و ندارند. چرا خانقاه از یهودیان پر می شود ؟ گروهک هایی که مثل قارچ در این اجتماعی می رویند و مردم را سر کیسه می کنند این همه طرفدار یهودی دارند ؟ ... مردم حرف گویندگان رادیو را بیشتر از رهبران اجتماعی خود گوش می کنند ؟

می گوئید مردم بی تفاوت هستند. در انتخابات آمریکا هم مردم آمریکا با همین مسئله روبرویند. میدانید چرا ؟ چون رهبری دلسوز ندیده اند. دیده اند آدم ها را با هزار امید روانه می کنند و پس از تصدی امور غریبه می شوند و راه خود می روند. متصدیان فدراسیون بی اعتبار ها وکم اعتبار ها را بزرگ

می کنند و افراد شایسته را نشان نمی دهند **تاکورسوی فانوسک کارهایشان را خورشید نشان بدهند.** اگر این سازمان فدراسیون مسئول نیست . پس بر سر هزاران هزار دلار پول های جمع آوری شده چه آمده است ؟ در چه راهی خرج می شود؟ چه کسی حق باز خواست وکنترل آن را دارد ؟ چه کسی ارجعیت های مخارج پول را تعیین می کند !

باور کنید ما به عنوان انسان هایی که در این جامعه زندگی می کنیم از خطرات و ناهنجاری های آن مصون نیستیم . همان قدر که از مواهب آن استفاده می کنیم در فجایع آن نیز شریکیم . خاصه ما یهودیان که به قول دوست عزیزم آقای سوفر فروزان مثل آب میمانند و رنگ ظرف خود را می گیرند. عدم شناخت ما به جامعه ای این چنین مشکل ما را دو چندان می کند. کافی است نگاهی به میزان طلاق های اجتماع خودمان بیندازیم. دیری نخواهد گذشت وگذشت که دختری از ما نیز مورد تجاوز قرار بگیرد. فردی از ما به قتل برسد. جوانی از ما ایدز بگیرد . نو جوانی یتیم شود . خانه هایمان غارت شوند - آتش بگیرند . مورد تجاوز و اقلیتی یا اکثریت قرار بگیریم - شهروند دست دوم و سوم این مملکت بشویم.

باید کاری کرد . باید کاری کرد کارستان و باید این کار را الان انجام بدهیم . دوست عزیز دیگرم جورج هارونیان می گفت **آدم یک کم مسئول نمی شود.** در مورد تبعیض نژادی باید کاری کرد - در امور سیاسی باید کاری کرد باید انسانی جهانی شد یا **ما به عنوان یک یهودی آزاده به عنوان یک انسان مسئول در قبال جهان مسئولیم.** در مقابل هموطنانمان مسئولیم . در مقابل جامعه هان مسئولیم و نه کم . خیلی زیاد . جورج بوش چندی پیش گفت : **دنیا را عوض کنید وگرنه دنیا عوضتان می کند.** چرا حالت شتر مرغ را به خود گرفته اید ؟ حرف می زنید ولی نمی گویید ! عاقل به نظر می رسید و عاقل نیستید ! به سازمان ها و افراد آن حمله می کنید - جامعه را از هم گسیخته

اید. وای که یک دست نیستیم و دود این آتش همه مان راکور می کند.

نشریه شوفار فدراسیون به طور ضمنی شما را دکتر آقایی عزیز جزو شخصیت های جهانی یهود قلم می زند. من نادین گوردیمر برنده جایزه نوبل را می شناسم - الی ویزل را می شناسم - انیشتن - فروید - حبیب لوی - موشه قتصاب - سلیمان حییم - دکتر رهبر - لاله زاری و روح الله سپیر و خانم ژینا برخوردار نهایی و پرفسور امنون نتصر را هم همین طور، صادقانه بگویم شما شخصیت جهانی یهود نیستید.

می توانید باشید - شروع کنید، صادق باشید. از سازمان مگبیت - هاداسا - کنیسای نصح - کنیسای ولی و دیگر سازمان های موفق یاد بگیرید - از فدراسیون یهودیان آمریکایی یاد بگیرید با آن ها حرف بزنید و تبادل نظر کنید. راه تان را مشخص کنید. مردم قدر خدمات صادقانه را می دانند به زنده یاد یوسف کهن نگاه کنید. به شادروان موسی کرمانیان و زندگی پر افتخار آن ها نظری بیاندازید. آن وقت دیگر یک گروه کوچک را فدراسیونی با آن همه کبکبه و دبدبه در بر نمی گیرد. روز روشنی خواهیم داشت. بیایید فرقی قائل شویم میان موضوعی که به آن می اندیشیم و موضوعی که می خواهیم شناخت دقیقی از آن به دست بیاوریم.

می گویند وقتی بچه ای در بغل یک دده سیاه داشت به شدت گریه می کرد و دده سیاه دائما" به او می گفت: ننه نترس من این جام. کسی از آن جا رد می شد گفت: این بچه از ترس تو دارد گریه می کند! حالا حکایت ماست.

به قول شاعر معروف هوشنگ ابتهاج

بنشینیم و بیندیشیم
این همه با هم بیگانه
این همه دوری و بیزاری
به کجا آیا خواهیم رسید آخر؟
و چه خواهد آمد بر سر ما
با این دل های پراکنده؟

دکتر جلال دوستان

متخصص بیماری های داخلی و فوق تخصص در
بیماری های کلیه و فشار خون
دارای M . P . H . دانشگاه جانز هاپ کینز
عضو کادر پزشکی مرکز طبی سیدر سینای
مجهز به
رادیولوژی و آزمایشگاه

(310) 859-0415

ROX SAN MEDICAL BUILDING
465 N. Roxbury Dr., Suite 1008 • Beverly Hills, CA 90210



گفت‌وگویی با دریافت‌کننده‌ی جایزه نوبل ادب

زندگی دوگانه‌ی نادین گوردیمر

نوول اُبسرواتور
مارس ۱۹۹۲
مترجم: فیروزه دیلمقانی

نادین گوردیمر از افتخارات جامعه یهودی دنیا می باشند. ایشان جایزه نوبل را در سال گذشته در رشته ادب از آن خودکرده‌اند.

«چشم انداز»

چگونه می توان مبارزه وتنهایی را با یکدیگر آشتی داد، درحالی‌که نویسنده‌ی متعهدی در مبارزات سیاسی هستی ودر عین حال دلبستگی شدید به آزادی خود داری؟

از ۱۰ تا ۳۱ فوریه ۱۹۹۲ ، در دانشگاه زیمبابوه در هراره (پایتخت کشور زیمبابوه) یک گرد هم‌آیی که تواما" از سوی کمیسیون ملی زیمبابوه برای یونسکو زیر نظر یونسکو و دانشگاه زیمبابوه وانجمن قلم بین المللی ، ترتیب یافته بود ، برگزار شد . حدود چهل نفر که غالبا" از استادان رشته‌ی ادب اند ، از سراسر آفریقا شرکت کرده بودند و موضوع گردهم‌آیی ،

«جنبه‌های اصلی شعر و رومان آفریقایی در آستانه سده‌ی بیست ویکم»

بود. بحث ها که غالبا" جدی و خشک بود ، با حضور و مداخله دو نویسنده‌ی نامی آفریقای جنوبی ، حال و هوای تازه‌ای پیداکرد. این دو نویسنده **«نادین گوردیمر»** که به زودی کتاب **«داستان پسرم»** او منتشر خواهد شد و **«مونگان والی سروت»** بودند . یک بانوی نویسنده‌ی سفید و یک نویسنده‌ی سیاه، که هردو از مبارزان کنگره ملی آفریقا هستند وبا جان و دل خود را برای **مبارزه با آپارتاید** و ساختن آینده‌ای انسانی برای کشور ، متعهد کرده‌اند.

بانادین گوردیمر ، برنده‌ی جایزه‌ی نوبل ادب فرصتی دست داد تا به مناسبت برگزاری این گردهم آیی ، مصاحبه‌ای با او انجام شود ، با عزم ومتانت ، سخن گفت .

* * *

▣ شما روزی نوشته بودید که :

«من جرأت نداشتم و همچنان جرأت ندارم که کاملا انقلابی باشم وبا یک حبس ابد احتمالی رو به رو شوم . وبه خاطر این خودخواهی ، نویسنده شدم».

آیا هنوز هم این خودخواهی را دارید !؟

● **نادین گوردیمر:** بله، مسلم است ، و برای همه عمر خواهم داشت . به خصوص برای این که من یک زن هستم . با خانواده - بچه ها، شوهر ودوستداران - **پیداکردن وقت و آرامشی برای‌نوشتن چندان ساده‌نیست.**

▣ **تعهد شما در نوشته هایتان به چه ترتیب جریان پیدا می کند؟**

▣ **خیلی طبیعی.** مثلا" دوسال پیش ، من دو هفته در ناحیه مرزی بین موزامبیک و آفریقای جنوبی بسر بردم. در آن جا فیلم کوتاهی با همکاری بی.بی.سی. تهیه می کردم. چند روزی در اردوگاه پناهندگان موزامبیکی ، در میان مردم، به خصوص زنان وبچه ها زندگی کردم. آن ها مردمانی بودند که از **«کلوگرپارک»** یك پارك وحش طبیعی بسیار بزرگ عبور کرده بودند تا به آفریقای جنوبی برسند . من در آن جا خانواده‌ای را ملاقات کردم، چندین بچه، مادر بزرگ ، پدربزرگ . آن ها سه روز و دو شب با پای پیاده از میان گورخرها، شیرها وفیل ها ، بدون هیچ محافظی عبور کرده بودند. پس از این تجربه، خاطرات یك دختر بچه‌ی ۱۰ - ۱۲ ساله، مرا به وسوسه انداخت و چند هفته بعد داستان کوتاهی به نام THE ULTIMATE SAFARI را نوشتم. مسئله ، بدین ترتیب بود!

▣ **آیا به عنوان سفید پوست ، ادعایی برای آفریقایی بودن خود دارید؟**

● لازم نیست واقعیت ها را انکار کنیم . **این سیاهان هستندکه مرا پذیرفته‌اند،** که به من اجازه داده‌اند خود را آفریقایی بنامم.

▣ **شماگفته‌ایدکه سفید و آفریقای جنوبی بودن ، با ارزش است .**

من تصور می کنم که انسان سفید ، همیشه **بارگناه پیشینیانش را بردوش می کشد.** باید رفتارها و زندگی را تغییر داد. باید **جهت هایی را دنبال کرد که سیاهان نشان می دهند .**

▣ **چرا؟**

زیرا، مدت هایی مدید این سفید ها بودند که حرف های خود را به کرسی نشانده‌اند وقت آن رسیده‌که به حرف های دیگران هم

گوش کنیم.

به خاطر تقاص یا مرمت گذشته ها؟ آیا این دیدگاه در تاریخ ، نگرشی کمی کالوانیستی نیست ؟

● **(با خنده)** : نه، فکر می کنم اندیشه‌ام را درست بیان نکردم. تنها مسئله‌ای که من مطرح می کنم ، امکان حرف زدن در شرایط تساوی کامل است . مساوات به معنی برخورداری از حق بحث کردن هم هست .

▣ **شما یکی از مبارزان کنگره ملی آفریقا هستید. آیا این موضوع، آزادی در نویسندگی شما را تهدید نمی کند ؟**

نه ، فکر نمی کنم . زیرا، من آزادی خود را حفظ کرده‌ام و همه دوستان من در کنگره ملی ، آن را می دانند. در آخرین کتابم ، مبارزات داخلی جنبش آزادیبخش را توصیف کرده‌ام - پاره‌ای از شخصیت ها شدیدا" از سازمان انتقاد می کنند - **اما کسی مرا به واسطه نوشتن آن سرزنش نکرد.** اگر صحبت از خط حزبی است ، من بارها در کتاب هایم از آن عبور کرده‌ام ! هر نویسنده‌ای باید آزادی کامل برای نوشتن مسائل ، آن چنان که خود تفسیر و تحلیل می کند ،داشته باشد و هم چنین درباره مسائلی که به آن ها معتقد است .

▣ **و اگر روزی شما را از کنگره ملی آفریقا کنار بگذارند ؟**

● ممکن است پیش بیاید . بالاخره زندگی همین است . اما یك موضوع بسیار بسیار مهم وجود دارد :

کنگره ملی آفریقا از بدو تولد ، همیشه سازمانی غیر نژادی ومخالف با هرنوع نژادپرستی بوده‌است.

بسیاری از سفیدها مرتب به من می گویند : «نادین ، خواهی دید وقتی کنگره ملی به قدرت برسد ، به خاطر سفید بودنت ، تورا طرد خواهد کرد». بیشتر سفیدها نمی توانند غیرنژادی بیاندیشند. از زمانی که کنگره ملی به صورت قانونی درآمده، من بسیار متأسف هستم که می بینم سفید های بسیار کمی بدان پیوسته‌اند ! بسیاری می گویند که طرفدار کنگره ملی آفریقا هستند، ولی به آن نمی پیوندند. این قدری مضحك است . زیرا،

اگر کسی ادعا دارد که طرفدار حزبی غیرنژادی است ، باید در آن حضور داشته باشد ، در آن حزب ، و در میان سفید هایی که امید به آینده‌ای غیر نژادی دارند.

▣ **در کنگره ملی آفریقا ، همراه با «والی سروت» ، آیا در اندیشه آن چه که «فرهنگ آفریقای جنوبی پس از آپارتاید» خواهد بود ، سهیم هستید؟**

● من از آن بیم دارم که کلمات وادب ، در زیر فشار عظیم هنرهای دیگر مدفون بشوند . به ویژه ، وسیله موسیقی و رقص . این ها کمی برای ادب ، خطر آفرین هستند. من می ترسم که واژه کلیدی این دوره ، واژه «بهره» باشد.

▣ **نویسندگان محبوب شما کدام ها هستند ؟**

● برای من ، مانند هر نویسنده‌ای از نسل من ، مسلما" در ردیف اول ، **مارسل پروست** قراردارد. این نویسنده ، تاثیر عمیقی در زندگی من - نه تنها در کتاب های من - یعنی در رفتار و دیدگاه های من در زمینه عشق و روابط خانوادگی ، برجا گذاشته است . اما نویسندگان دیگری هم هستند که حضوری جاودانه در ذهن من دارند . **توماس مان** ، اخیرا" کتاب «**مرگ در ونیز**» را مجددا" خواندم . چه کتابی ! آدم احساس می کند که باید بلافاصله قلمش را غلاف کند. گاه گاهی کتاب های **کنراد** را بازخوانی می کنم . و **چخوف** را همیشه .

▣ **فالکنر چطور ؟**

● من با فالکنر رابطه‌ای برقرار نکرده‌ام . نثرش همیشه به نظرم کمی پیچیده می آید، اما نویسندگان آمریکایی دیگری هستند که معروفیت کمتری دارند . ولی ، آن ها را دوست دارم ، مانند اودورا ولتی (EUDORA WELTY) وقتی او درباره جنوب می نویسد ، اثر بسیار عمیقی بر روی من می گذارد، خیلی بیشتر از پیچ و خم های فالکنر. در فرانسه، از میان نویسندگان معاصر که برای من ویژگی دارد ، **میشل تورنیه** است .

آن چه که در مورد او نظر مرا جلب می کند ، اصالت و نوعی پیشگویی در نوشته هایش است . من به یکی از داستان هایش می اندیشم که در مارسی می گذرد. در آن جا یك آشغال دانی بزرگ ، و شخصیتی وجود دارد که در این انبوه زباله ، باستانشناسی زندگی های ما ، روی در روی حقایق قرار می گیرند . او این کتاب را ده سال پیش نوشته و ببینید امروز بزرگترین مسئله زندگی ما چیست ؟

این که برای این همه زباله باید چه چاره‌ای بی اندیشیم !

▣ **هنگامی که از ادب آفریقای جنوبی صحبت می شود ، به جز نام شما ، اسامی برینك (BRINK)، بریتنباخ (BREYTENBACH) یا کوتزی (COETZEE) مطرح می شود که همگی سفید هستند . مشخصا" ما اطلاع کمتری درباره‌ی نویسندگان سیاه داریم ...**

● **این تقصیر ناشران است .** و خوانندگان . چه تعداد از فرانسوی ها کتاب های نویسندگان سیاه فرانسوی زبان را می خوانند ؟

آیا تعهدات کیپور خود را پرداخته اید ؟

چه کسی جاسوس یهودی را ساکت کرد؟



داوید ـ فاخری

ایان سپیرو، یهودی انگلیسی به حزب الله اسلحه می فروخت! با ایران و سوریه معامله می کرد! با مخترع **«توپ برترین»** دوستی داشت و در مقابل، اطلاعات امنیتی را در اختیار سازمان های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس، اسرائیل و آفریقای جنوبی قرار می داد و شایعاتی مبنی بر این که برای رژیم تهران هم کار می کرده وجود دارد!

چند هفته قبل همسر و سه فرزندش به وضع فجیعی در ویلای خود واقع در **سن دیگو ـ کالیفرنیا** به قتل رسیدند و سه روز بعد از آن جسد وی نیز کشف گردید. **آیا اعضاء خانواده‌اش را خود به قتل رسانید و آن گاه دست به خودکشی زد یا ساکتش گردانیدند؟!** لیست مظنونین بسیار طولانی است!

چند روز بعد از این که به یکی از بستگانش ابراز داشت که احساس می کند دائما" مورد نظر و تعقیب می باشد، جسد وی و همسر و فرزندانش کشف گردید. اول اجساد همسرش (گیل سپیرو) چهل و یک ساله، دخترانش (سارا) ۱۶ و (دینا) ۱۱ و پسرش (آدام) ۱۴ ساله در اطاق خواب هایشان واقع در ویلای آنان در سن دیگو که همگی از فاصله ای بسیار نزدیک به پیشانی ایشان شلیک شده بود، کشف و سه روز بعد هم جسد وی در حالی که سرش به روی فرمان اتومبیلش قرار داشت و هیچ گونه علامت ضرب و جرح در آن مشاهده نمی گردید، پیدا شد. فردی که جز به نام های **ایان سپیرو، جان اسمیت** بازرگان یونانی و چندین نام مختلف دیگر شناخته شده بود، به آخر راه خود رسید! ولی، تازه پی گیری درباره زندگی واقعی وی شروع گردید.

شخصیتی تازه در بیروت:

ایان سپیرو ۴۶ ساله بود که به قتل رسید. یهودی انگلیسی که تحصیلاتش را در **کالج کرمل** که یکی از گران ترین مدارس شبانه روزی است که تنها یهودیان ثروتمند قادر به فرستادن فرزندانشان به آن جا هستند به پایان رسانید. ازدواج نمود وبه کارهای معاملات املاک پرداخت. چندی نه گذشت که بر اثر ضعف معاملات و درگیری های داخلی از همسر خود و دو فرزندی که از وی داشت جدا شد وبه دنبال نوعی دیگر از زندگی و تجارت به بیروت پایتخت لبنان مهاجرت کرد. اواسط سال ۱۹۷۴ بود که لبنان در آتش جنگ های داخلی می سوخت و هر دسته و گروهی مایل به فراهم کردن اجناس مورد احتیاج خود، مخصوصا" اسلحه بودند، او با معرفی خود به نام **«جان اسمیت»** بازرگانی یونانی! به سرعت با کلید های اصلی معاملات آشنا ودستور خرید اسلحه را که به سادگی می توانست برایشان فراهم آورد، از آنان می گرفت. در آن زمان مهمترین گروه خریدار را شیعیان لبنان تشکیل می دادند. از طریق آنان راه خود را به سوریه گشود وبعد از آغاز داد و

ستد با آنان ، در اوائل انقلاب ایران و روی کار آمدن آیت الله خمینی بود که با سفیر ایران در سوریه به نام **علی اکبر محتشمی** آشنا گردید . حکومت تهران در آن زمان احتیاج شدیدی به اسلحه داشت که **سپیرو** ، می توانست به سادگی در اختیار آنان بگذارد.

محتشمی که یکی از عاملین برجسته تشکیل حزب الله لبنان بود با همکاری سپیرو به برپایی آن حزب پرداخت و به طور قطع سپیرو با فروش اسلحه به آنان به سرمایه قابل توجهی دست یافت . در بیروت بین انفجارها ، اتومبیل های انتحاری ، آتش سوزی ها و کشتارها ، با خانم پرستاری که در یک بیمارستان وابسته به دانشگاه آمریکایی بیروت کارمی کرد آشنا و بعد از یک عشق کوتاه مدت ، به ازدواج که حاصل آن دو فرزند دختر ویک فرزند پسر بود منتهی گردید.

در اوایل سال هشتاد ، وی یکی از چهره هایی شناخته شده لبنان به شمار می رفت که هر مشکلی را به آسانی می توانست حل نماید . از ایجاد رابطه با هر مقامی گرفته تا شناسایی و شناساندن محل و افراد مورد جستجو . **درکار خود اگر نهنگ به حساب نمی آمد ماهی کوچکی هم نبود!** به نظر می رسد که در این زمان ، زندگی دوگانه را می گذرانید . از یک طرف به شیعیان اسلحه می فروخت و از جانب دیگر اطلاعات آنان را در اختیار سازمان ضد جاسوسی انگلیس (M.I.6.) و سازمان اطلاعات آمریکا (C.I.A.) قرار می داد. معلوم نیست که آیا وی قبل از سفر به بیروت به خدمت سازمان های اطلاعاتی در آمده بود و یا بعد از آن . و این سئوالی است که به طور قطع جواب صحیح آن را نمی توان از سازمان های اطلاعاتی کسب نمود !

ملاقات با تری وایت

در اواخر سال ۱۹۸۴ بود که **تری وایت کشیش بلند قامت انگلیسی** به منظور گفت و گو با آدم ربایان و آزاد سازی گروگان های اروپایی به بیروت سفر نمود . قبل از وی **سرهنگ الیور نورث** به همین منظور بدآن جا رفته بود و دنبال راه های متفاوتی می گشت تا به تواند مقصود خود را عملی سازد. **الیور نوث ، جان اسمیت (سسپیرو) را به عنوان فردی که قادر می باشد دست تری رایت را در دست افراد مورد نظر بگذارد به او معرفی نمود.** در همین حال خود به راهی که به تهران ختم می شد ، برای دست یابی به رها سازی گروگان ها آشنا گردید. فروش اسلحه به ایران که مسأله **«ایران گیت»** را به وجود آورد و بعد از آن با استفاده از منافع سرشار فروش اسلحه به ایران به منظور کمک به شورشیان **«کنترا»** که به مسأله **«ایران کنترا»** شهرت دارد خاتمه یافت .

در هر صورت تری رایت از طریق سپیرو با یک دکتر لبنانی که سران رابیندگان را به وی معرفی نموده و ترتیب ملاقات آنان را در مطب خود فراهم آورد، آشنا شد . بعد از این ملاقات ها بود که دسته ای از گروگان ها آزاد شدند که به طور قطع معلوم نیست که از اثرات فعالیت های الیور نورث یا تری رایت یا فروش اسلحه بوده ولی مسلم این است که بدون کمک و فعالیت های این جاسوس یهودی ، امکان آزادی آنان فراهم نمی آمد.

ناگهان براثر گزارش یک روزنامه لبنانی همه چیز به هم ریخت از معاملات مخفی آمریکا با ایران و استفاده از درآمد های حاصله از فروش اسلحه به منظور کمک به شورشیان طرفدار آمریکا در نیکاراگوئه پرده برداشته شد ! تری رایت خود به گروگان گرفته شد و کوشش های سپیرو از طریق آشنایان شیعه وی در آزادی تری رایت بی ثمر ماند ! در این زمان دیگر هرکسی به دیگری مظنون شده بود مخصوصا" شیعیان حزب الله . سپیرو بیش از این اقامت در بیروت را به صلاح خود نمی دانست ، با خانواده‌اش مدتی در سوئیس و زمانی در کانادا در خانه های امن گذرانید تا بالاخره به انگلستان بازگشت و در قسمت جنوبی لندن ساکن شد . در این فاصله زمانی (۹۱-۱۹۸۸) گروگان ها به ترتیب با اجازه ایران و میانجی گری سوریه ، آزاد شدند .

او زندگی جدیدی راکه با بذل و بخشش های مالی همراه بود شروع کرد . به سرمایه گذاری های مختلف رو آورد و با یک ایرانی در تاسیس یک شرکت فروش اتومبیل های قدیمی شریک شد. در همین حال معاملات وی با رژیم تهران همچنان ادامه داشت . او شرکت دیگری راکه وسائل پزشکی و دارویی می فروخت تاسیس کرد و شروع به فروش وسائل و دارو به حکومت تهران نمود . به طور مثال به **«بنیاد شهید»** دستگاه های اضطراری قابل استفاده در اورژانس ها راکه ساخت شرکت انگلیسی **«وایکرز»** بوده می فروخت . به نظر می رسد که این اعمال تنها فعالیت های وی را تشکیل نمی داده است . در اوائل اقامت وی در لندن **«موساد»** اسرائیل نیز وارد معامله با وی گردید . در آن زمان وی با دانشمند کانادایی **«جرالد بول»** مخترع **«توپ برتر!»** آشنا گردید که نامبرده از **سپیرو** درخواست می کرد تا به منظور کامل کردن اختراع خود دست وی را در دست ثروتمندان عربی که می شناخت قرار دهد. اسرائیلیان به شدت از اختراع وی نگران بودند که نهایتا" **«توپ برتر !»** با قدرت پرتاب توپ های اتمی ، از جانب عراق و یاکشور عرب دیگری به جانب اسرائیل متوجه گردد . از سپیرو خواستند که کلک وی را بکند . و شایعاتی موجود است مبنی بر آن که ؛

ماشه هفت تیر را **سپیرو** فشرد و دانشمند کانادایی را به قتل رسانید !

در کنار سازمان های اطلاعاتی غرب ، اداره امنیت آفریقای جنوبی (باس) نیز از وی بهره می گرفت . به این ترتیب که وی مامور اطلاعاتی برای

آمریکا ، انگلیس ، اسرائیل و آفریقای جنوبی بوده که در مقابل فروش اطلاعات به آنان دستمزد خوبی دریافت می کرده است .

تکه های خون بر دیوار !

بعد از مدتی خانواده سپیرو مجددا" انگلستان را ترک و به شهر (نیس) در فرانسه و بلافاصله به سن دیگو ، کالیفرنیا مسافرت و در آن جا اقامت نمود . خانه ای بسیار مجلل که ماهانه به مبلغ ۴۵۰۰ دلار اجاره آن را می پرداخت و مهمانی های با شکوهی بر گزار می کرد ، خود را به همسایگانش به نام یک تاجر موفق نشان می داد که در پشت پرده مکان امنی بود که از طرف (.C.I.A) دور از بیروت و خارج از دسترس گروه های لبنانی وایرانی در اختیار وی گذاشته شده بود . او هم چنان با مرکز (.C.I.A)در ویرجینیا و **برنت کوکرافت** ، مشاور امنیتی جورج بوش و مسئول رهایی گروگان ها در تماس بود.

چند ماهی از این جریان نگذشته بود که اجساد خانواده او در حالی که ۶ روز از مرگ آنان گذشته بود وسه روز بعد از آن جسد وی پیدا شد.

تری رایت و الیور نورث آشنایی با وی را انکار کردند ! هم چنین «**موساد**» و انگلیسی ها و آفریقای جنوبی ها.تنها (.C.I.A)**بود که اقرار نمود وی مدتی برای آن ها کار می کرده است** . به ادعای (.C.I.A) به نظر می رسد که در این اواخر جاسوسِ تنهایی که همه‌ی درها به روی وی بسته شده بوده وحتی بارها تقاضای مجدد کار از آنان را نموده وجواب رد شنیده ، نا امید گردیده و اقدام به کشتن خانواده و خود را نموده است و دلیل آنان اثر انگشت خون آلود وی بر روی دیوار اطاق خواب بچه هاست که توسط پلیس کالیفرنیا کشف شده است . ولی اثر سیانور که در خون وی یافته شده و نوع تزریق آن که به هیچ شکل مورد قبول خودکشی این چنینی نمی باشد ، سئوالات گوناگونی را درباره مرگ وی و خانواده‌اش مطرح می نماید .

در حال حاضر ، پلیس انگلستان نیز تحقیقات خود را در این زمینه شروع کرده است . از اطلاعاتی که به دست آورده‌اند به نظر می رسد که وی در معامله با شریک ایرانیش موفق نبوده وشرکت مزبور با مشکلات مالی مواجه بوده است . از جانب دیگر نیز ایرانیان که دریافته بودند در معاملات لوازم بهداشتی وی سر آن ها را کلاه گذاشته و لوازم مزبور را به چند برابر قیمت به آنان فروخته ، در پی برگشت وجوه مربوطه از وی بوده اند.

پلیس کالیفرنیا و.F.B.I به بررسی لیست تلفن هایی که وی در دو هفته گذشته قبل از مرگش به خارج از کشور داشته پرداخته اند و به این نتیجه رسیده اند که تلفن های مزبور به سران شیعیان لبنان بوده و احتمالا" از آنان اخاذی می نموده تا نامشان را لو ندهد و آنان را به دام حکومت های غرب نیاندازد !

وی به خبرنگاران انگلیسی و آلمانی وهم چنین ساندی تلگراف و پیپل که می خواست کتاب زندگی اش را به آنان به فروشد ، اشاره نموده که می تواند اطلاعاتی را در مورد حکومت انگلستان که برای آزادی سه گروگان انگلیسی **جکی مان** ، **جک مکارتی** و **تری وایت** پول پرداخته وآن را انکار نموده است ، در اختیار آنان بگذارد.

«کشتار در دو مرحله»

چه کسانی واقعا" می خواستند **ایان سپیرو** را برای همیشه ساکت سازند !؟

امکانات زیر ممکن است به حل این مسأله کمک نماید .

۱ ـ انتقام ایرانی : گروه خلاص کننده ایرانی که از جانب بنیاد شهید فرستاده شد تا انتقام کلاهبرداری معاملات وی با ایران را بگیرد .

۲ ـ انتقام لبنانی : به خاطر تهدید سران گروگان گیر در لبنان که اگر به وی پول نپردازند نام آنان را فاش می سازد تا مورد تعقیب دول غرب قرار گرفته ، دستگیر و محاکمه شوند .

۳ ـ سازمان های اطلاعاتی غرب : از ترس کشف اطلاعاتی که به ضرر آنان تمام شود (در کتابی که از جانب وی ، احتمالا" انتشار می یافت) دلیل خوبی برای سر به نیست کردن وی دانست .

احتمالات متعددی که از جانب .F.B.I در نظر گرفته شده این است که دو دسته خلاص کننده از خاور میانه به منزل وی راه یافته ، در وحله اول زن و فرزندان وی راکشته اند و چون وی در آن زمان در محل قتل نبوده ، چند روز بعد توسط دوستانش ، به قتل رسیده و صحنه خودکشی را به وجود آورده اند .

موارد دیگری را نیز به وی نسبت داده اند . مانند این که او برای رژیم تهران هم خبر چینی می کرده وا طلاعات افراد .C.I.A در لبنان ، که به منظور رهایی گروگان ها، فعالیت می کرده‌اند را، در اختیار آنان گذارده و به نظر اداره های اطلاعاتی غرب خائن شناخته شده است . اما پلیس کالیفرنیا حتی اگر به این نتیجه دست یابد که سپیرو باعث قتل خانواده و خودکشی خود شده است ، نمی تواند جواب قانع کننده ای به سئوال های مرموز زندگی مردی باشد که شاید بیشتر از آن چه که می بایست بداند، می دانسته است !

تا کشف واقعی حوادث اخیر ، هنوز خیلی زود است که پرونده ی وی در ایستگاه پلیس **رانچو سانتافه** بسته شود.

دکتر فریبرز (مایک) بردی

متخصص و جراح درمان ریشه دندان (روت کانال)

فارغ التحصیل از دانشگاه *U.S.C.*

استاد یار بخش روت کانال در دانشکده دندانپزشکی دانشگاه

U.S.C.



اورژانس ۲۴ ساعته

مطب در

Cedar Sinai Medical Towers
8631 West Third St., Suite 730 E
Los Angeles, CA 90048

(310) 652-0206

SIMON'S
KOSHER RESTAURANTS

رستورانهای کاشر سیمون

Glat Kosher وزیر نظر RCC اداره میشوند

پذیرای شما با لذیذترین غذاهای ایرانی
به صورت صددرصد کاشر



«کیترینگ سیمون»

برای جشنهای عروسی، نامزدی، برمیتصوا و بت میتصوا
در سالنهای متنوع و مجلل آماده پذیرایی می باشد

رستورانهای کاشر سیمون باداشتن ۲ شعبه در لس آنجلس از هر زمانی به شما نزدیکتر ند

وست لس آنجلس و بورلی هیلز
8706 W. Pico Blvd.
Los Angeles, CA 90035

دان تاون لس آنجلس
914 S. Hill St. بین خیابانهای نهم والدیک
Los Angeles, CA 90015

(213) 627-6535



مراکز کایروپراکتیک و فیزیوتراپی

دکتر فرامرز خلیلی

دارای برد تخصصی از انجمن کایروپراکتیک امریکا
عضو کادر پزشکی بیمارستان CEDAR SAINI
عضو انجمن پزشکان ایرانی کالیفرنیا



- دردهای عضلانی و مفاصل
- کمردردهای مزمن
- گردن درد
- دیسک و آرتروز
- درمان کجی ستون فقرات
- سردردهای مزمن و میگرن
- صدمات ناشی از ورزش
- امور تصادفات و صدمات شخصی
- درمان دردهای ناشی از صافی کف پا (ORTODICS)
- مجهز به مدرنترین دستگاههای رادیولژی و فیزیوترابی

مطب در وست وود

(310) 478-6869

1609 Westwood Blvd., Suite A, Los Angeles, CA 90024

منبع : کنگره جهانی یهود

ترجمه : رؤیا فاخری

نقش یهودیان در تحولات جهان



اروپا

خطر آلمانی

براساس آمار تهیه شده توسط اساتید دانشگاه کلن در آلمان ، جامعه کوچک یهودی آلمانی به خاطر تجدید حیات افراطیون دست راستی که پس از متحد شدن دو آلمان به وقوع پیوسته ، احساس خطر می نمایند .
نتایج این مطالعات نشان می دهی که ۴۵ درصد **یهودیان آلمانی اعتقاد دارند که دموکراسی توسط این افراد به شدت در خطر میباشد** . تنها ۱۰ درصد آلمانیهای غیر یهودی چنین احساسی دارند .

یدیش آکسفورد

یک لهستانی که در مورد مغول ها تحقیق می کند ، یک مترجم ژاپنی که آثار **ایزاک با شوویس سینگر** را در دست ترجمه دارد و یک قاضی عالیرتبه آلمانی جزو ۵۸ نفر شرکت کنندگان یک برنامه تابستانی به زبان یدیش (زبان یهودیان اروپایی) که توسط دانشگاه آکسفورد انگلستان و در مرکز مطالعات عبری این دانشگاه ارائه شده ، میباشند .

۷۰ در صد این دانشجویان شرکت کننده را افراد زیر ۲۵ ساله غیر یهودی تشکیل می داده اند .

اعتراض یونانی

جامعه یهودی یونان به خاطر کارتهای هویت جدید دولت که در آن مذهب تمام افراد بایستی قید شود ، به دولت اعتراض کردند . این کارتهای هویت ، قرار است به جای پاسپورت در جامعه اروپایی مورد استفاده قرار بگیرد .

آمار نگران کننده!

براساس یک آمارگیری در ایتالیا ، ۱۰ درصد افراد این کشور ضد یهود بوده و می خواهند که یهودیان این کشور را ترک کنند !

این آمار در مجله هفتگی "لا اسپرسو» براساس تحقیقات موسسه آمارگیری **«دموسکوپا»** منتشر شده است .

آمریکای شمالی

گوجه فرنگی درجه یک

فرماندار جدید نیوجرسی ، **جیم فلورید** ، طی سفر اخیر خود به اسرائیل ، قراردادی با **مرکز ولکانی** سازمان مطالعات کشاورزی به امضاء رسانید که متفقا" برای بالا بردن سطح کیفیت گوجه فرنگی در نیو جرسی همکاری نمایند .
هدف از این قرارداد ، توسعه و بازاریابی محصولات مخصوص آب وهوای نیو جرسی برای فروش بین المللی است .

الویس کاشر

آلن فوتاس ، که به تازگی کتاب جدیدی به نام **« از ممفیس تا هالیوود »** را نوشته است ادعا می کند که **الویس پریسلی** خواننده معروف آمریکایی خورا نیمه یهودی می دانسته است . زیرا خانواده مادری او یهودی بوده اند .

فورتاس می نویسد که ، **علاقه الویس برای یهودیان از آنجا سرچشمه می گیرد که وقت خانواده او از می سی سی پی به ممفیس نقل مکان نمودند وجایی برای اقامت نداشتند ، یک ربای محلی به آنان اجازه داد که در زیر زمین خانه اش زندگی کنند .**

▣ ضد اتحادیه کارگری !

براساس تحقیقی که توسط کمیته کارگری یهودانجام شده ، **۲۰ کشور عضو اتحادیه کشورهای عرب ،** حقوق کارگران و اتحادیه های کار بین المللی را به شدت نقض می نمایند .

در ۵ کشور ، اتحادیه کارگری به کلی قدغن می باشد (بحرین - عمان - قطر - عربستان سعودی وامارات عربی). در ۵ کشور ، هیچ گونه حق مذاکره و بحث گروهی برای حقوق کارگران وجود ندارد (جبیوتی - عراق - لیبی - سومالی ویمن). **در سودان، ترتیب دادن یک اعتصاب مساوی با مرگ است !**

▣ اسرائیل

فرودگاه بن گوریون اسرائیل بین ماه جولای و آگوست ۱۹۹۲ بالاترین رکورد مسافران را داشته است . در طی این مدت یک ملیون وپنجاه وهفت هزار نفربه این فرودگاه رفت و آمد کرده اند و در مقایسه با سال گذشته و شمار ۹۴۷،۰۰۰ نفر مسافر ، افزایش چشمگیری را نشان می دهد .

این افزایش در ماه سپتامبر نیر ادامه داشت که در عرض ۲ هفته اول ۲۰۰،۰۰۰ مسافر از این فرودگاه استفاده کرده اند که در مقایسه با سال گذشته ۱۳/۵ درصد افزایش نشان می دهد .

▣ کمک عربی

شیخ ادریس ساخوتا که یکی از مشاوران مذهبی اتحادیه اسلامی جهان (سازمان مذهبی بین المللی که مرکز آن در عربستان سعودی مباشد) **مبلغ ۱،۰۰۰ دلار به موزه اسرائیل کمک نمود . وی اولین کمک کننده عرب به این موزه است .**

▣ امتنان و تشکر

۳۵ فلسطینی ساکن نوار غزه از یک دوره دو ساله تکمیلی در علوم پزشکی دانشگاه بن گوریون فارغ التحصیل شدند . اینان از عکاسانی که از مراسم فارغ التحصیلی عکس بر می داشته اند خواهش می کردند که به خاطر آن که شناسایی نشوند از آنان عکس گرفته نشود !

▣ نشئه حشیش !!

براساس حفاری های باستانی در منطقه **« بت شمش »** اسرائیل ، شواهدی به دست آمده که از حشیش برای مصارف بهداشتی در قرن چهارم استفاده می شده است .

اثر دارویی مواد مخدر در منابع تاریخی قبلا" موجود بوده ، ولی این اولین باری است که توسط شواهد ، باستانی تأئید می شود .

اروپای شرقی

▣ یاد بود

مراسمی در محل یاد بود پوناری در حومه شهر **ویلینوس در لیتوانی ، جایی که بین سال های ۱۹۴۱ - ۱۹۴۵ حدود ۱۰۰،۰۰۰ یهودی را نازی ها با همکاری دستیاران لیتوانی خود به قتل رسانیدند ، برگزار گردید . پرچم های کشور که با روبان سیاه تزیین شده بود ، در ادارات دولتی و آپارتمان های سراسر این جمهوری به یاد بود این قتل عام دوران جنگ جهانی دوم ، به اهتزاز درآمده بود .**

▣ نماینده نفرت !

«استیوان چورکا» سیاستمدار بحث انگیزی که یهودیان را متهم به در اختیار گرفتن مجارستان می نماید و **« آرپادگونس »** رئیس جمهوری این کشور را عامل اسرائیل می خواند ، گویا در فکر این است که برای پست نخست وریری مجارستان خود را نامزد نماید . چوکار ، معاون شورای دموکراتیک ماگیار ناشر افکار دست راستی ها در حکومت ائتلافی فعلی می باشد .

علوم و تکنولوژی

▣ شمع و تکنولوژی

شرکت **سولار اینتر پلکس** متعلق به **پتاتیکوا** امتیاز حق ثبت شمعی که توسط خورشید انرژی می گیرد را از اسرائیل دریافت نمود . این شمع برای استفاده دربهشتیه (قبرستان یهودی) به کار خواهد رفت . **این شمع تنها پس از ۲ ساعت در معرض تابش خورشید قرار گرفتن به مدت ۲ هفته روشن خواهد بود .**

▣ پشتیبانی سلول

یک شیوه جدید موثر که از اشعه لیزر استفاده می کند تا سلول های آسیب دیده ستون فقرات را دوباره به‌کار اندازد، در مرکز طبی «سو آرسکی» تل آویو به وجود آمده است. در حال حاضر آزمایش های کلینیکی این روش در اسرائیل، آلمان، هند، ژاپن، اسپانیا وروسیه انجام می گیرد.

▣ روبات

یک دستگاه جدیدی که توسط کمپانی اسرائیلی «تی - ام - ان» اختراع شده است می تواند به قدرت حرکت و جا به جایی افراد معلول کمک نماید.

روبات ۲۰۰۰ - یک صندلی چرخدار را در صندوق عقب ماشین می گذارد و صندلی را با کنترل دور بلند می کند و کنار در راننده می گذارد. برعکس دستگاه های موجود که خیلی سنگین هستند، این دستگاه می تواند روی ماشین های کوچک سوار شود.

▣ روبات ۲

کیبوتص «**گیوات برنر**» یک دستگاه کنترل راه دور برنامه ریزی شده ای اختراع کرده به نام **MB-71** که رانندگان فلج را در ماشینهای مخصوص کمک می کند.

بااین وسیله استفاده کننده می تواند در ماشین و آسانسور را باز کند، دنده عوض نماید و دکمه فشار بدهد.

از گوشه و کنار

▣ شهردار یهودی

یک حسابدار که معروف به «آقای نه» به خاطر خط مشی های سخت گرانه می باشد، **اولین شهردار یهودی شهر بوئنوس آیرس آرژانتین** شد تا به اوضاع سر و سامانی بدهد.

«**سائول بوتر**» پس از آن که شهردار قبلی «**کارلوس گروسو**» به عدم لیاقت در اداره امور مالی شهر متهم شد واستعفا داد، به این سمت برگزیده شد.

با آن که آرژانتین کشوری با اکثریت کاتولیک می باشد، جمعیت یهودی آن در آمریکای لاتین از هر کشوری بیشتر است

▣ دست کمک

اتحادیه زنان یهودی «**زیمبابوه**» وظیفه کمرشکن «رساندن غذا به ۶۰۰۰ بچه زیر ۵ سال مبتلا به سوء تغذیه را به عهده گرفته است.

این منطقه که «**ماخاسا**» نام دارد و قراراست مورد کمک قرار بگیرد، یکی از مناطق روستایی کشوری است که دچار قحطی مرگباری در اثر خشکسالی منطقه شده است.

* * *

هاراو نیسیم داویدی
(فرزند جناب حاخام اوریل داویدی)
برای انجام مراسم بریت میلا درخدمت همکیشان عزیز میباشد دارای تجربه و تحت تائید ربانوت مرکزی و بیمارستان ملبن دراسرائیل.
هم چنین مراسم کتوبا و سخنرانی در مجالس تحت شرائطی پذیرفته می شود.
Tel: 213-965-9660

Sharon

GLATT KOSHER RESTAURANT



رستوران و کیترینگ گلات کاشر

شارون



کادر ورزیده این مجموعه صد درصد گلات کاشر که زیر نظر ربانوت محترم و آر سی سی می باشد، با برخورداری از تجربه چندین ساله خود در رستوران و کیترینگ از نیویورک قادر میباشد با در دست داشتن چندین هتل و سالن های مختلف از شماومهمانان گرامیتان مطابق سلیقه و بودجه شما به بهترین و مجهزترین سرویس از مجموعه ای وسیع بهترین و خوشمزه ترین غذاهای ایرانی و غیره را در اختیارتان میگذارد.

قبل از هر کیترینگ حتما با ما تماس حاصل فرمائید

۱۸۶۰۸ ونتورا بلوارد در شهر تازانا ، بین رسیدا و ویلبر .

(۸۱۸)۳۴۴ ـ ۷۴۷۲ و (۸۱۸)۳۴۴ ـ ۷۴۷۳

18608 1/2 Ventura Blvd. Tarzana, CA 91356

(818) 344-7473

امنون نتصر

یادداشت ها

مقاله یکم

۱ـ مقدمه

سالهاست، که گاهی بر حسب عادت وزمانی برطبق انظباط پژوهشی، بر روی ورق پاره ها یادداشتهائی از خود بجای میگذارم تا فرصتی دست دهد واین اوراق پراکنده را از درون جعبه ها، کشوها یا کلاسرهای پر گرد وخاک بیرون بکشم بآنها نظمی بدهم؛ فرصت دست نمیدهد. کارِ زیاد، مشکلات زندگی وکمبود وقت بانسان مجال نمیدهند. گاهی دلم میخواهد دیگران را در سفر طول ودراز بر پهنه زمان، که گویا ابتدای آن سنین سیزده چهارده سالگی است، شرکت بدهم. در این یادداشتها همه چیز است. از عشقها وآرزوهای انجام نایافته تا دوستی‌های فراموش نشدنی؛ از ناجوانمردی‌های دوستان ریاکار تا وفاداری بیگانگان آزاد اندیش؛ از پروازهای شبانه بر فراز خاک دشمن تا کلنجار رفتن با سگهای لاشه خوار در آنسوی کانال سوئز؛ از سفرهای سالانه به دهات ایران تا ضبط وثبت ترانه‌ها ولهجه‌های یهودیان شهرهای آن سرزمین؛ اینها وصدها، وشاید هزارها، موضوع روی برگهای رنگ پریده افکار درهم من حکاکی شده وبر امواج دریای بیکران زندگی‌ام سرگردان بدنبال ساحل میگردند. لابلای این یادداشتها، نوشتارهای خشک وبیجان پژوهشی نهفته‌اند که قرائت آن هربنده خدائی را خسته میکند. چرا فلان واژه عبری یا فارسی را یهودیان کاشان یا اصفهان یا بروجرد بصورتی مغایر از آنچه میان یهودیان شیراز ویزد وکرمان متداول است تلفظ میکنند؟ چرا مردم دهکده زفره فلان داستان یهودی را درباره مردم دهکده ورطون بر زبان میرانند؟ چرا خدا را خد-ا مینویسند؟ چرا ما را «جهود» میخوانند؟ جهنم وبهشت از کجا آمده‌اند؟ چرا بهاء الدین آملی وملا فیض کاشانی از یهودیان دفاع میکردند؟ آیا فردوسی آنتی سمیتیست بود؟ چه ارتباطی بین پند واندرزهای سعدی واندرزنامه‌های پدران یهودی ما وجود دارد؟ در فاجعه تبریز هفت هزار نفر یا هفتصد نفر یهودی را بقتل رسانیدند؟ افسانه زادن کورش از ملکه استر از کجا آمده است؟ ربی ابا اصفهانی چه گناهی مرتکب شده بود که شاه عباس اول سگهای درنده را بجان وی انداخت تا او را تکه پاره کنند؟ گفتنی زیاد است. ما این سلسه یادداشتها را بنام خدا شروع میکنیم:

۲ـ خدا یا خد-ا

درست نمیدانم از چه تاریخی پاره‌ای از همکیشان ایرانی ما خدا را دو قسمت کرده‌اند. این جدائی بین دو سیلاب اسم خدا در تاریخ ما یهودیان ایرانی سابقه ندارد. خدایم ببخشاد اگر گناهی مرتکب شوم ودست جسارت ببارگاه الهی دراز کنم. ولی تا آنجائیکه که من اطلاع دارم در هیچکدام از چهارصد هزار ورق نسخه‌های خطی یهودیان ایرانی که من در ظرف ۲۹ سال اخیر خوانده یا مرور کرده‌ام، نه بخط وزبان فارسی ونه بخط عبری وزبان عبری یا فارسی، چنین چیزی نیافته‌ام. از خود میپرسم این بدعت از کجا آمده، یا چگونه وچه موقع اختراع شده، پاسخی قانع کننده نمی یابم.

یهودیان کشورهای اسلامی، تا آنجائیکه که من اطلاع دارم، مرتکب چنین جدا سازی اسم خدا نشده‌اند. این معما را باید از راه فرهنگ اروپای شرقی حل کرد. یهودیان مؤمن وخدا ترس اروپای شرقی هرگاه واژه‌ای، نه تنها نام خدا، بخط عبری مینوشتند که در آن دو حرف عبری ی ه (יה) کنار هم قرار میگفت باحترام تقدس نام خدا این دو حرف را از هم جدا میکردند. بعبارت دیگر، اگر کسی نامش חזקיה بود این اسم را חזק-יה مینوشت. درست توجه بفرمائید: شما اگر تمام کتاب مقدس را زیر ورو کنید چنین رسم الخط من در آوردی پیدا نمیکنید. اینها این شیوه عقیدتی نگارش را با خود بخارج از اروپا بردند. کار بجائیکه کشید که انگلیسی نویسان مؤمن خدا را Go-d نوشتند. ما یهودیان ایرانی گویا بخاطر همین تماس با یهودیان اشکنازی خدایمان را بصورت امروزی در آوردیم. بنده نه در الف فارسی مقتبس از عربی تقدسی میبینم ونه در d انگلیسی حرمتی. از سوی دیگر نمیخواهم برای نویسندگان «نشریه بنی توراه» ویا ماهنامه «شوفار» نیویورک، که برای هردو احترام قائلم، تکلیف معیّن کنم. احترام به عقاید وایمان مردم، مادامیکه زیانی بکسی وارد نمیسازد، مرام ماست. این نوع رسم الخط یا املاء، که خود بدعت است، بکسی ضرری نمیزند. ولی بد نیست قدری در این باره فکر بکنید. سعدی گوید:

زحسن روی تو بردین خلق میترسم
که بدعتی که نبوده‌است در جهان آری

۳- جهود یا یهودی

بارها در سخنرانی های متعدد در لس آنجلس از من سئوال شد که منشاء واژه «جهود» از کجاست. گر چه باین پرسش به تفصیل پاسخ گفته‌ام ولی در مجالس و گردهمآئی‌ها باز این سئوال تجدید میشود. اگر بخاطر داشته باشم در یکی از نوشتارهای شوفار لس آنجلس نویسنده‌ای آنرا به جد وجهد تعبیر کرده بود. مردم هم رویهمرفته همین روش تعبیری را دنبال میکنند.

حرف j وحرف y در زبانهای ایرانی، تحت شرائطی، خصوصاً در ابتدای کلمه، بیکدیگر تبدیل میگردند. این موضوع را در مبحث زبانشناسی هند واروپائی بنام sound shift میخوانند. زبان فارسی، بعنوان یکی از لهجه های زبانهای ایرانی، متعلق بخانواده زبانهای هند واروپائی است. چنین تغییری در زبانهای اروپائی، مانند زبانهای ژرمن (آلمانی، نروژی، سوئدی وغیره)، زبانهای لاتین (فرانسه، ایتالیائی، اسپانیائی وغیره) وزبانهای اسلاوی (روسی، لهستانی، بلغاری وغیره)، وجود دارد.

ما مثل های فراوانی در این مورد، در قبال مقایسه میان فارسی وگویشهای مختلف ایرانی هزار سال اخیر، وزبانهای ایرانی ماقبل اسلام مانند پهلوی، فرس قدیم، اوستا، سغدی وغیره، داریم. در اینجا فقط برای نمونه از چند واژه آشنا نام میبریم:

جا	یا (همینطور در گیلکی ولهجه یهودیان اصفهان)
جادو	یادو
جام	یام
جاوید	یاوید
جدا	یدا (بتلفظ قدیمی yudā)
جربوز	یربوز (گیاهیست شبیه به کاسنی)
جم	یم (جزو اول نام جمشید)

در زبانهای اروپائی Jid در لهستانی، Jews در انگلیسی، Jude (تلفظ: یوده) بآلمانی.

آیا کلمه جهود نوعی اهانت به یهودیان بوده است؟ در مورد گذشته دور، بطوریکه از نوشته بالا استنباط میشود، پاسخ منفی است. بهترین دلیل اینست که یهودیان پاره‌ای از شهرها خود را چیزی مشتق از همین «جهود» مینامند. برای نمونه، یهودیان اصفهان خود را «جید» ویهودیان تات زبان نواحی قفقاز همدیگر را «جهور» (Johur) میخوانند. دلیل دیگر اینست که بعلت ایرانی بودن واژه جهود، تا آنجائیکه نگارنده اطلاع دارد، چنین واژه‌ای در کشورهای عربی معمول نیست. این خود نشان میدهد که واژه جهود هیچ ارتباطی با کلمه «جهد»، که یک واژه عربی است، ندارد. اگر چنین ارتباطی وجود میداشت، اعراب نیز آنرا بکار میبردند.

ضمناً همه میدانیم که در ایران یهودیان را بنام «کلیمی»، که منتسب به موسی کلیم الله است، میشناسد. این یک نسبت تازه است که نگارنده تاریخ دقیق ومقتضیات استعمال اولیه آنرا بدرستی نمیداند. از خوانندگان تقاضا میشود اگر اطلاعی در این خصوص دارند بنده را مطلع سازند. بهتر است هرگونه گزارشی در این مورد همراه با اسناد ومآخذ باشد.

در شعر پائین، که از شاهنامه فردوسی است، توجه کنید. واژه جهود بهیچ روی اهانت نیست، چون یهودیان در آن دوره باین نام خوانده میشدند؛ ولی ضرری ندارد قدری در بارهٔ طرز فکر این شاعر بزرگ بیاندیشید:

جهودان وترسا ترا دشمنند
دو رویند وبا کیش اهریمنند

زایش یک ملت

دوستان عزیز

آقای آبا ابان دانش پژوه و تاریخ دان مشهور یهودی در برنامه ویژه ای که روز ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳ از ایستگاه تلویزیونی KCET کانال ۲۸ از ساعت ۱ تا ٦ بعد از ظهر پخش می شود، شرکت خواهد داشت.
عنوان این برنامه « **ملتی متولد می شود** » نام دارد.
این برنامه دنباله سری « **تاریخ یهود** » که بسیار موفق بود ، می باشد.
همه شما را بدیدن این برنامه بسیار جالب دعوت می کنیم

سازمان سیامک



گفتار خودمونی

از: دکتر میترا مقبوله

چگونه خداوند را «سو» کنیم؟!

چندی پیش یکی از دوستان، قطعه‌ی فکاهی و طنز آلود بسیار جالبی را به نظر بنده رسانید که شاید نمودار فصل تازه ای در روابط میان انسان و خداوند باشد.

قضیه از این قرار است که:

بنده‌ی خدایی رنج کشیده و مصیبت دیده، نامه ای گله آمیز به مرشدی روحانیِ ساختگی می نویسد و می گوید:

« جناب مرشد! من فوق العاده از کار خداوند عصبانی هستم و دیگر تاب و تحملم تمام شده. از بچگی به من گفتند که اگر آدم خوبی باشم و مرتب دعا بخوانم، همه‌ی خوبی و خوشی جهان، شامل حال من خواهد بود. اما، من از این دنیا به غیر از بدی و ستم، چیزی ندیده ام! تازه، یک مشت از این « روحانیون » نوظهور که زبانشان جای نرم گذاشته، ادعا دارند که بنده شخصاً قبل از ورود به این دنیا، با خدا قرارداد بسته ام که این تجربیات تلخ را تقبل کنم! آخر جناب مرشد، چه قراردادی؟ چه کشکی؟ شما که به این مطالب وارد هستید مرا راهنمایی کنید که چه خاکی به سرم بریزم و اگر قراردادی در میان بوده چگونه می شود آن را لغو کرد؟ امضاء: ساده لوح ».

مرشد ساختگی در جواب می نویسد:

« ساده لوح عزیز! بزرگترین اشتباه تو این بوده که قبل از امضای قرارداد با خداوند، بایک وکیل مبرز مشاورت نکردی. حالا هم پیشنهاد می کنم که یک وکیل خوب که در امورات الهی خبره باشد بگیری و خدا را «سو» کنی. البته چون ممکن است که دستت به گنجینه ها و اموال الهی مخفی شده، در حساب های سری بانک های سویس نرسد، بهتر است که تشکیلات مذهبی مربوطه را هم «سو» کنی. قانون مربوط به « تبلیغات در **False Adertising** مطمئناً آنان را محکوم خواهد نمود. از سوی دیگر؛ چون شایع است که خداوند بخشنده و سخاوتمند است، هیچ بعید نیست که در اثر شکایت تو به دادگاه، او حاضر شود محض حفظ آبروی خودش هم که شده باتو کنار بیاید و به دادت برسد و اگر چنین شد، حرص و طمع را از خودت دور کن و سعی کن عادلانه رفتار کنی و گر نه ممکن است قرن ها و قرن ها در دادگاه الهی سرگردان باشی!»

از شوخی گذشته؛

اما، رابطه‌ی انسان با خداوند آن چنان سوژه‌ی عمیق و پیچیده ای است که کمتر کسی حال و حوصله و یا جرئت و شهامت گفت و گو در این مورد را دارد. ما هم اگر بخواهیم در قالب دو سه صفحه **«گفتار خودمانی»** و یا حتی در قالب دو صد میلیون کتاب قطور تکلیف بشریت را در رابطه با خداوند مشخص کنیم، فقط خودمان را مسخره کرده‌ایم. رابطه‌ی هر فرد با عنصر خلاقه که یکی از اسامی آن **« خدا» است**. در حقیقت خصوصی ترین جنبه‌ی زندگی او می باشد.

زمن‌گو صوفیان با صفا را
خداجویان معنی آشنا را
غلام همّت آن خود پرستم
که با نور خودی بیند خدارا

از طـرفی دیگـر، رابـطه انسـان بـا خداوند جنبه های فرهنگی، اجتمـاعی، روانـی و سیـاسی نیـز دارد کـه تـوسط دانشمندان ، محققین و فلاسفه ، مـورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گـرفته و می توان روی این جـنبه هـای عـمومی قضیه کلی بـحث کـرد. پـژوهش هـای انسـان شنـاسان ، جـامعه شنـاسان و روانشناسان متعدد نشـان داده است کـه اعتقادات قومی و فرهنگی پیرامون ذات خداو رابطه فی ما بین انسان و خدا ، در طرز تـربیت کودکـان یک جـامعه ، در مـادر سـالاری یـا پـدر سـالاری ، در دیکتاتوری خـانوادگـی و دیکتـاتوری قوه‌ی حاکمه ، و در رابطه کلی ما بین افراد جامعه ، نقش بسیار مهمی را ایفا می کنند.

و اما ؛

شاید هیچ رابطه‌ای در جهان شگفت انگیزتر و مرموزتر از رابطه قوم یهود با خداوند نباشد. گفته می شود که ؛

تورات مـقدّس در حـقیقت سـند « کتوبای ازدواج » میـان قـوم یـهود و پروردگار عالم است.

فراز و نشیب ها ، تلخی و شیرینی ها و قهر و آشتی هایی که در این رابـطه‌ی اعجـاب آور بـارها و بـارها رخ داده است، با چنان مهارتی در تورات ترسیم شده که همواره سرچشمه‌ی الهام بـرای بزرگ ترین نوابغ دنیای ادب بوده و می باشد.

اخیراً در کتابی به نـام «**بگو مگـو بـا خداوند**» (Arguing with God) یکی از جنبه های بسیار جالب رابطه‌ی یهودیان با خداوند مورد بررسی قرار گرفته است. بنابه گفته‌ی نویسنده‌ی این کتاب ؛

یهودیان بیش از هر قـوم دیگـر بـا پروردگار جهان بگومگو ، مکالمه و بحث و جدال کرده اند. (شاید به همین خـاطر نزد ایرانیان مسلمـان، پـیروان حـضرت موسی به «**کلیمی**» شهرت یافته است ؟!)

سنت قدیمی مکالمه و بحث و جدال یهودیان با خـداونـد در عـهد عـتیق از ابراهیم شروع می شود (حالا چـرا سـر قربانی کردن اسحاق یا اسماعیل با خدا جرو وبحث نکرده ، بماند برای بعد !)

در احادیث عرفانی یهود آمده است:

دلیل آن که حـضرت نـوح بـا هـمه والایی و پاکی به درجـه‌ی مـخصوص حضرت ابراهیم نایل نگشت این بود که؛ اعلام داشت که قصد دارد تمام ساکنین جهان به غیر از خاندان او را از بین ببرد، جناب نوح هیچ جروبحثی با پروردگار نکرد و بلادرنگ مشغول ساختن کشتی کذایی شد. در حالی که وقتی خداوند به حضرت ابراهیم اطلاع داد که قصد دارد دو شهر سدوم و گـمورا را نـابود کـند، ابراهیم بااو کلی چـانه زد و سـعی کـرد رای او را عوض کند. صـحبت از چـانه زدن با خدا شد، یاد داستان بامزه ای از آدم و حوا افتادم . می گویند که خداوند از حـضرت آدم خـواست کـه یک چشمش را به او بدهد تـا از آن حـوارا بیـافریند. آدم ایـن معـامله را رد کـرد و گفت که برایش خـیلی گـران تمام مـی شود. بـالاخره بـعد از چـانه زدن هـای مفصل حضرت آدم راضی شد یکی از دنده هایش را برای آفرینش حوا عرضه به دارد. چند روز بعد از زندگی مشترک با خانم حوا ، جناب آدم گریان و نالان به خداوند گله کرد که :

« این چه موجود ناسازگاری است که برای همسری من آفریدی !؟» خدا به او پاسخ داد:

«هر چه پول بدی آش می خوری !»

از شوخی بگذریم و به پردازیم بـه گومگوهای جدی تر .

برطبق روایات مندرجه در تورات، حضرت موسی (کلیم الله) این جا و آن جا مرتباًچند کلمه ای به منظور دررفتن از زیرباز مسؤلیت رهبری ، یا به منظور عدالتخواهی ، و یااز برای تعدیل خشم الهی و تغییر عقیده آفریدگار ، با خداوند صحبت می دارد و سخنانش اغلب موثر واقع می شوند. سپس نوبت یرمیای نبی و یونس و ایوب مـی رسـد کـه در قـالب سوزان ترین و کوبنده ترین جملات بـا خداوند گفت و گو و مجادله کنند. این سنت بدون وقفه ادامه می یابد. تا آن جا که در فیلم «**ویلون زن روی بام**» قهرمان فیلم «**طوبا**» (Tevia) بـا بـی آلایشـی و صفای باطن با خدای عالم به گفت و گو و دادخواهی می نشیند . امـا زیبـاترین ودلچسب ترین داستان از این مجموعه ، حکایتی است کـه گـویـای خـرسندی و رضایت خـداونـد از گومگوهـا و جـر وبحث با بندگانش می باشد . قضیه از این قرار است که یک روز ما بین چندتن از علمای یهود برسر تعبیر یکی از احکـام تورات اختلاف نظر شدیدی ایجاد شده بود . یکی از علما اصرار می ورزید که بـاید درست طبق نـص صریح کتـاب مقدس رفتار شـود . ولی ، بـقیه بـرایـن عقیده بودند که بـاید احکـام مـندرجـه رادر هر دوره از نو تعبیر کرد تا با ماهیت زنـدگی در آن دوره‌ی بـه خـصوص هماهنگ باشد . فرد معترض که دیگـر طاقتش طـاق شـده بـود ، از خـداونـد خواست که با انجام معجزه‌ای صحت نظر او را به اکثریت مخالف بفهماند.

بلا فاصله معجزه ای غیر قابل انکار (که وارد جزییات آن نمی شویم) رخ داد . در پس این رویداد غیر مترقبه، رهبر اکثریت خطاب به خداوند این چنین اعلام داشت :

«بارالها ! با عرض احترام کامل ، این طور به نظر ما می رسد که آن حضرت ، تورات را قرن ها پیش به ما تحویل دادید تا به توسط آن ، دنیای بهتری بسازیم . چون جنابعالی کنار گود نشسته‌اید و ما داخل گود هستیم ، بهتر است که مسؤلیت انجام کار را به عهده‌ی خود ما بگذارید. تحویل تورات از شما، تعبیر آن از ما !».

در اثر این نطق دفاعیه ، ندایی پر وجد و شعف از درگاه الهی شنیده شدکه:

« فرزندان من ، برمن پیروزگشته اند ! فرزندان من مرا در بحث شکست داده اند !».

بر طبق این نظریه ، اگر نیت ما خیر باشد و قلبمان پاک ، می توانیم با خداوند بحث و استدلال کنیم ، و اگر جرئت دادخواهی و گومگو با خداوند راداشته باشیم ، حتماً جرئت گو مگو با هر بنده خدایی که در محیط خانواده ، یا در محیط اجتماعی ، و یادرصحنه‌ی سیاسی ، قلدری و اعمال زور کند را ، نیز خواهیم داشت .

از دیدگاه رشد روحی و درون نگری ، مکالمه و نیایش و گومگوهای خصوصی ما با خداوند ، موجب نزدیکی ما با اوست. نزدیکی با خداوند، نزدیکی با آتش است. اما این آتش، آتش عشقی است ماورای هر آن چه که به ذهن و تصور آید. آتشی است که زباله های درون ما را می سوزاند و از بین می برد تا الماس وجود ما نمایان شود و خوش بدرخشد. همان گونه که به ابراهیم خلیل از آتش غرور گزندی نرسید و آتش بر او گلستان شد ، عنصر والای درون ما نیز از این آتش به سلامت خواهد گذشت :

مگریز ای برادر، تو ز شعله های آذر
ز برای امتحان را ، چه شود اگر درآیی؟
به خدا ترا نسوزد ، رخ تو چو زر فروزد
که خلیل زاده ای تو، ز قدیم آشنایی
شالم.

کلاس **از ماه فوریه**

کبالا

دکتر میترا مقبوله

زندگی آرام

عرفان زیبا

مقابله با سختی های زندگی

آشنایی با بنیاد های یهودیت

برای آگاهی بیشتر با دفتر « **سیامک** » گفت وگو کنید. **(۸۱۸) ۵۰۳ـ۱۲۷۰**

کیترینگ گلت کاشر جک بروخیم

Royal Catering (Glatt Kosher)

By Jack Berookhim

زیرنظر مستقیم آر.سی.سی (R.C.C.)

مدیریت، خوشنامی و تجربه طولانی
و درخشان مهندس جك بروخیم در امور هتلداری
وکیترینگ، رمز موفقیت چشمگیر مااست.

انواع اردور ـ شام و دسر در منازل ۲۲ دلار

در منازل اوپن باربکیو OPEN BBQ ۱۵ دلار

(۳۱۰)۴۵۸ـ۹۹۹۳

(310) 458 - 9993

جشن های بزرگ و کوچک شما راشاهانه برگزار می کنیم

کیترینگ انحصاری مجتمع فرهنگی ارتص (ولی)، مجتمع فرهنگی نصح (سانتامونیکا)
و بسیاری از هتل های درجه اول لوس آنجلس

نرخ مخصوص در ایام هفته در مجتمع فرهنگی ارتص و نصح از ۱۹ دلار به بالا

برای برگزاری مراسم عروسی، برمیتصوا، بت میتصوا، شاور، سمینار، کنفرانس،
نمایشگاه و غیره در مجتمع فرهنگی « ارتص » با ما تماس بگیرید.

نگاهی به وضعیت

تعلیم و تربیت یهودی

در

جامعه یهودیان ایرانی تبار لس آنجلس

(بخش دوم)



گفت و گو با: دکتر گیل گراف (نایب رییس) وخانم استر کریزمن (مسئول امور مهاجرین) در اداره آموزش یهودی BUREAU OF JEWISH EDUCATION

گزارشگر: جرج هارونیان

گفت و گویی که می خوانید دومین بخش از سری نوشتارها درباره وضعیت تعلیم و تربیت در جامعه‌ی ما می باشد. همانطوری که در بخش اول اشاره شد برای درک بهتر این موضوع پای صحبت و نظر خواهی دست اندرکاران و متخصصین امر آموزش و تربیت یهودی می نشینیم با این امید که طرح این مطالب مورد استفاده و توجه جامعه خصوصا" پدر و مادرها قرار بگیرد و در برنامه ریزی برای نسل های آینده کمک و راه‌گشا باشد.

مصاحبه ی این شماره با دو نفر از مسئولین اداره ی آموزش یهودی انجام می‌گردد. لازم به توضیح است که این اداره در واقع به منزله ی «وزارت فرهنگ» جامعه ی یهودیان این شهر می باشد که مسئولیت هماهنگی و نظارت بر امور مختلفه در تمامی مدارس و موسسات آموزشی این منطقه با آن می باشد. دکتر گیل گراف مردی خوش رفتار و درویش مسلک است که در ضمن این که یک حقوق دان و وکیل دادگستری است در «دانشگاه یهودیت» به عنوان استاد تاریخ یهود تدریس می کند و قبل از پیوستن به این اداره به عنوان مدیر درسه مدرسه ی مختلف این شهر انجام وظیفه کرده است. استرکریزمن مشاور در امور مهاجرین حدود هشت سال است که در این سمت زحمت می کشد و دارای درجه فوق لیسانس در مدیریت سازمانهای اجتماعی از دانشگاه یهودیت لوس آنجلس می باشد.

☐ چشم انداز:

«لطفا" اداره آموزش یهودی» را برای خوانندگان ما معرفی نمایید و قدری درباره ی تاریخچه ی آن توضیح دهید.

▣ گراف:

در حال حاضر حدود پنجاه منطقه یهودی نشین در آمریکا دارای این گونه تشکیلات برای اداره ی امور آموزشی خود می باشند. مسئولیت این ادارات اصولا" **هماهنگی و ارتقاء** سطح آموزش یهودی است. این مسئولیت در رابطه با تمامی مدارس با هرگونه فرم مذهبی است و در بر گیرنده ی مدارس از طیف رفورم الی ارتودوکس و همچنین مدارس تمام وقت و نیمه وقت است.

در لوس آنجلس خدمات ما حدود ۲۸۰۰۰ دانش آموز را در بر می گیرد که از این شمار حدود هشت هزار در ۲۷ مدرسه ی تمام‌وقت هشت هزار در ۷۰ مهد کودک دوازده هزار نفر در ۷۰ مدرسه ی بعد از ظهر می باشد و هم چنین شامل حدود دو هزار معلم نیز می باشد. به طور کلی می توان خدمات این اداره را به سه بخش تقسیم نمود:

۱ - تربیت معلمین از طریق سمینارها و برنامه های آموزشی ویا انتشار کتب و جزوه ها مربوط به رشته تدریسی آنها.

۲ - تقسیم بودجه ای که شورای فدراسیون برای این اداره تعیین نموده در میان مدارس و دانش آموزان بر مبنای ضوابط و معیارهای معین که در سال جاری در حدود یک و نیم میلیون دلار می باشد.

۳ - ایجاد برنامه ها و خدمات برای گروه های مختلف مانند گروه های سنی ۱۴ الی ۱۸ یا مهاجرین و یا کمپ های تابستانی و یا مسافرت به اسرائیل و غیره.

عضویت مدارس یهودی در اداره ی ما نیز طبق ضوابط می باشد. یک مدرسه ی تمام

وقت باید حداقل هفته ای ۱۴ کلاس در تعلیم یهودیت داشته باشد و یک مدرسه ی نیمه وقت حداقل شش کلاس در عرض هفته . البته ضوابط دیگری از قبیل سطح آموزشی معلمین نیز وجود دارد که بدین ترتیب آن مدرسه را عضو اداره ی آموزش یهودی می کند . به طور خلاصه این اداره را می توان **آدرس جامعه** در امر آموزش نامید . ما پس از نیویورک دومین اداره از نظر شمار دانش آموزش در سطح آمریکا می باشیم .

☐ **چشم انداز :**

آیا هیچ گونه آماری وجود دارد که به ما نشان دهد چند در صد دانش آموزان یهودی این منطقه به این مدارس میروند؟

▣ **گراف :**

بله ، اطلاعات ما این حقیقت را بیان می کند که در سنین بعد از بر میتصوا کمتر از بیست درصد از دانش آموزان یهودی به این مدارس می روند . مقدار زیادی از سنین ۱۰ الی ۱۲ سالگی به این مدارس مراجعه می کنند تا خود را برای این مراسم آماده کنند و تخمین رسمی ما این است که در سال تحصیلی جاری حدود یک سوم از دانش آموزان یهودی منطقه به طریقی از خدمات مدارس استفاده می نمایند و حدود دو سوم از دانش آموزان در یک زمان از دوران تحصیل خود به این مدارس مراجعه می کنند .

☐ **چشم انداز :**

آیا هیچ آمار علمی و رسمی درباره ی رابطه ی آموزش یهودی و « تحلیل قومی » وجود دارد ؟

▣ **گراف :**

اتفاقا" به تازگی طبق مطالعاتی که از طرف **«شورای فدراسیون های یهودی آمریکا»** بر روی آمار سال ۱۹۹۰ انجام شده نتایج قابل توجه و تکان دهنده ای حاصل گردیده . بر طبق این آمار :

کسانی که حداقل شش سال در مدارس **تمام وقت** یهودی تحصیل کرده اند امکان ۸۵ % ازدواج با یهودی دارند .

آن هایی که حداقل شش سال در مدارس **نیمه وقت** یهودی تحصیل کرده اند امکان ۵۵ % ازدواج با یهودی دارند و

آن هایی که هیچ گونه آموش یهودی رسمی ندارند امکان ۳۰ % ازدواج با یهودی رادارند. البته تفسیرات دیگری نیز بر این آمار شده که همگی را از حفظ نمی دانم و خوشحال می شوم که در آینده در اختیارتان بگذارم ولی فکر می کنم جواب سئوال شما را داده باشم .

☐ **چشم انداز :**

از مطالبی که قبلا" اظهار کردید و فکر می کنم برای جامعه ی ما بسیار جالب باشد این که چگونه اختلاف نظر و سلیقه میان ایدئولوژی های مختلف در داخل یهودیت را حل می کنید ؟ این مسئله در جامعه ی ما بحث های فراوانی به راه انداخته و شاید که تجربه ی شما برای ما هم موثر باشد .

▣ **گراف :**

ببینید . ما در این کشور که بر مبنای دموکراسی بر پا شده « **توافق کرده ایم که توافق نداشته باشیم.**» به زبان دیگر به عقاید یک دیگر احترام می گذاریم و همدیگر را تحمل می کنیم و در واقع در بسیاری از امور مشکل و مسئله یکی است .

مثلا" ، متخصصین ما در امر روان شناسی کودک و امور تربیتی می توانند هر مدرسه ای راکمک کنند زیرا هیچ فرقی ندارد که کودک در مدرسه ی کنسرواتیو یا رفورم یا ارتودوکس باشد ، مشکل همان است . یا در امور فنی مانند ارزیابی پیشرفت دانش آموز . اداره آموزش یهود مدارس را مجبور به تدریس مطالب به خصوص و یا دنباله روی از یک طرز فکر خاص نمی کند و این مسئولیت بر عهده ی خود مدارس می باشد . مدارس سنتی تر به تدریس تلمود اهمیت می دهند و دیگران شاید به تاریخ یهود و یا تدریس زبان عبری مدرن بیشتر اهمیت بدهند .

☐ **چشم انداز :**

لطفا" قدری درباره ی سابقه مدارس در این منطقه بفرمایید .

▣ **گراف :**

مدارس تمام وقت در واقع همواره در بخش ارتودوکس جامعه وجود داشته و منظورم **یشیواها** می باشد .

گروه های دیگر بیشتر به مدارس نیمه وقت اکتفا می کردند تا این که در اواخر دهه ۶۰ بعضی از افراد معتقد و از خودگذشته که می توان گفت قدری «**مدرن تر**» فکر می کردند اقدام به تاسیس مدارس دیگری کردند و از این جمله اند مدرسه **هشل HESCHEL** در منطقه ی نورتریج ویا آکیبا **AKIBA** در غرب لوس آنجلس . تا قبل از آن گروه غیرارتودوکس فقط مدارس نیمه وقت داشتند. فعلا" در این منطقه ما دارای پانزده مدرسه ی تمام وقت غیر ارتودوکس که چهار هزار دانش آموز دارند و حدود همین مقدار دانش‌آموز که در دوازده یشیوامشغولند می باشیم .

☐ **چشم انداز :**

مسئله ای که برای بخش عمده ای از جامعه ی ما مطرح است ، مسئله گرانی شهریه مدارس می باشد ؟ بسیاری با این که علاقه دارند فرزندانشان در کنار تحصیل دروس عمومی اصول یهودیت را نیز فرا بگیرند توانایی پرداخت این شهریه ها را ندارند چه باید کرد ؟

▣ **گراف :**

سئوال شما بسیار مهم است . این مشکل فقط برای مهاجرین نیست و آن هایی که سال ها در این جا بوده اند و شاید چند نسل است که در این مملکت بوده اند نیز این مشکل را دارند . جواب ساده نیست . این شهریه که مدارس مطالبه می کنند واقعا" حتی خرج آن شاگرد را

نیز در اکثر اوقات نمی پردازد و این مدارس مجبورند خود راسا" برای تامین بودجه ی خود اقدام به جمع آوری اعانه کنند . فراموش نکنید که دولت آمریکا هیچ گونه کمکی به این گونه مدارس نمی کند زیرا بر طبق قانون اساسی این کشور مذهب و دولت از یک دیگر مجزا می باشند . پس همان گونه که دول و جوامع برای خود **اولویت ها** تعیین میکنند ، افراد و خانواده ها نیز همین طور . آیا اتومبیل گران قیمت بخریم و یا در فلان منطقه منزل داشته باشیم با اجاره و یا قسط بالا و یا این که شهریه مدرسه فرزندمان را به پردازیم . این اولویت را خانواده ها تعیین می کنند . این را نیز تذکر بدهم که برای بسیاری این سئوالات مطرح نیست و در فشار مالی می باشند و باید که جامعه ی ما بورس های تحصیلی بیشتری پیش بینی کند و این مسئولیت بر دوش علاقمندان به مسئله آموزش یهودی است که برای آن در تشکیلات یهودی مبارزه و تلاش کنند و این را بدانید که این بحث که وجوه جمع آوری شده به کدام مصرفی برسند همواره وجود دارد . آیا کمک به مهاجرین اتیوپی و روسی مهم است یا ایجاد موزه و گروه کنسرت فیلارمونیک و یا کمک به مشکلی که ما صحبت آن را میکنیم . خوشبختانه هستند افراد خیراندیش در این جامعه که بنیادهایی برای پرداخت بورس به دانش آموزان و حتی معلمین ایجاد کرده اند ولی هنوز کافی نیست .

در سال جاری به علت رکود اقتصادی و کاهش اعانات که برای شورای فدراسیون دریافت می گردد مجبور به کاهش مخارج و پرداختی های خود شده ایم و با آن که بودجه ما ، ۲۴ ٪ کم شده ولی کمک ما به مدارس فقط ۵ ٪ کم شده .

در سال تحصیلی ۹۲-۱۹۹۱ کل بودجه مدارس یهودی لوس آنجلس بالغ بر ۴۵ ملیون دلار می بوده . از این مبلغ حدود ۳۱ ملیون دلار را شهریه ها پرداخته اند و حدود ۲ ملیون دلار نیز از طریق اداره ی آموزش یهود داده شده (کمک ما به اضافه ی بورس از بنیاد ها). یعنی حدود ۱۲ ملیون دلار امسال به وسیله این مدارس باید مستقلا" جمع آوری میشد که خصوصا" در این اوضاع خراب اقتصادی کار ساده ای نیست .

☐ چشم انداز :

لطفا" قدری راجع به «بخش مهاجرین» خود توضیح دهید . چه خدماتی انجام می دهید ؟

▣ کریزمن :

این بخش از سال ۱۹۷۹ تاسیس گردیده و در اوائل صرفا" برای کسانی که از شوروی سابق به آمریکا می آمدند برنامه داشت ولی بعدا" که شاهد ورود مقدار قابل توجهی از همکیشان خود از ایران شدیم برای آن ها نیز برنامه ریزی نمودیم .

مسئولیت اصلی ما در حوزه ی پخش بورس های تحصیلی مخصوص مهاجرین می باشد . کار دیگر ما برنامه ریزی برای ایجاد پل و نزدیکی میان جوامع مهاجربا جامعه ی بزرگ‌تر یهودی می باشد . به خاطر فرق موقعیت میان مهاجرین روسی و ایرانی برنامه ها نیز متفاوت است . یهودیان روسی پس از متجاوز از هفتاد سال با ریشه های خود آشنا می شوند در حالیکه جامعه یهودیان ایرانی از نظر اعتقادی و احساسی موقعیت محکم تری دارد . مشکل به نظر عمدتا" یادگیری سیستم جدید و تطبیق با آن می باشد. کتابچه هایی که به فارسی تهیه شده که سیستم آموزشی آمریکا را می آموزد و برنامه های مخصوص اولیاء از جمله برنامه ها می باشند . بسیاری برنامه های دیگر نیز می باشد که یهودیان ایرانی کمتر از آن ها استفاده می کنند و امیدوارم که در آینده بیشتر باشد .

☐ چشم انداز :

در عرض این ۱۳ سال چه تغییراتی در وضع مهاجرین ایرانی در رابطه با آموزش یهودیت می بینید؟ چه اقداماتی جامعه ما می تواند انجام دهد ؟

▣ کریز من :

اطلاعاتی که از مدارس به من میرسند حاکی از پیشرفت قابل توجه دانش آموزان یهودی ایرانی است . هم اکنون بیش از یک هزار دانش آموز یهودی ایرانی تبار در این مدارس مشغول به تحصیل می باشند . من فکر می کنم که در سطح اولیا این بسیار مهم و حیاتی است که بیشتر در امور مدارس دخالت کنند و همکاری داشته باشند و در سطح جامعه میدانیم که سازمان های متعددی در جامعه ی شما تشکیل شده و ما احتیاج به همفکری و همکاری با شما را داریم تا بتوانیم خدمات خود را بهتر ارائه دهیم . برنامه های متعددی است که شما می توانید در طرح ریزی و استفاده از آن شرکت داشته باشید.

☐ چشم انداز :

لطفا" اگر پیامی برای جامعه دارید بفرمایید .

▣ گراف :

اولا" من از این اقدام نشریه شما بسیار سپاسگزارم . می دانم که تاثیر مثبت خواهد داشت و اولیاء را بیشتر علاقمند خواهد کرد . ثانیا" زندگی یهودی بر آموزش یهودی متکی می باشد و یهودیت نه فقط در منزل بلکه در مدرسه نیز باید آموخته شود . تجربه نشان می دهد که **یاد نگرفتن یهودیت با یهودی نبودن** یکی است پس مدارس باید بخشی از منزل یهودی باشند .

▣ کریزمن :

در انتظار همکاری نزدیک تر و بیشتر با خواهران و برادران هم کیش خود در جامعه ی شما می باشم .

☐ چشم انداز :

متشکریم که این فرصت را دادید . موفق باشید .



خدمات بیمه ابراهیم فروزان



بیمه عمر با یکی از معتبرترین شرکتهای بیمه در آمریکا Transamerica Occidental Life Insurance Co.

۱۰۰۰/۰۰۰ دلار بیمه عمر با حق بیمه بسیار کم برای سن های مختلف

زن	مرد	سن
سالیانه ۸۵۰	سالیانه ۸۵۰	۳۰
سالیانه ۸۵۰	سالیانه ۹۶۰	۴۰
سالیانه ۱۱۴۰	سالیانه ۱۴۸۰	۵۰
سالیانه ۲۲۱۰	سالیانه ۳۳۴۰	۶۰ up

تاسن ۷۵ سالگی بیمه صادر میشود.

بیمه سلامتی
حاملگی
خانوادگی
گروهی
دندانسازی
ازکار افتادگی

213-742-3651

Abraham Forouzan, M.B.A.
1150 S. Olive St., Suite # 0062
Los Angeles, CA 90015

ELAT MARKET

ایلات مارکت

انواع و اقسام

مواد غذائی ایرانی کاشر میوه و سبزی تازه

✡ شیرینی جات ایرانی ✡ ماهی تازه ✡ قسمت دلی

نوار ویدیو ولوازم منزل

گوشت ومرغ صد درصد کاشر زیر نظر R. C. C وربانوت محترم ایرانی

۳۱۰-۶۵۹-۷۰۷۰ تلفن

نشانی ۸۷۳۰ غرب پیکو بلوار
8730 W. Pico Blvd., Los Angeles, CA 90035



From left, a banner hangs from the window of the New York office of the NAACP to remind America of its national shame; Reverend Martin Luther King, Jr., Reverend Ralph Abernathy and Rabbi Eisendrath march together in 1964

آوای خاموش!!

برگرفته از هفته نامه جوئیش جورنال ٦ آگوست ۱۹۹۲

این مقاله توسط پروفسور سیاه پوست به نام
هنری لوئیز گینتز که استاد انگلیسی و رئیس قسمت تحقیقات آفریقا - آمریکا
در دانشگاه هاروارد است نوشته شده
ترجمه ی : خسرو سرائی

در طول ده سال گذشته رابطه ی تاریخی بین سیاهپوستان آمریکایی و یهودیان آمریکایی (رابطه‌ای که ضامن پیشرفت های واقعی عصر حقوق مدنی به شمار می رفت) نشان دهنده صورت کریه دیگری بود!

هنگامی که ضد یهودیت در این مملکت به طور کلی رو به کاهش است ، در میان سیاهان آمریکایی رو به پیشرفت می باشد . جدیدترین آمارگیری که صورت گرفته نشان دهنده آنست که تنها نسبت **ضد یهودیت در بین سیاه پوستان دو برابر سفید پوستان است** بلکه این نسبت در بین سیاهان جوان و سیاهان تحصیل کرده مشخص تر و قاطع است !

این روش و طرز فکر برای بسیاری از سیاهان روشنفکر مسئله بغرنجی شده است ! و این چیزی است که اکثر ما مثل یک قرارداد نوشته نشده به سادگی سعی می کنیم درباره آن صحبت نکنیم . **زمانی که آمریکای سیاه از هر طرف مورد محاصره قرار گرفته است ، می توان گفت که دستی در کار است که این پدیده به سادگی نادیده گرفته شود و یا معالجه آن به صورت خیلی کوچک قلمداد گردد!** ولی این کار یک اشتباه محض است . همان طور که فیلسوف سیاه آمریکایی به نام **کرمل وست** پافشاری می کند که **ضد یهودیت سیاه مسئله ای جدی است و نه به مقدار کم ،** رسیدگی به مسئله ضد یهودیت سیاهان باید قاطع باشد هر چند که با مانع

روبرو شود . زیرا ، **کلیه زحمات و اعتبارات معنوی که برای از بین بردن نژاد پرستی کشیده شده هم اکنون در کفه ترازو قرار دارد .**

زمانی که **جسی جکسون** در یک سخنرانی آمیخته با احساسات در کنفرانس کنگره جهانی یهودیان در هفتم جولای ، تاریخ بد نام ضد یهودیت را محکوم کرد ، نه تنها سعی کرد فاصله از دست داده شده را که زمانی توسط **فضایل شایستگی ها و سیاست دانی جناب دکتر مارتین لوتر کینگ** به حد اقل رسیده بود دو مرتبه بدست آورد، بلکه یک توبیخ سخت گیرانه ای نیز (در عین حالی که اشاره‌ی ویژه ای به ضد یهودیت سیاهان نکرد) از رؤسای سازمان های سیاهانی نمود که با ایجاد فاصله و تفرقه انداختن باعث کسب قدرت برای خودشان می شوند! آقای جکسون و بقیه یاد گرفته اند که ما نباید اجازه بدهیم که این اشخاص عوام فریب ، گذشته ها را تغییر داده و به طرف منابع جدید کینه توزی دائمی سوق بدهند.

باید شروع به درک این نکته کنیم که ؛

ظهور تازه ی این ضد یهودیت جدید ، در کجاست ؟

اشتباه نشود که این ضد یهودیت از بالا گرفته تا پایین ، همه را شامل می شود و برای خشم و رنجش بیشتری توسط رهبرانی که می خواهند سخنگوی اکثریت باشند طرح ، پی ریزی و تکمیل می شود ! این ضد یهودیت سراسری ، **اکنون به مقدار بسیار زیادی مایه ی فضیلت طبقه تحصیل کرده می باشد !** این صورت جدید می تواند نشان گر فرق آشکارش از ضد یهودیت بین افراد طبقه پایین تر سیاهان آمریکایی که در حومه شهرها در سال های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ زندگی می کردند ، و از دیدگاه های مختلف نشان گر روش آشنایی که عبارت بود از دشمنی ارباب رجوع با مالک و صاحب کار در همسایگی یکدیگر ، باشد.

امروزه در شهرهای ما، این نوع خصومت به طور معمول شامل حال مغازه داران و مالکان کره ایست و به جانب آنان سوق داده شده ولی پیشه وران و بازرگانان اقلیت نقاط جهان مثل هندی های شرق آفریقا و چینی های جنوب شرقی آسیا نیز با یک چنین مخالفت اقلیتی روبرو شده و آن را تجربه کرده اند . می توان ضد یهودیت را نیز با در نظر گرفتن ضد یهودیت مسیحی و با در نظر گرفتن تاریخچه مسیحیت در طبقات سیاهان دنبال کرد.

بدبختانه نمونه های قدیمی روشنگر و توصیف کننده تعصبات جدید و نقش آن در آمریکای سیاه نیست . از یک جهت میل به سخن گفتن از این مسئله یک سخن کفر آمیز نیست . بلکه ، گذشته از مقاله ها و رساله ها ، شامل مقادیر انبوهی سخنرانی ها و کنفرانس ها در دانشگاه ها توسط دست اندر کاران جامعه به طرق خودسرانه و مختلفی ارائه می شود .

یک کتاب مورد توجه محافل نهضت مرکزی سیاهان به نام :

«ارثیه آدم یخی : منابع ماقبل تاریخی نژاد پرستی سکس و تجاوز در نزد غربی ها»، نوشته **مایکل برادلی** در این مورد بحث می کند که، آنان نسلی از انسان خشن و بی شعور نئاندرتال هستند و **با تأمل و بحثی بیشتر** ، می خواهند نتیجه گیری کنند که ؛

یهودیان ممکن است اصیل ترین **این انسان نئاندرتال باشند که یخ ترین آدم های یخی هستند** ! بعدا" سعی می کند شخصیت های **محیرالعقول و زشت** فرهنگ قدیمی یهودیان را تشریح کند !

هر چند این تئوری ، مسخره و مضحک به نظر می رسد **ولی این کتاب به تازگی و با تصدیق و سلام و صلوات گروه بخش آفریقایی سیتی کالج نیویورک** تجدید چاپ شده است ! **با پیش گفتاری از دکتر جان هنریک کلارک ، پرفسوری با کرسی مخصوص از هانتر کالج و سالار خانواده ی نهضت** مرکزی سیاهان !

دکتر کلارک به تازگی حمله ای به چند فرهنگی بودن **جامعه که** محصولی است از چیزی که او نامش را گذاشته بود **«مافیای فرهنگی یهودیان»**! کرده و در ضمن این که نظریات دکتر لئونارد جفرسن **را در** باب تصور همدستی یهودیان در سرکوبی سیاهان سر تیتر **روزنامه ها شد** ، روشنفکران دنباله روی او ، مثل **کانراد محمد و خالد محمد با گرد** آمدن در جوامع و مخاطب قرار دادن آنان و **شاگردان دانشگاه ها و** نویسندگان نشریات بازیگر این نقش اضطراب آور، **و مشروع ساختن** این عقیده بوده اند !

سال گذشته اخبار نامه دانشجویان سیاه پوست **دانشگاه یو سی ال را** به نام **«نومو»** از اهمیت **«اعلامیه پیران صیون»** حمایت کرد . این داستان دروغ و بی پایه ی جنجال بر انگیز دوران تزاری **می گوید: یهودیان توطئه ای چیده اند برای فرمانروایی بر دنیا و کسانی که این** گوشت را کوبیدند با مقاله ای که سر مقاله اش **«ضد یهودیت ؟ بررسی مضحک»** است ، روبرو شدند.

در اوایل امسال کانراد محمد نماینده **ملت اسلام از نیویورک** ، محیط زیست را به سادگی ضمیمه ضد یهودیت نمود **و این در حالی بود** که او یهودیان را مقصر در غارت نمودن **محیط زیست و از بین برنده** قشر اوزن دانست !

ولی کتاب اصلی راهنمای ضد یهودیت **«همبستگی های پنهانی بین سیاهان و یهودیان»** است که یک نشریه رسمی **ملت اسلام می** باشد . در ۳۳۴ صفحه ، و با داشتن **۱۲۷۵ یادداشت ته صفحه که باعث** دروغ پردازی خارج از حد این کتاب شده است **!**

این کتاب ، موقر و فاضلانه نشان داده شده **و امکان دارد که با** نفوذترین کتابی باشد که در عرض ۱۲ ماه گذشته **در جامعه سیاهان به** چاپ رسیده باشد .

این کتاب در کلیه دکان ها و مغازه هایی که **به صورتی رابطه ای با**

سیاهان در سراسر کشور دارد ، در دسترس قرار گرفته است. حتی در مغازه های مخصوصی که فقط با سنجاق و پارچه های مخصوص سیاهان قدیمی آفریقا و از این قبیل ارتباط دارد تا با کتاب ! این کتاب را نیز می توان با شماره مخصوص TRUTH ۴۸ - ۸۰۰ - ۱ سفارش داد . در عین حال این کتاب در نتیجه گیری خود در بسیاری از موارد ، حقایق تاریخی را به صورت کفر آمیزی عنوان کرده است . **این کتاب سفسطه انگیز و چشم و گوش باز کننده ، نمونه ایست از ادبیات تنفر آور که تاکنون توسط حوزه تحقیقات تاریخی ملت اسلام تهیه شده است !** این کتاب یهودیان را عامل اصلی جنایات تاریخی برده کشی محسوب نموده و یهودیان را بازیگران عمده و اصلی و نامتناسب این نقش قلمداد می کند و مجرمیت شگفت آور تاریخی در برده کشی و قتل عام و سوزاندن سیاهان ، باعث ایجاد یک فلسفه جدید شده است که سیاهان یک احساس خود موجه بینی داشته باشند.

این کتاب برای اطمینان خاطر ، تا جایی که امکان دارد سعی می کند قاطعانه و با استفاده از نقل قول ها و اقتباسات برگزیده ی منابع معتبر ، به صورتی موذی گرانه این سوابق تاریخی را بد جلوه بدهد . اما مولفان این کتاب می توانند اطمینان داشته باشند که تعداد کمی از خوانندگان کتاب این سختی را به خود خواهد داد که بروند و واقعا" درباره این گفته ها و نوشته ها تحقیق کنند . زیرا، اگر خوانندگانش واقعا" این کار را انجام دهند ، امکان دارد با یک حقیقت و تصویر کاملا" متفاوتی روبرو شوند.

آنان ممکن است از لابلای لاف زدن و خود ستایی مولفان کتاب بفهمند که برای مثال از تمام برده های سیاهی که از آفریقا به دنیای جدید صادر شدند ، تجار یهودی آمریکایی این کار، به **کم تر از دو درصد** می رسد. این تشخیص کاملا" بر خلاف گفته های ملت اسلام است که مدعی است یهودیان تسلط کامل بر این داد و ستد داشتند. امکان دارد با این حقیقت نیز روبرو شوند که **در خرید و فروش داخلی تعداد کل برده هایی که کل یهودیان تاجر فروخته اند کم تر از فقط یکی از شرکت های برده فروشی غیر یهودی مثل فرانکلین و آرم فیل بوده است** . به اختصار خوانندگان کتاب ممکن است آن چیزی دستگیرشان بشود که **هارولد برکمن** با سند و مدرک ثبت کرده است . تمام تکرار مکررات کتاب که یهودیان تسلط بر برده فروشی داشتند ، یک چیز فاقد اصول اخلاقی ، تغییر و دست بردن و تعویض اسناد تاریخی است . ولی شوم ترین عبارات این کتاب ، روی جلد اول آن به چشم می خورد

«برای ادامه جنایات یهود تا به امروز، در آینده قول های بیشتری داده شده است .»

هر چند کارهای کتاب هایی مثل **« هم بستگی های پنهانی»** فاضلانه باشد ، اساسی دانستن این کارها بیشتر نگران کننده است تا عقیده بر این که مجرمیت قابل توارث است . زیرا، چنین طرز فکری این طور پیشنهاد می کند که ، **شیطان نژاد پرستی مردم صرفا" با تاریخچه ی بدکاری هایشان ظهور می کند** . پس اعلام این جرم ها ، علامت های طبیعی مهمی هستند که شیطانی است .

چگونه این مذهب گناه خود را در مکالمات و برخورد های روزمره نشان می دهد ؟

در بهار گذشته یک میز گرد گفت و شنود در کلیسای سنت پال و اندروز نیویورک تشکیل شده بود تا فرصتی ایجاد کند برای **بحث درباره بردگی و بی عدالتی اجتماعی»** که برای شرکت کنندگان یهودی و سیاه پوست ، زمینه های مشترک وجود داشت .

اعتراض همگانی ناگهانی برخی از سیاهان حاضر در جمع ، باعث وقفه در ادامه صحبت در اصل مطلب شد ! سیاهان که شدیدا" عصبانی شده بودند ، می خواستند بدانند **چرا یهودیان ، این جنایتکاران تاریخ ، از بازماندگان شاهان و ملکه های آفریقایی ، معذرت خواهی نکردند و بایستی این کار را بکنند؟**

و سپس برگزار کننده این برنامه ، **ملانی کی کنترو ویتس** معذرت خواست و با صدایی که از شدت احساسات می لرزید گفت:

«من فکر می کنم از طرف بسیاری از مردمی که در این اطاق هستند صحبت می کنم وقتی می گویم متاسفم - ما از این جریان خجالت می کشیم و از آن تنفر داریم و برای همین خاطر این گرد هم آیی را تشکیل داده ایم .»

آیا باید ملانی کنترو ویتس های دنیا که اجدادشان توسط سزاریست ها قتل عام شدند و به تازگی توسط نازی ها سوختند ، هدف اصلی قهر ما سیاهان باشند ؟ از این بازی قهر آمیز چه چیزی دستگیر ما می شود !؟

تبدیل یک گذشته تراژیک به یک بازی رد اتهام؟ شاید این در فکر یک فرد حاضر دیگر در جلسه بود. خانمی با صورت برافروخته و با عصبانیت به او گفت :

«من معذرت خواهی نمی خواهم ! من تاوانش را می خواهم! ۲۰۰ هکتار زمین با یک قاطر و بهره اش.»

الان زمانه زمانی است که روح و جان آزادیخواهی را امتحان می کند . به راستی **لوئیس فراخان رهبر ملت اسلام** ، خودش بحث اصلی در پشت این مبارزه را در مقابل ۱۵۰۰۰ نفر در دانشگاه ایلی‌نویز در پاییز گذشته تشریح کرد. او گفت مقصود **«هم بستگی پنهانی»** ترتیبی دوباره دادن است برای یک همبستگی ، که برای ما زیان آور بوده است **«ترتیب دوباره دادن»** این جا یک لغت قابل بحث است . اگر همبستگی و نسبت با یک گروه دیگر زیان آور بوده است ، پس عاقلانه به نظر می رسد که باید هرچه زودتر آن را بدون هیچ ملاحظه‌ای به وسیله **«دوباره ترتیب دادن»** (مفهوم او این است که نسبت دوستانه ، اتفاق و ترقی را به یک نسبت کینه ، دشمنی و عدم اعتماد و تنفر) تبدیل کند. **ولی چرا یهودیان را مورد هدف قرار داد ؟** با استفاده از




Law Offices Of
Laurence A. Rose



درصورت بروز

تصادف

بادفترحقوقی ماومشاور
دلسوز، قاطع ، پرتحرک

فرامرزلوائی

تماس بگیریدودریافت خسارت
رابابهترین سرویس وکمترین حق الوکاله
برای حق قانونی خودتضمین کنید.

FREE Personal Injury Consultation

مشاوره اولیه رایگان است

(818) 705-1555 (213) 247-1555

SERJIK

سرژیک



خواننده ی جوان و
پرشور همراه با
ارکستر ۶ نفره خود
جشنها و عروسیهای
شما را به شبی
خاطره انگیز و بیاد
ماندنی تبدیل خواهد
ساخت .
این شماره را به
خاطر بسپارید .



(818) 500-7872

CARICATURE




DRAWING OF YOUR GUESTS

نقاشی کارتون از میهمانان شما

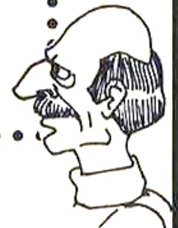
Any occasion:




*Barmitzvah
*Batmitzvah
*Birthday

توسط :

مهرداد تشالی

Studio 254

(310)470-2026

همان اصول اسلوب شناسی تاریخی . مگر تحقیق کنندگان کتاب تعدادی مقاله ی کفر آمیز و لعنتی را برای دخالت دادن دست چپی ها در قتل عام سیاهان نمی توانند تولید بکنند؟!

در جواب می توان برگشت به آن سوی راه معمول شیبولت [لغت عبری قدیمی] (یعنی راهی برای تشخیص دادن دشمن) که تعصب خشک و مطلب را مورد نظر قرار داده از جانب اشخاص عوام فریب و هو چی ها که با نقشه و در نظر داشتن عوامل سوق الجیشی از گفتار ها و پیشنهاد های یک سیاه نخبه و برگزیده که جانشین کس دیگری می شود. این موضوع باعث می شود که ، به طور خلاصه مطلب ضد یهودیت را به صورت یک اسلحه در جنگی خشم آلود ببینیم که چه کسی دنبال دلیل مشترک و همدردی با چه کسانی می گردد و یا کسانی که با وعظ کردن و سنگر بندی این موضوع را به داخل اصلیت نژاد پرستی می کشانند.

من معتقدم که استراتژی این **حواریون تنفر** مشخص و شناخته شده است (**در خود فرو رفتگی و محدودیت اقلیتی**) آنان می دانند که؛

هر قدر سیاهان آمریکا محدودتر باشند ، قدرت بیشتری خواهد داشت و چه چیزی موثرترین راه برای جدایی سیاهان آمریکا با متحد نشین هست ؟کوبیدن یهودیان ! و اگر این موضوع توسط اشخاص عوام فریب و یاوه گو انجام شود ، نصف مسئله حل شده است !

من شخصا" فکر می کنم که یک **سازنده کلمات قصار** به خوبی حق مطلب را ادا نمود. وقتی نتیجه گرفت !! ما به ندرت می توانیم **خودمان را قانع کنیم که کسانی که به ما کمک کرده اند را ببخشیم** ! زیرا؛ مسیر این گلوله طرف رابطه سیاهان یهودیان را طی می کند به طرف این گفته ای که مهمل به نظر می رسد.

بسیاری از یهودیان از این ظهور مجدد ضد یهودیت سیاهان با در نظر گرفتن تاریخچه دوستیشان متحیرند ! این واقعیت زشت را فراموش کرده اند که : **ضد یهودیت جدید به خاطر همین دوستی و اتفاق بین سیاهان و یهودیان سر بلند می کند و نه بر عکس.**

دقیقا" به خاطر یک چنین همکاری بین نژادی که خلاصه اش این شراکت تاریخی بین سیاهان و یهودیان است ، چیزیست که برای این **جنبش گوشه گیری** حالتی خطرناک را به وجود آورده است .

مختصرا" گناه اصلی یهودیان در نظر اشخاص کاردان و با تدبیر ضد یهودیت جدید (هرچقدر بی متناسب و ناجور به نظر می رسد) مداخله و شرکت در بردگی نبود. بلکه ، مبارزه آنان در خط مقدم برای حفظ و به دست آوردن حقوق مدنی بود .

شمار زیادی از روشنفکران سیاه پوست به دلایلی که شایسته و قابل قبول است ، از انتقاد کردن از رهبران سیاهان جبهه مخالف بیزارند . اما این کاملا" روشن و واضح است که :

حمایت از این سکوت دوستانه یک نوع تسلیمی است برای انزوا و گوشه گیری و خیانت کردن به مبارزه و پیشرفت ما. و برای اطمینان خاطر تعداد زیادی از نویسندگان ، روشنفکران و رهبران مذهبی سیاه پوست یک خط دفاعی در مقابل آن گرفته اند.

کرنل وست مستقلا" ضد یهودیت سیاهان را به صورت یک نوع میوه تلخی تشریح می کند که از ریشه های یاس و ناامیدی تغذیه می کند و به وسیله این لاف زدن ، شاخ و شانه کشیدن های یگانگی سیاهان محافظت می شود .

بعد از ۱۲ سال بی تفاوتی محافظه کارانه ، آن دسته از شخصیت های سیاسی با این غفلت زیان آورشان به عمیق تر شدن این بحران سیاهان آمریکاتن در دادند ! نباید تعجب کنند که ما خود را در مقابل این اشخاص عوام فریب و یاوه گو و سخنان تحریک کننده و تنفرانگیزشان این چنین زخم پذیر و قابل انتقاد نشان بدهیم .

تعصب ، همان گونه که یک قرن تراژیک به ما یاد داده است ، میکرب چرکی فرصت طلب است و موقعی حملات کینه آمیز و سمی خود را انجام می دهد که بدن سیاست در ضعیف ترین حالت خود می باشد . در عین حال کسانی که به موضوع آمریکای سیاه (سیاهان آمریکا) چیزی که نمی توان از آن اغماض کرد ، اهمیت می دهند به سادگی و خوش باورانه نباید بگذرند. این مقدار احترام را ما مدیون خود هستیم . زیرا ؛

این وظیفه بر شانه ی همه ما هست که دو مرتبه اصل مهمی را که «دکتر مارتین لوترکینگ» از دید بزرگ خود مصرانه روی آن پافشاری می کرد ، به دست آوریم که «ما در یک شبکه ی دوسره و غیر قابل فرار گرفتاریم ، و هر چیزی که مستقیما" روی یک نفر تاثیر بگذارد ، غیر مستقیم روی همه تاثیر خواهد گذاشت» این مطلب چه آسان می توان فراموش شود و چه واجب است که گوشزد گردد.

علاج واقعه ، قبل از وقوع باید کرد !

کنیسای سیامک ، ویژه ی نوجوانان و جوانان ، جمعه شب ها ، به زبان انگلیسی

گشوده دری به جهان یهودیت

GENERAL DENTISTRY
COSMETICS DENTISTRY
ORTHODONTICS

دکتر موریس واحدی فر

MAURICE VAHEDIFAR, D.M.D., M.S.

دندانپزشک فارغ التحصیل از دانشگاه های پاریس و سانفرانسیسکو
استاد پیشین دانشگاه ملی

اکثر بیمه ها پذیرفته میشوند

12304 SANTA MONICA BLVD
SUITE 117
W. LOS ANGELES
CA 90025

(310) 820-4328

منطقه سانتامونیکا- لوس آنجلس غربی
(غرب باندی)

* سفید و مرتب کردن دندان
* روکش و پوسته چینی بدون فلز
* باندینگ بستن فواصل بین دندان
* کاشتن دندان
* درمان لثه بدون جراحی

SAYEH
VIDEO AND PHOTOGRAPHY
سایه فیلم

با سابقه ۳۵ ساله در ایران و لوس آنجلس

مجهز به استودیو کامل عکاسی و ویدئو





عکسهای خانوادگی ــ برنزه ــ عکس پاسپورت و گرین کارت ــ بازسازی عکسهای قدیمی
عکسبرداری از کالا جهت تبلیغات ــ تهیه و ادیت نوارهای ویدئو ــ ادیت فیلمهای خانوادگی
شما ــ تبدیل ویدئو به سیستمهای مختلف جهان

310 • 652-3333
351 S. ROBERTSON BLVD., BEVERLY HILLS, CA 90211

خدمات مالی و حسابداری خبره

زیر نظر حسابداران متخصص و قابل اعتماد

تهیه و تنظیم اوراق مالیاتی آخر سال ـ سیستم های حسابداری و کامپیوتری ـ سود و زیان ـ
ترازنامه حسابداری و مالی ـ تهیه لیست حقوق کارکنان ـ مالیات فروش و اوراق مربوطه
مشاوره در امور وام های مسکونی و تجارتی
هرگونه مشاوره اولیه « رایگان » می باشد

نشانی : شماره ۱۱۲ خیابان نهم دان تاون لوس آنجلس جنب کالیفرنیا مارت
تلفن: 9098 - 689 (213)

مواظب باشید

کسی بو نبره !!!

نوشته‌ی : عزیز نسین

ترجمه: ثمین باغچه‌بان ـ احمد شاملو



«اگه دلتون می خواد ، بگین اینجاس ... اگه دلتون می خواد ، بگین اونجاس ... هر چی که دلتون می خواد ، بگین ... در هر حال ... نه خونه ی شماس نه خونه ی ما ؛ اما همه مون کم و بیش تو اون خونه زندگی می کنیم !...»

اتفاقی که تو خونه می افته ، هر چه باشه ، نباید بیرونا درز کنه . نباید به گوش احدالناسی برسه .

پسر کوچکه ، سرش را پایین انداخته بود و به حرف های پدرش گوش می داد .

«ـ حالیت شد یا نه ؟»

پسر کوچکه با صدای خفه ای جواب داد :

«بله پدر !»

درست یک هفته پس از این سفارش ، از دفتر دبستان نامه ی محرمانه یی برای پدر بچه فرستادند که پسر کوچکه دزدی می کند و ... از این حرف ها ! ـ آن وقت بود که پدر خانواده، دخترش ، پسر بزرگه ش ، زنش ، مادر زنش ، همه را جمع کرد و گفت :

«ـ مبادا ، مبادا به گوش کسی برسه ، که جلو کس و ناکس حیثیت و آبرو برامون باقی نمی مونه ...»

تا آن تاریخ ، هیچ کدام از دله دزدی هایی که پسر کوچکه توی خانه می کرد به گوش کسی نرسیده بود : برای خاطر حیثیت خانوادگی ـ که می بایست محفوظ بماند ـ روی تمام آن ها سرپوش گذاشته بودند .

هر وقت مهمانی به خانه شان می آمد ، وقت رفتن مقداری از محتویات پالتوش معلوم نبود چی شده ... پدره سخت پابند حیثیت و آبروی خانوادگی بود ، باز دوباره همه را دور خودش جمع می کرد و ـ :

کیترینگ کاشر بهادر

اعتبار کیترینگ های لوس آنجلس
اورنج کانتی ـ سان دیاگو



محفل و شبهای پرخاطره خود را با غذاهای خوشمزه بهادر گرم سازید.

بهادر کیترینگ پرسابقه لوس آنجلس با ارائه سرویس برتر و کیفیت بهتر همیشه آماده است از مهمانان عزیز شما پذیرائی کند.





تلفن : ۷۱۳۵-۶۰۹ (۸۱۸)

18750 Oxnard St., # 415 • Tarzana, CA 91356

«آی بپایین ، بپایین به‌گوش کسی نرسه !»

و احتمالا" «اگر برایش امکان می داشت» حاضر بود دو برابر قیمت چیزهایی را که آقازاده از جیب پالتو مهمان کش رفته بود، تاوان بدهد.

با خانم مهمانی که گوشواره هایش را روی دسته ی مبل گذاشت و وقت بلند شدن دید جاتر است و بچه نیست ، اول کسی که صحبت کرد خود پدره بود :

«آها ! لابد از گوشتون افتاده ، متوجه نشده این !»

بعد از رفتن مهمان هم ، وقتی مادره هر دودکشان جلو پرید یک جفت چک آبدار تو گوش پسر کوچکه بزند که **«ای حروم لقمه ی چموش»** - باز هم پدره بود که سراسیمه پرید و پنجره ها را بست ، و با لحن پر از عجز و الحاحی گفت :

«- یواش ، خانم جون ! یواش ... آخه ما که پاک پیش در و همسایه آبرومون رفت ...

***

پدر که در مقابل اعتیاد پسر بزرگه به سیگار ، متانت قابل تحسینی از خودش نشان داده بود ، وقتی از معتاد شدن پسره به حشیش خبردار شد ، فورا" جلسه ی خانوادگی را تشکیل داد :

«- فقط مواظب باشین که از این موضوع چیزی به کسی گفته نشه ... اسرار خونوادگی ، هیچ وقت نباید از چار دیواری خونه به خارج درز کنه ...

***

اول بار ، پسر بزرگه شروع کرد شب ها به خانه نیامدن . و بعدش هم پسر کوچکه ...

پیش از آن ، گاهی که شب ها دیر وقت به خانه می آمدند ، اگر مادره شروع به سرزنش آن ها می کرد ، پدره فوری خودش را می انداخت وسط و خانم را ساکت میکرد :

«- ای وای ! چه خبره خانوم ، چه خبره !»

چرا فکر نمی کنی اگه صدات به گوش یکی برسه چه آبرویی ازمون میره ؟ و بعد هم که پسرها پیشروی کردند و دیگر شب ها یک قلم به خانه نیامدند ، پدره فوری به دانه دانه اهل خانه دستور داد که :

«- خیلی مواظب باشین ها ! این خبر به هیچ وجه نباید جایی بازگو بشه !»

***

مدت زیادی از این جریان نگذ شته بود که پسر بزرگه به جرم فروش تریاک افتاد به زندان، و پدره هم فوری جلسه محرمانه خانواده را تشکیل داد :

«- باید خیلی مواظب باشین ها ... مبادا ، کسی این جریانو بفهمه که آبرومون پاک در خطره !»

«- خوب . اما آخه اگه یک پرسید کجاس ، چی بگیم ؟

«- رفته مسافرت و ... وس سلام !»

از این قضیه هم چیز زیادی نگذشته بود که، پسر کوچکه هم به جرم دزدی افتاد توی زندان . پدره ، مثل عقاب نر ، اعضای خانواده را از ریز و درشت زیر بال خودش جمع کرد و به شان گفت :

«- مردم نباید از داخله ی زندگی ما چیزی بفهمن . جلو دهناتونو سفت بگیرین : اگرم کسی ازتون پرسید پسره کجاس ، بگین بهش ماموریت دادن رفته یه شهر دیگه ... خوب فهمیدین ؟»

و به این ترتیب ، از آن به بعد ، پسر بزرگه مدام در این شهر و آن شهر سیر آفاق وانفس می کرد ؛ و پسر کوچکه هم با ماموریت های مهم دولتی دور کشور می گشت !

***

وقتی شکم دختره شروع کرد به بالا آمدن، پدره همه افراد خانواده را به گوشه یی کشید و گفت :

«- به حریم خونواده احترام بذارین، حریم خونواده ، حریم مقدسیه ... هرچی که تو داخله ی خونه اتفاق می افته ، باید همونجا ، تو داخله ی خونه هم بمونه ... مواظب باشین کسی از این موضوعا بو نبره !»

خلاصه - با یک عمل ساده ، باد شکم دختر خانم خوابید . و بعد از این که این عمل ساده چندین بار تکرار شد ، دختر خانم هم شروع کرد به اینکه بعض شب ها دیر به خانه بیاید ، و بعدش هم ، دیگر بعض شب ها اصلا به خانه نیاید !

یک روز دو نفر آمدند در خانه را زدند و گفتند :

«- دخترتون بابت قمار دیشب سه هزار لیره مقروضه .»

«- آقا جان ! ما خونواده ی آبرومندی هستیم . دستم به دامنان . یک امروز را صبر کنید ، فردا تشریف بیارین خودم خدمتتون تقدیم می کنم .»

تا فردا ، با فروش چند تکه اثاث و لوازم خانه ،کم و کسر سه هزار لیره رو به راه شد .

پدره بدون این که منتظر آمدن طلبکارها بشود ، خودش برد سه هزار لیره را داد و در جلسه خانوادگی گفت :

«- بع له ! اگربه هم روکثافت خودش خاک می ریزه . هیچ کدوم از اسرار خونوادگی نباید از چار دیواری خونه بیرون بره ... آدم تو این دنیا دوستم داره، دشمنم داره ... توی خونه هزار جور اتفاق ممکنه بیفته - ، نه فقط تو خونه ی ما ، توی هر خونه یی همین جوره .- چیزی که هس ، هر کسی ، بایس اسرار خونه ی خودشو پیش خودش نگهداره ...

***

چندی نگذشته بود که ، پدره مجبور شد یکی از خانه هایش را بفروشد و هر جوری شده دو هزار لیره فراهم کند . چون که پسر بزرگه کلاهبرداری گنده یی کرده بود ؛ و جماعتی ، قیل و قال کنان آمده بودند در خانه

را زده بودند هزار جور خط ونشان کشیده بودند .

بعد از آن هم پلیس آمد دم در ، سراغ پدره را گرفت و خبر داد که مادر خانم ، در یک خانه ی فساد که ناگهان مورد حمله ی پلیس قرار گرفته ، به دام افتاده است !

پدر ، اول کاری که کرد ، مامورها را آورد تو که کسی آنها را دم در خانه نبیند . و بعد هم ازشان خواهش کرده بود که مواظب باشند ، خیلی مواظب باشند ، که کسی از قضیه بو نبرد .

روز بعد ، قضیه در روزنامه منعکس شده بود . منتها ، بزرگواری کرده بودند و اسم کسی را نبرده بودند . همین قدر نوشته بودند که :

«یک بانوی پنجاه و چهارساله ، منسوب به یکی از خانواده های سرشناس و محترم شهر ...»

***

هنوز مدت زیادی پشت این حادثه باد نخورده بود که خانم متعلقه ، در یک قمارخانه بی جواز به چنگ پلیس افتاد . و دختر خانم هم در ... در یک جای دیگر !

پدر ، در حالی که برای نجات آن ها به این در و آن در می زد و تلاش می کرد ، همه اش با خود خوری فراوان اصرار داشت که :

«- مواظب باشین ... ترو خدا فقط مواظب باشین که قضیه به‌گوش این و اون نرسه ...»

و بخصوص سعی می کرد به هر قیمتی شده به چنگ خبرنگار های سمج جراید نیفتد. و هر جور که هست ، قضیه را ماست مالی کند و سر و ته آن را هم بیاورد.

***

بالاخره یک روز ، پدر ، همه افراد خانواده را دور میزی جمع کرد ، اجتماع مقدس خانوادگی را تشکیل داد ، رشته ی سخن را به دست گرفت و گفت :

«- همه تون گوشاتونو خوب واکنین ، ببینین چی میگم :- ما خونواده ی شرافتمندی هستیم و تو این شهر حیثیت و آبرو داریم الاهی خداوند تبارک و تعالی خودش جزاتونو بده !... هر غلطی که می کننی بکنین ؛ فقط شمارو به اون وحدانیت خدا ، شمارو به اون وجدان نداری تون قسم میدم ، مواظب باشین به گوش کسی نرسه ... اسرار خونواده ، باید توی خود خونواده بمونه ، توی خود خونواده دفن بشه ... مردم بیکارن آقاجون ؛ مردم بیکارن ، دهنشونم چفت و بست نداره ... یک کلاغو چهل کلاغ می کنن . یک کاهو یک کوه می کنن . میره این ور واون ور می شینن پشت سر آدم حرف در میارن ، پشت سر آدم هزار جور حرف مفت می زنن ... مواظب باشین کثافتکارهاتون بگوش کسی نرسه ، مواظب باشین کسی سر از کاتون در نیاره ... به خداوندی خدا قسم که جلو این واون خوبیت نداره ... حالا اگه تو خودمون باشه باز آدم میگه به جهنم !- اما آخه ، جلو در و همسایه ...

مادره، گفته بود:

«- راس میگی ، آره ، حق با تونه جونی ... اما آخه این خونه ، تصدیق بکن که خیلی کوچیکه ... همچین گنجایشی نداره که تموم اسرار خونواده توش بمونه ... هر چقدرم که آدم سعی بکنه . باز بالاخره یه جوری به بیرون درز می کنه ...»

یک عمارت چهار طبقه اجاره کردند .

در طبقه زیر ، پسر بزرگه ، معاملات مواد مخدره به راه انداخت ...

در طبقه دوم ، مادر زن ، نجیب خانه دائر کرد ...

در طبقه سوم ، خانم ، قمار خانه ترتیب داد ...

در طبقه چهارم ، دختر خانم ، فروشگاه اجناس قاچاق واکرد و به قاچاق ارز پرداخت ...

پدره با گردن شق و سینه ی جلو داده در تمام این طبقات به آمد و رفت مشغول شد ؛ و دلش خوش بود که سرانجام توانسته است حیثیت و شرف و ناموس وآبروی خانواده را پیش در و همسایه محفوظ نگهدارد .

اگر طبقه ی زیر صدایی بلند می شد ، فوری خودش را به آن جا می رساند و :

«- آی هیس ! آی هیس ! مواظب باشین کسی نشنوه ، جلو این و اون خوبیت نداره !»

اگر در قمارخانه قیل و قالی راه می افتاد ، فوری خودش را به آنجا می رساند و :

«- آی یواش ! آی ترو خدا یواش ! بپائین کسی نفهمه ... از قدیم ندیماگفته ان : عبادت هم پنهون ، قباحت هم پنهون »

اگر در عشرتکده ی مادر زن جنجالی به پا می شد ، فوری خودش را به آن جا می رساند و :

«- ای بابا دخیلتونم ○ دیوار موش داره ...»

***

اما ...

با همه ی این احوال ، دیشب پلیس بی خبر خانه را محاصره کرد .

تمام اهل محل خبر شدند و ... پیش از هر کار دیگر ، تعجب کردند !

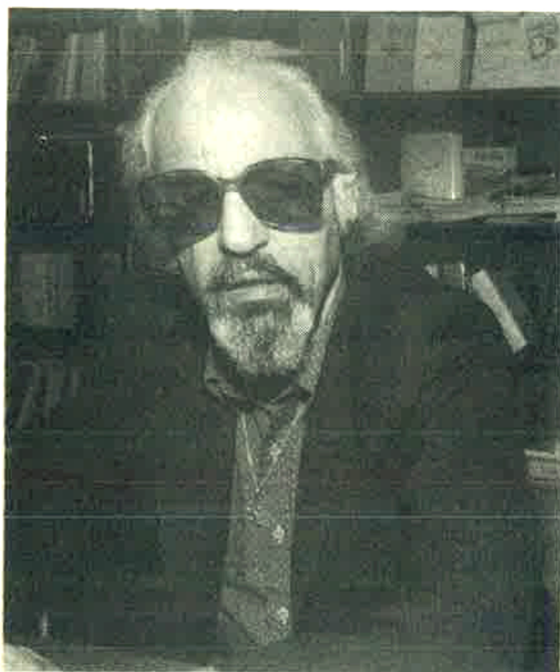
موقعی که مامورها مثل مور و ملخ از در و دیوار و پنجره می ریختند تو ، پسرها و دختره و خانم و مادر خانم شروع کردند عجز و التماس کردن :

«- آی ! ترو خدا یواش ! آقا خوابه ... فقط مواظب باشین آقا نشنود ...»

اما آقا از خواب پرید و دید که اهل و عیالش را جلو چشم همه اهل محل سینه کرده اند و می ریزند توی کامیون ها ...

همان طور با پیژامه دوید دم در ، داد زد :

«- ذکی ! فهمیدن ، جهنم !... زیاد خیالات نکنین ... یه خونه ی دیگه می‌گیریم . این خونه ، باز هم کوچیک شده بود : یه خونه ی بزرگ تر می گیریم ...»



سالی چند با:

کهن ترین یهودیان ایران !! در شیراز

نوشته ی : برهان

● **گوشزد:**

سخن از امروز و دیروز ، هفته ها و ماه ها ، سال ها و دهه ها نیست . سخن از بیست و پنج سده پیش است...

سخن از فردای آزادی بخشی جهانی است...

سخن از آزادی یهودیان است...

فردای آزادی بابل و پخش فرمان آزادی جهانی مردمان ، از سوی

کوروش بزرگ شاهنشاه سرفراز ایران

و یهودیان در بند آزاد شدند...

و... گفته اند:

گروهی از یهودیان آزاد شده ، همراه با آزادی بخش خود، «**کوروش**» ، همان کس که در نامه ی بزرگ ،کهن و دینی شان از او به «**آزادی بخش**» یاد شده ، به ایران می آیند، به پارس می رسند و در شیراز بار و بنه پهن می کنند ، آن جا می مانند و شیرازی می شوند. ... و یهودیـــان شیرازی ، همشهریان دو هزار و پانسد ساله‌ی ما شیرازیان هستند...و شاید هم ما همشهری آنان !

کسی چه می داند !!

... واکنون !

● **تلخ و شیرین باهم !**

بزرگ تران ، ما بچگان را از یهودیان می ترساندند !!

همه‌ی بچه ها باور داشتند که ؛

«... **یهودیان دشمن بچه مسلمانان هستند !** بچه را می دزدند به خانه هاشان می برند ، گرداگردش را می گیرند ، هر کس میوه ای در دست می گیرد، سوی بچه مسلمان دراز می کند تا بچه پیش آید که میوه راگیرد، دارنده ی میوه ، با سوزن تیزی که در دست دارد ، به بچه می زند و خون او را می گیرد تا در خمیر نانی به نام «**فَتیرَک**» ریزند !!

برای چه ؟!

گویا خدا هم نمی داند!»

و همین یهودیان ، دسته هایی هنری داشتند که به آنان «**قوّال**» می گفتند (در هند و پاکستان هم باگروهی از هنرمندان برجسته رویاروی می شوی که سروده های **پیر بلخ ، مولوی** را به شیوایی و زیبایی می خوانند و همنوازان با آنان می نوازند و گاه می خوانند . به ایشان نیز «**قـوال**» مـی گویند) و گاه ، شاهکارها داشتند و شادی آفرین بودند .به ویژه برای بچه ها .

آن زمان بود که « **فتیرک آن چنانی** » به فراموشی سپرده می شد !!

● نگاهبانان ساز و نوا

نمی دانم آن چه می نویسم تنها در شیراز بود یا در دگر شهرهای کشورمان هم ، یهودیان چنین می کردند ؟

« **بسیاری از یهودیان در شهر ما شیراز ، سرگرم ساخت و پرداخت سازهای ایرانی بودند و نگاهداری و آموزش ساز و نوا...** »

شاید برایتان شگفت انگیز باشد اگر بدانید که ؛

در میان یهودیان شیراز ، خانواده ای داریم زیر نام« **غانونی** » . این خانواده واپسین کسانی هستند که ساز نژاده (اصیل) ایرانی به نام **غانون** (قانون) را در آغوش نگاه داشته و چون جان شیرین به دوستداران هنر پیشکش می کردند.

« **جلال و منوچهر** » دو نام آشنا برای هر شیرازی است. **جلال** غانون می نوازد و آوای دلنشین آواز **منوچهر** هنوز که هنوز است در گوش جان ام پژواکی زیبا دارد.

« **غانون** » سازی است که با پنجه نواخته می شود و چهره‌ای بس نزدیک به «**سنتور**» دارد.

تار ، سه تار، سنتور، دنبک ، دایره و دف ، سازهای نژاده‌ی ایرانی کار دست یهودیان شیرازی ، نه تنها در شیراز که در دیگر شهرهای ایران نیز آوازه ای بلند داشت.

تاآن جاکه به یاد دارم ، « **دسته‌ی جلال و منوچهر** » برخوردار از بهترین هنرمندان و هنرپیشگان شیرازی بودند و شادی آفرین خانواده ها. از هنرمند و هنرپیشه هر دو یادکردم. زیرا؛

در **دسته ی جلال و منوچهر** ، خوانندگان ، نوازندگان ، رخسندگان و بازیگران یگانه ای زندگی هنری داشتند . می نواختند ، می خواندند و به ویژه ، برنامه ی زیبایی برای بچه ها داشتند که بدآن « **پَلُون کَچَلَک** » (پهلوان کچلک) می گفتند . همان برنامه ای که تهرانیان « **خیمه شب بازی** » اش می گویند و بدآن « **بازی های عروسکی** » نیز گفته می شود . نبود بچه ای که دل سوی این بازی و هنرپیشگان اش نداشته باشد. هنرپیشگانی که نادیده دوستشان داشتیم ! **نادیده** از آن روی نوشتم که ؛

دوستان در پس پرده کار می کردند و می کنند و تنها دنبک نواز بود که دیده می شد و گرداننگی کار نیز با او بود و گاه کمانچه کش .

● یهودیان و آیین ها

● **پیمان و پیوند زناشویی**، آغازین آیین خانوادگی است. یهودیان‌بی درنگ به خانه هایی می آمدند که آیینی در آن ها بر پا می شد و به راستی نمی دانم دوستان چه‌گونه آگاه می شدند!

● **زایمان**، یکی دیگر از رویدادهای زیستی است . شیرازی ها برای زایمان ، آیین های دور و درازی داشتند و گاه چند شبانه روز خوش بودند و یهودیان هنرمند، همراه در این خوشی و شادمانی .کار بدآن جا می کشید که هنر مند یهودی را می دیدی که همراه با مادر و نوزاد ، همان گونه که ساز می نواخت ، راه خانه تاگرمابه را می پیمود و دوستان را تا در گرمابه‌ی زنانه همراهی می کرد...

● **ختنه سوران** ، در این آیین یهودیان دو نخش داشتند :

یکی ختنه کردن پسر و دیگری انجام برنامه هنری .

● **نوروز** هم ، زمان باارزشی بود برای هنر نمایی یهودیان هنرمند و شادی آفرینی آنان.

● دشمن بچه ها!

بچه های شیرازی با یهودیان درگیری های چشمگیری داشتند ، به ویژه پسرها ! تا آن جاکه به یاددارم ؛

بسیاری از بچه ها را ویژه کاران یهودی ختنه می کردند . با این که در شیراز « **استادکرامت** » هم کار ختنه را انجام می داد . با این همه ؛

بیشتر شیرازیان مسلمان ، پسر بچه ها را به دست ملایان یهودی می دادند که ختنه شان کنند !

پیران خانواده می گفتند :

« **ختنه سنت اسلامی است و پیش از اسلام ، یهودیان نیز ختنه داشته اند** » !

● بیچه ها

نمی دانم آیا تو خواننده ی ارجمندم ، از خون گرفتن ، تیغ زدن ، **بادکش کردن و زالو انداختن** چیزی می دانی یا نه؟

در گذشته بر روی هم ؛

بسیاری از ایرانیان دو بار در سال خون می گرفتند که به آن تیغ زدن یا حَجامت می گفتند. این کار در آغاز بهار و آغاز پاییز انجام می گرفت. زن، مرد، بچه و بزرگ را می نشاندند و یهودی ویژه کاری(متخصصی) که از کوچه و پس کوچه می گذشت و با آوای خود دوستداران تیغ زدن و خون دادن را آگاه می کرد ، پشت سرآنان می نشست و با دسته تیغی تیز به تندی و چند بار میان دو شانه وکمی پایین تر ازگردن را تیغ می کشید و با بهره گیری از شاخی که در دست داشت ومِکْ زدن ، خون را با فشار بیرون می کشید. به این بانوان یهودی « بیچِّه » می گفتند...وگاه **«عروس»** خوانده می شدند.

● زالو اندازی

بیچه یا عروس ، زالو هم داشت. زالو کرمی است خون آشام ! می گویند در آب دهان اش چیزی نهفته دارد که در درمان بسیاری از بیماری ها سود رسان است.

در شیراز چهل پنجاه سال پیش ، زالو انداختن کاری ساده بود و همواره انجام می شد. پزشکان دستور زالو می دادند و بیچگان یهودی درکوزه زالو داشتند و آماده برای انجام خون گیری.

● بادکش کردن

بسیاری از پزشکان به ویژه پزشکان سینایی ، آنان که با روش کهن درمان می کردند، دستور زالو انداختن ، خون گرفتن ... و بادکش کردن می دادند.

بادکش با همان شاخی که در خون گرفتن کار برده می شد، انجام می گرفت وگاه از لیوان های شیشه ای نیز بهره برداری می کردند .

● میانجی های خانگی!

شاید از خواندن برنام (عنوان) این بخش به شگفتی نشسته باشید و از خویش پرسیده اید:

یهودیان و میانجی گری؟!

این میانجی گری در کار خرید و فروش است . می توان بدآن « **دلالی**» هم گفت . شیرازیان به ویژه زنانی که دختر داشتند ، همواره در اندیشه فراهم آوردن ابزار زیست آینده ی دخترشان بودند. برای نمونه :

هر مادر شیرازی می خواست که چند تکه « **ترمه** » به ویژه « **ترمه مثقالی** » برای دخترش فراهم آورد تا دست کم یک دست ابزار گرمابه داشته باشد. شال های ترمه همواره روی دست همان «**عروس** » یهودی بود که به خانه ی شیرازیان، به ویژه « **بُزُرگون** » (بزرگان) می آورد و می فروخت . در برابر؛

این زنان یهودی که پایشان به خانه های بسیاری از شیرازیان به ویژه خانواده های کهن باز بود ، به گاه ناداری و یا نیاز ، به فروش بخشی از دارایی ، هم چون انگشتری ، شال ترمه ، سینه بند ، گوشواره و....دست می زدند. از آن جا که شیرازی ها دنبال آبرو بسیار هستند، نمی خواستند از خویشان، کسی آگاه شود که چیزی از خانه را می فروشند ! زنان یهودی در چنین هنگام پا پیش می گذاشتند و پنهانی گویم:

« سود بسیاری هم یواشکی از آنِ خود می کردند!!»

● کله مله هووو!

واژه هایی که با آن برخورد کردید ، «**کَلَه مَلَه هُووو** » ، گرفته شده از آوایی است که مردان یهودی ، به ویژه پیرمردان، با آوازی بلند سر می دادند و واژه ی «**هو**» را بسیار می کشیدند و مردم می دانستند که ؛

«**مُلا آمده و همه چیز می خرد...**» .

شیرازی یهودیِ ،« کَلَهْ مَلَهْ هووو» گوی ، کسی بود که هر چه داشتی می خرید . هر چه کهنه تر بهتر !!

سود در خرید دوستان بود ! فروش کالای خریداری شده را کسی نمی دید ! زیرا ؛

ما شیرازیان بیشتر براین اندیشه‌ایم که **همه چیز داریم !**

زنان شیرازی ، به ویژه پیرزنان ، در پس و پناه ها و پستوهای نیمه تاریک خود ، چیزها داشتند که گاه کسی از آن ها آگاه نبود و رهی بدآن جاها نمی یافت !!

شاید باور نکنید ، بسیاری از زنان یهودی که شیرازیان به آنان « **عروس جُودا**» هم می گفتند ، آگاه تر از هرکس به دارایی خانگی شیرازیان بودند و آگاهی هاشان را به مردان خانواده می رساندند و آن هنگام بود که پای « ملا » یان از برخی کوچه ها بریده نمی شد ! شیرازیان مردان یهودی را « ملا » می گفتند.

.....

...و چه نگاره های رنگ و روغنی که داشتن اش برای

مسلمانان ناروا بود، «ملا» یان کهنه کار، با پول کمی می خریدند و دارندگان را شاد می کردندو خود را دارا به داشتن بسیاری از کارهای هنری و ماندگار.

● آبادی و ویرانی!

نمی دانم از چه روی بود که؛

کارگران ساختمانی شیرازی، در آن روزگار چهل پنجاه سال پیش، دل خوشی از کندن پی یا شالوده ساختمان و چاه های آب و آبریز نداشتند!

کارگران یهودی ویژه کار کندن پی یا شالوده ساختمان بودند و چاه های آب و آبریز.

کار دیگر ی که از این کارگران یهودی بر می آمد، کندن گود برای کاشتن درخت نارنج بود که این کار هم در گذشته در بست از آنِ یهودیان بود و کاری بس دشوار.

تا این جا سخن از آبادی است و ساختمان یا کاشت درخت نارنج و همه برخوردار از زیبایی ... گونه ای زشتی را هم گواه باشیم!

هر ساختمانی را که می خواستند ویران کنند، کارگران یهودی آماده بودند!

خانه ای داشتیم سد و چند ساله که یک سوی این خانه را تالاری بس کهن فرا گرفته بود و نیمه ویرانه!! جایی که **خانه ی ماران بود و کبوتران** و چه درهای شیشه کاری زیبایی داشت و آسمانه (سقف) های رنگین زیباتر و بی مانند.

برای ساختن یک دستگاه ساختمان تازه، آن تالار می بایست ویران می شد...!

فردا روز، کارگران نیرومند یهودی آماده ی ویران کردن تالار کهنه بودند! منِ بچه که شاد به تماشای همان کارها بودم، چشم از ساختمان بر نمی داشتم و ویران کردن اش را به سختی گواه بودم و کوشش بسیار دوستان یهودی را می دیدم.

گویا گذشته از پولی که برای پایین آوردن ساختمان می گرفتند، پولی هم برای بردن نخاله ها، دریافت می داشتند و **پذیرفته بودند که چوب های بی هوده، پوسیده و موریانه زده و...راهم ببرند و در برابر برای این کار پولی نگیرند!!**

با چه مهری دوستان به از جا در آوردن درها، دریچه ها و دَرَک ها می پرداختند! درهایی که هزاران شیشه‌ی رنگی در آن ها کار گذاشته شده بود!

خدا می داند که یکی از همان درها هم اکنون در کدام گنج خانه (موزه) در برابر چشم بینندگان است و بینندگان خیره بد آن ...

● جوودوی بغدادی! (یهودیان بغدادی)

جنگ جهانی دویم پایان یافته بود و شیراز، دم و باز دمی داشت. در زیر همان آسمان آبی، زیبا و پر ستاره اش. آسمانی که دست کم چهارده سال است مانندش را ندیده ام!

راستی؛ مگر نمی گفتند:

به هر کجا که روی، آسمان همین رنگ است!!

زنده بودیم و با چشم کوچک خودمان چیزهای بزرگ دیدیم و گواه این نکته هم بودیم که:

هر جا برای خود رنگی ویژه دارد و آسمانی از آن خود.

شیرازیان، یهودیان را «**جُودا**» می گفتند و **یهودی** را«**جُود**».

باور داشتند که؛

واژه ی «**جُود**»، گرفته شده از ریشه «**جهد=کوششی بسیار**» است و چون یهودیان کوشنده اند، از این روی به آنان «**جهود**» می گفتند. تا آن جا که به یاد دارم، بسیاری از یهودیان از این واژه دل خوشی نداشتند و هنوز هم ندارند! راستی چرا؟!

این زمان با خود می گویم:

مگر دوستان خود را جویش نمی دانند!؟

.....

گروهی از یهودیان جز شیرازی که بیشترشان جوانانی خوش رنگ و رو، بلند اندام، خوش برخورد و...بودند، در کوچه و خیابان به راه افتادند و به فروش پارچه پرداختند.

اینان دست کم دو به دو راه می رفتند و واژگون گذشته، فروشندگان جوان بودند و خوش پوش و کارشان فروش پارچه به همشهریان بود. به ویژه فروش ماهانه (قسطی)!

می گفتند اینان از بغداد به شیراز آمده اند و من هرگز گویش تازی در آوای آنان ندیدم!

از گذشته های دور و دست کم از روزگار سعدی، گویا شیراز و بغداد خواهر خوانده بودند که اگر کسی در شیراز دلش می گرفت، سعدی وار می توانست بگوید:

«وقت آن است که پرسی خبر از بغدادم»

بغدادیان را بگذاریم و به شیرازیان پردازیم.

● بچه ها به دنبال ملایان!

شاید برای شما هم شگفت انگیز باشد اگر بدانید :

پسر بچه های شیرازی ، می خواستند یهودیان را مسلمان کنند !!

... این کار به زشت ترین گونه پیش می رفت !

ناسزا گفتن... کلاه ملایان را بر داشتن ...سوزن به پشت آنان فرو بردن و...سنگ انداختن که کاری بس ساده پیش پا افتاده بود...!

آنان که در دبستان « **ابن سینا** » بودند ، می کوشیدند بچه یهودیان را مسلمان کنند...! تا آن جا که من به یاد دارم ، جز یکی دو دختر که از خانه هاشان ربوده شدند ، هیچ یهودی دیگر « **اسلام** » نیاورد و مسلمان نشد !!

● بزازی ، پارچه فروشی

کم تر روزی بود که چند بار مردم کوی و برزن های گونه گون شیراز آوای « **بزّازی** ، **پارچه فروشی** » یهودیانی که به آنان « **جودوی بغدادی**» می گفتند را نشنوند و مردم به ویژه زنان و ازآن میان پیرزنان ، از آن جوانان خوش پوش ، خوش اندام و خوش برخورد ، پارچه ای نخرند...

آن چه می نویسم ، گزارشی است گذرا از سال های دراز گذشته ، چیزی بیش از چهل و پنج شش سال پیش.

آن زمان هنوز کارخانه های نخ ریسی و پارچه بافی خودمان پیشرفت چشمگیری نداشت...و فرآورده های بس زیبا و با ارزش کارخانه های بزرگ و کارآمد کشورمان دست نیامده بود و ،کارخانه های بزرگ کار و کوشش خویش را آغاز نکرده بودند.

آن روزگار ، پارچه های ساخت بیگانه ، از دریا ، کوه ، کمر و بیابان، به ایران سرازیر بود و در برابر؛

زر وسیم بیرون می رفت و مردم برای خرید پارچه های فرنگی از «**جودوی بغدادی**» سرودست می شکستند...

...و باز هم این مردان جا افتاده و تا اندازه ای کهن سال یهودی بودند که بارو بنه را بر پشت داشتند و جوانان به فراخونی مردم می پرداختند و فروش و به ویژه وام دادن به زنان خانه دار.

● نزول کاران

جز بانک شاهی ، بانکی که انگلیسیان پایه گذاری کرده بودند ، بانک ملی ایران و گویا بانک کشاورزی ، بانک دیگری نداشتیم. **رجب علی هوایی** خود بانک بزرگی بود و در کار سود گرفتن ، بی داد می کرد! چند صراف دیگر هم داشتیم که دست کمی از **رجب علی هوایی** نداشتند و یهودیان بی سرو سدا، کارپول رسانی را انجام می دادند و نام آنان هم بر سرزبان ها بود !

از میان همان پارچه فروشان پیر، چند تن را می شناختم که پول وام می دادند و آن زمان که جوانان سرگرم فروش پارچه بودند ، مردان سرد و گرم چشیده‌ی یهودی هم پول وام می دادند و به گفته ی شیرازیان «**نزول خاری**» می کردند !

شاید برایتان شگفت انگیز باشد اگر بدانید ؛

مردان یهودی پول می دادند ، بی آن که رسید و یا گروی داشته باشند ! تنها در پناه شناخت ویژه‌ای که از مردم داشتند ، پول را می دادند و نام گیرنده پول را در دفترچه‌ای که دو پوشنه (جلد) چرمی داشت ، می نوشتند و در گریبان می نهادند...

● زرگران یهودی

بسیاری از یهودیان شیراز زرگر بودند و در کنار دگر زرگران شیرازی روزگار می گذراندند...و بسیاری از شیرازیان که شمش های سیم و زر نیاز داشتند، به زرگران یهودی روی می آورند و براین اندیشه بودند که؛

یهودیان باسود کم و فروش بسیار کار می کنند.

● ریخته گران کوشنده

در شیراز کوشش بسیار یهودیان زبانزد بود. از میان پیشه وران، ریخته گران کارشان بسیار سخت و دشوار است .

برخی از یهودیان را می شناختم که سرگرم کار ریخته گری بودند و سخت می کوشیدند.

● کوی یهودیان و افسانه ها...

به درستی نمی دانم **کوی یهودیان** شیراز که همشهریان از آن به «مَلِه‌ی جُودا» و یا به گونه‌ی زبانزد «مَلِه» یاد می کنند،

از کی پدید آمده و ساخته شده‌است ؟ بااین همه ؛
تنها می توان از ویژگی های این کوی یادکرد.
تا پیش از کشیدن خیابانی به نام « **لطفعلی خان زند**» کوی یهودیان شیراز، تااندازه ای می توان گفت بسته بود و یهودیان ، آمد و شد دیگران را مهار شده در دست داشتند.
...و کم نبودند کسانی که دراندرون خویش ، سرگذشت ها درباره‌ی بافت کوی یهودیان شیراز می ساختند و برای خود افسانه ها نیز می بافتند و داستان دزدیدن بچه های مسلمان و کشیدن خون آنان (!) و **نان فتریک** ساختن ، غم نامه ی ساختگی زشتی بود که بچه ها را از آن می ترساندند و تخم دشمنی زشتی دردل آنان می کاشتند و نمی دانم چرا !
کوچه های پر پیچ و خم کوی یهودیان ، نشان دهنده‌ی سرگذشت دردناکی است که یهودیان پیشین گرفتارش بوده اند. **کوچه ها را از آن روی تنگ ، تاریک و پر پیچ و خم درست کرده اند که دشمنان به خانه ها تاخت و تاز نداشته باشند و سواران نتوانند با اسب و جنگ ابزار به درون خانه ها راه یابند!** خانه های کوی یهودیان چندان بزرگ نیست و می توان خانه ها را در گروه خانه های کوچک سد و سد و پنجاه متری دید...و نگذریم از چند خانه‌ی بسیار بزرگ که در کوی یهودیان شیراز هست .

● خانه و خانواده

یهودیان شیرازی را باید دوست و دوستدار خانه و خانواده دانست.
پیر مرد یهودی پارچه فروشی که از بامداد تا پسین زیر کوله بار سنگین ، به فروش پارچه پرداخته است ، پسین(عصر) هنگام ، آن گونه به خانه باز می گشت که پیش از فرورفتن خورشید و تاریک شدن هوا ، به خانه خود رسیده باشد.
مرد یهودی شیرازی ، بزرگ خانواده بود و به هنگام رسیدن به سرای خویش ، پذیرای همسرش می گشت. همسر کوشایی که همه چیز را آماده‌ی بازگشت مردش کرده بود ، با آغوش گشوده همسرش را پیشباز می کرد و در زمین نهادن کوله بار ، به یاری اش می شتافت و جویای کار روزانه اش می گشت و سپس ، شامگاه و شبی روشن ، چشم به راه خانواده ی یهودی شیرازی بود.
...و بر و بچه ها همچون پروانه ، گرد چراغ روشن و روشنی بخش خانه می گشتند. در سرای یهودیان ، شمار زن ، مرد ، بچه ، نوجوان و جوان ، بسیار بود. گاه چهار سوی سرا را پر از خانه (اتاق) می دیدی و کم نبودند سرا هایی که در آن چند خانوار زندگی می کردند.
...و این همه از آن روی بودکه ؛
یهودیان تا اندازه ای خود را در ایمنی یکدست نمی دیدند! ناچار، می بایست خود فراهم آورنده ی ایمنی باشند... این ویژگی تا بیست سی سال پیش به چشم می آمد و پس آن گاه ،کم کم یهودیان پا از کوی ویژه‌ی خود بیرون نهادند و گاه بهترین و زیباترین خانه های شیراز را از آنِ برخی از یهودیان می دیدی. باغ هاشان هم دیدنی است .
از ویژگی خانه های یهودیان همشهری ام ، یاد هایی بسیار دارم. زیرا؛
چیزی نزدیک به سی و شش هفت سال پیش ، آمارگیری آن بخش از شیراز را من انجام دادم و به راستی پذیرای همشهریان یهودی ام بودم و به گرمی از من پذیرایی می‌کردند .

● چند ویژگی کوی یهودیان

تا آن جاکه به یاد دارم ،کوی یهودیان از چنان بافتی برخوردار بود که اگر روزی چند ، به هر انگیزه ای یهودیان نتوانند از آن کوی بیرون آیند، هرگونه نیازشان در همان جا برآورده شود.
فروشگاه (دکان) هاشان کوچک بود و به گفته ی شیرازیان تنگ و ترش! و دور از ویژگی های بهداشتی !! نیایشگاهی کهن داشتند وگویا هنوزهم دارند. چند باری از آن نیایشگاه یاکنیسه دیدن کرده ام. گرمابه شان کوچک بود و گود و باید چند پله از کوچه پایین می رفتی تا بدآن می رسیدی.. گوشت فروشی ...سبزی فروشی ، میوه فروشی و دیگر برآورندگان نیازمندی های روزانه را داشتند ، شاید برایتان شگفت انگیز باشد اگر بدانید که ؛
من در آن کوی ، پارچه فروشی ندیدم! پس ازکشیده شدن خیابان لطفعلی خان زند ، سروکله‌ی پارچه فروشان هم در دو سوی خیابان پیدا شد!

● میکده ها و خرابات

دنباله در شماره‌ی آینده

نامه ای جگرخراش...!

از مادری فداکار و پر طاقت

نوشته ی: سیروس حلاوی

نامه ای جانسوز ودر عین حال هشدار دهنده

به اتفاق شوهر ، دو دختر و پسرم از فرانسه به اسرائیل مهاجرت کرده ایم . **دانی** (نام مستعار) کوچک ترین فرزندم ، هفت ساله بود که در جنوب اسرائیل سکونت گزیدیم . شوهرم که مرد زحمتکش و خانواده دوستی است ، خیلی زود سوار کار شد . در آمد او برای یک زندگی بالنسبه مرفه ما کافی بود . لکن در اوائل سال ۱۹۷۸ رویدادی تکان دهنده و مصیبت آور مرا در قعر سیه روزی و نامرادی خود برد. زیرا ، دانی که پسری بسیار زیبا و باهوش و در عین حال ساعی و با معرفت بود و آرزو داشتم تا وی را به صورت دانشمندی والا و ارزنده تقدیم اجتماع انسانی کنم ، ناگهان احساس کسالت و نا رمقی نمود ! با این که تصور می کردم بیماری وی مهم و ریشه دار نخواهد بود ، معهذا او را به بیمارستان **«تل هشومر»** بردیم تا زیر معاینات دقیق قرار گیرد. چند روز بود که به تنهایی سرگرم کارهای خانه بودم. زنگ تلفن به صدا آمد و از آن طرف خط ، دکتری که دانی را مورد معاینات گوناگون قرار داده بود گفت : « **لطفا" برای یک دیدار خصوصی به مطب من بیایید .»** دلم فرو ریخت ! اما جرئت نکردم بپرسم **چرا خصوصی ؟! چرا تنها؟!** و بلافاصله به دیدار وی شتافتم . دکتر که آرامش معمولی خود را داشت مقابلم نشست و گفت :

دانی گرفتار یک بیماری خونی است که متاسفانه تا این لحظه دارویی برای معالجه آن بدست نیامده !

پرسیدم نام بیماری او چیست ، جواب داد :

در خون او ویروس IIIV مشاهده شده و این مقدمه بیماری ایدز است ! با آن که آن روزها نام این بیماری مهلک مثل حالا جهانگیر نشده بود و من هنوز به درستی از خطر جدی آن آگاه نبودم ، دلم فرو ریخت ! سرم گیج رفت ! نمی دانم چه مدت را در آن حالت بسر بردم ! همین قدر می دانم وقتی چشم باز کردم، دکتر و یکی از پرستاران را در کنار خود دیدم و پرسیدم : **آیا شما به این آزمایش صد در صد اعتقاد دارید ؟!** چون دانی اساسا" سالم و با نشاط و پر جست و خیز است و فقط چند روزی است که اشتهای درستی به صرف غذا ندارد.

دکتر جواب داد : البته ما او را تحت معاینات مجدد قرار خواهیم داد. معهذا نیازی به بستری شدن وی نیست . بگذارید همچنان به مدرسه برود . چون هنوز نمی توان به طود دقیق گفت که بدن او تا چه مدت خواه توانست در مقابل این ویروس استقامت به خرج دهد.

از مطب دکتر خارج شدم و در طول راه تصمیم گرفتم که این درد را فقط در سینه و حافظه خود نگهدارم وحتی به شوهر و بچه هایم چیزی از این ماجرا نگویم . **تصمیم گرفتم فقط خود بسوزم ! خود بگریم و خود در تنهایی اشک بریزم !**

اغلب روز ها پیاده و آرام آرام به مدرسه می رفتم تا او را به منزل بیاورم . همانگونه که قبلا" نوشتم او بچه بسیار باهوشی بود و به همان علت گهگاه ناگهان چشم در چشمهایم می دوخت و می گفت **«مامان چرا چشمهایت سرخ است؟! راست بگو چراگریه کرده ای ؟** ناچار به دروغ متوسل می شدم ! لبخند به لب می آوردم و می گفتم :

نه فرزندم چیزی نیست از نصیحت نا پذیری خواهرهایت به تنگ آمده ام ! می گفتم با پدرت حرفم شده و می افزودم ، به هر حال زندگی همه اش شادی و شادمانی نیست ! تو فکرت را

متوجه این مسائل مکن . درسهایت را بخوان و به شادی هـا و شادمانی هایت ادامه بده .

از اولین روزی که دکتر ساموئل این خبر خورد کننده را به من داده بود ، تا چهار سال تمام ، همه چیز به صورت معمول ادامه داشت . **دانی همچنان شاد وشادمان و پر تحرک بود** و هیچ یک از علائمی که دکتر گفته بود در وی مشاهده نشد. تا جاییکه تدریجا" به خود نوید می دادم ؛ **انشالله دروغ است زیرا وی بحمدلله زندگی عادی خود را می گذراند .** تا آن که ؛

در اواسط سال ۱۹۹۱ ناگهان دچار اسهال شد . معلوم است که چه حالی پیدا کردم ! بلا درنگ به دکتر ساموئل زنگ زدم :

گفت فورا" او را به بیمارستان برسانم .

نزدیک به یک هفته بستری بود و سپس **باز هم سر حال و خندان و جست خیزکنان به منزل آمد .** حالا دیگر اغلب شب ها آهسته از کنار شوهرم دور می شدم به اطاق دانی می رفتم . وی را در آغوش می گرفتم و سر و صودتش را غرق بوسه می کردم . آرام آرام اشک مـی ریختم ! البته به گونه ای که او متوجه نشود و او در حال خواب و بیداری می گفت : مامان چقدر از خوابیدن در آغوش تو شادمان می شوم هـر شب به نزد من بیا . لکن گاهی می گفت : **چرا مثل سـابق شـادمان نیستی ؟! می دانی که صدایت گرفته است؟!** در هر صورت دو سه ماهی به همین منوال گذشت . دانی به مـدرسه مـی رفت امـا بدبختـانه محسوس بود که تدریجا" وزن کم می کند و چون شمع آب می شود ، تا به او می نگریستم مثل این که دنیا را به سرم می کوبیدند تا آن که اطلاع یـافتم در بیمـارستان سوروکـا دکـتری بـه نـام « **آیـن هـوران** » AYNHORAN هست که تجربیات بیشتری در مبارزه با بیماری ایـدز دارد . از او وقت گرفتم و دانی را نزدش بردم دکـتر « **آین هـوران**» آنقدر مرد دلسوز و با محبتی است ، آنقدر آرام و شمرده و امید دهنده سخن می گویا که نه فقط دانی بلکه ، منهم وی را پدر خطاب می کردم . **راهنمایی های وی روزنه امیدی در دل من بوجود آورد .** دانی بهبودی نسب یافت باز هم به مدرسه می رفت . اما حالا دیگـر **مربیان دبستان با نوعی شک و تردید به من می نگریستند.** به هر صورت مجددا" حالش رو به وخامت رفت او را به بیمارستان سوروکا بـردیم و بستری اش کردیم . دکتر آین هوران دستم را گـرفت . **به اطاق خود برد ! مثل بید می لزیدم ! قلبم به شدت می تپید . مطمئن بودم او هم مثل دکتر ساموئل خبر وحشتناکی برایم دارد !** و یقینـا" آهسته و آرام خواهد گفت : **چراغ عمر و زندگی فرزندت رو بـه خاموشی است ! آین هوران آهسته و آرام گفت :**

حالا زمانی فرا رسیده است که حقیقت را بـا حـضور یک روانکاو با دانی در میان نهیم و به او بگوئیم که چند ماهی بیشتر به پایان حیاتش باقی نمانده است!. آن جا بود که آخرین قدرت و نیروی مقاوتم را از دست دادم ، باز هم چشمانم سیاهی رفت ! روی مبل از حال رفتم و پس از این که به هوش آمدم . اتومبیل بیمارستان مرا بـه خانه رساند. معلوم است که دیگر نمی توانستم شوهر و دخترانـم را از رنج و مصیبتی که چهار سال و نیم یکه و تنها به دوش می کشیدم ، بی اطلاع بگذارم .

به دامان شوهرم افتادم و در حالی که زار زار می گـریستم همه چیز راگفتم و افزودم :حالا دکتر آین هوران می خواهد ، فردا دانی را از سرنوشت غم انگیزی که در انتظارش است آگاه کند . از من نپرسید که آن روز در خانه ما چه گذشت ؟! شوهرم چه حالی پیدا کرد ؟! دخترانم چگونه بی تابی می کردند ؟! به گواهی دکتر آین هوران به شوهرم یک ماه مرخصی با استفاده از حقوق دادند . زیرا ؛ دیگر قدرت از خانه خارج شدن و کار کردن را نداشت ! فردای آن روز دست دانی را در دست گرفتم و از اطاقی که در سوروکا بستری بود به اطاق دکـتر آین هوران بردم . احتیاجی به توضیح ندارد که چه حالی داشتم !

خانم روانکاوی در کنار دکتر نشسته بود . هر دو دانی را با مـحبت تمام در آغوش گرفتند . سر و صورتش را بوسه زدند . نوازشش کردند و تدریجا" به او فهماندند که بیماری وی عـلاج نـدارد ! پس از اتمام بیانات، آنان ؛

دانی با چشمان درشت و قیافه معصومش رو بـمن کـرد و پرسید :

مادر جان چند وقت است این را می دانی و از من پنهان می داری ؟! و سپس اشگ در چشمان اش حلقه زد و گفت :

خب ! تا چند وقت دیگر زنده ام ؟!

گفتم تا حدی **به دست خودت هست هر چه بهتر غذا بخوری بیشتر مقاومت خواهی کرد .**

در هر صورت به دستور « **آین هوران**» باز هـم وی را بـه مـنزل آوردیم . وقتی مدرسه رفتن را آغاز نمود . سئوالا ت و کنجکاوی های گوناگون مربیان و هم کلاسی هایش موجب گردید تا « **آین هوران**» به رییس مدرسه تلفن کند و بگوید :

والدین همکلاسی های دانی را به اتفاق فـرزندانشـان در فلان شب به مدرسه دعوت کنید تا من به اتفاق یک روانکاو به آن جا بیایم و توضیحاتی در اطراف بیماری دانی و نحوه رفتار با او را به همگان بدهم.

این گرد هم آیی هم صورت گرفت « **آین هـوران**» بـه حضـار گفت :

از هر گونه کناره گیری و احیانا" به کار بردن کلمات نا مالوف با این طفل معصوم باید خودداری گردد بیماری ایدز فقط بر اثر انتقال خون یا

نزدیکی جنسی واگیر دارد. بنا براین اطفال همکلاسی او نباید کوچکترین نگرانی از گفتگو و بازی با وی را داشته باشند . برعکس ، **باید عموما" به دانی تا آن جاکه میسر است محبت کنند .**

باز هم دو سه ماهی بدین منوال گذشت . تا آن که ، روزی من و پدرش را مخاطب قرار داد و گفت :

من که به سربازی نخواهم رفت ! عروسی نخواهم کرد! و فرزندانی بدنیا نخواهم آورد ! بنابراین ، چرا برایم ترتیب یک جشن مفصل سیزده سالگی (برمیتصوا) را نمی دهید ؟

گفتم :

از ده پانزده روز قبل همه چیز را مهیا کرده ایم . فقط می خواستیم برایت صورت نوعی سورپرایز داشته باشد .

گل از گلش شکفته شد و روحیه اش به طور محسوسی بهبودی یافت . جزییات را خواست ، عکس سالنی راکه رزرو کرده بودیم به او ارائه دادیم و کارت های دعوت را با حضور و شرکت خودش آماده و به صندوق پست انداختیم .

مراسم مذهبی **«برمیتصوا»** روز شنبه ششم ماه جون صورت گرفت . به پیشنهاد ، راب **«بت کنست»** نام وی را از آن روز تغییر دادیم . به صورت ماهواره از یک معتقدات خاص مذهب پیروی نکرده ایم . او در مقابل تورات قرار گرفت و دعای مخصوص را با صدایی رسا و صورتی شاد و خندان قرائت نمود .

اغلب حضار ، در حالی که اشک در چشمهایشان حلقه زده بود . برایش دست زدند و ابراز احساسات کردند.

عصر همان روز نیز میهمانان برای شرکت در جشن سیزده سالگی اش بتدریج وارد سالن میهمانی شدند . **بسیاری از هم کلاسی هایش به اتفاق والدینشان در آن جشن و پایکوبی حضور یافتند . دانی شاد و خندان بود . تا آن جاکه توانست در رقص پایکوبی شرکت داشت و دل حضار را بیش از بیش ریش کرد !**

اما مثل این که تمام نیروهایش را فقط برای آن شب ذخیره کرده بود ! زیرا ، از یکی دو روز بعد مجددا" حالش بهم خورد و باز هم وی را به بیمارستان رساندیم .

۲۸ روز از مراسم آن جشن گذشته بود که دکتر آین هوران در حالی که اشک در چشمهایش حلقه زده بود با صدایی گرفته و غم آلود رو بمن کرد و گفت :

دانی لحظات آخر را می گذراند ! در مراسم تشییع جنازه دانی ، جمعین انبوهی شرکت کردند و ما را در این مصیبت بزرگ یار و غمخوار شدند .

هیئت مدیره آکادمی نصح باکمال افتخار جشن سالیانه خود را اعلام میدارد

شبی با شرکت افتخاری هنرمند محبوب **شهلا سرشار**

وهمکاری ویلونیست سحرآفرین **فرید فرجاد**

شب رقص و پایکوبی بهمراه موسیقی شاد اسرائیلی گروه مشهور **شلمو ربینوویچ**

پذیرائی : کوکتل

تاریخ اجرا : شنبه شب ۲۳ ژانویه ۱۹۹۳ ساعت ۸ بعدازظهر

محل - مجتمع فرهنگی نصح : خیابان فرانکلین شماره ۱۵۳۷ شهر سانتا مونیکا

برای تهیه بلیط لطفا به تلفن های زیر مراجعه فرمائید

آکادمی نصح ۲۲۱۸-۴۵۳ (۳۱۰)
خانم شهلا نیکروش ۲۸۲۰-۲۷۱ (۳۱۰)
خانم فریبا نعیم ۸۹۰۹-۴۷۰ (۳۱۰)

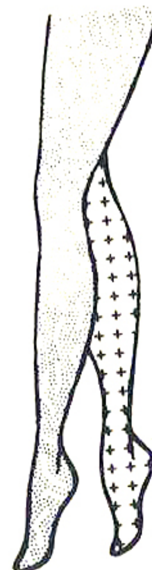
خانم لیلی مرادزاده ۲۹۶۱-۴۵۳ (۳۱۰)
آقای سلیمان شماش ۵۸۰۰-۸۵۸ (۳۱۰)
ایرانسرا - وست وود ۲۲۲۲-۵۷۵ (۳۱۰)

بها بلیط ۲۵ دلار

کلیه درآمد این جشن باشکوه به آکادمی نصح تعلق خواهد گرفت

Tiffany

هیچ جورابی جوراب تیفانی نمیشه



کیفیت و قیمت های جوراب تیفانی
غیر قابل رقابت است

۱۱۲۷ خیابان میپل جنوبی ـ داون تاون لوس آنجلس
تلفن : ۲۱۳ـ۷٤۸ـ۸۸۲۳ فکس : ۲۱۳ـ۷٤۸ـ۲۶۲۹



دکتر سهیل خـــدادادی

SOHEIL KHODADADI, D.M.D., D.D.S

پیشرفته ترین درمانهای دندانپزشکی برای اطفال و بزرگسالان

تلفن ۲٤ ساعته
(310) 271-3003

250 N. Robertson Blvd., Suite 412
Beverly Hills, CA 90211

- دارای درجه دکترا از U.S.C
- عضو کادر آموزشی و تحقیقاتی دانشگاه کالیفرنیای جنوبی
- عضو انجمن دندانپزشکان آمریکا و کالیفرنیا

رویارویی یهودیان جهان با نازی ها و فاشیست های نو

سعید بنایان

یهودیان جهان ،گرایش های نئونازیسم و تمایلات نژاد پرستانه در اروپا به خصوص آلمان عهد فاشیسم و نازیسم هیتلری

بــه مـوضوع سیاسی روز تمام رسانه هـای همگانی اعم از رادیو ، تلویزیون و مطبوعات سراسر جهان تبدیل شده است . روزی نیست که در رسانه های همگانی ، مطلبی راجع به آن منعکس نشده باشد !

بحران اقتصادی جهان سرمایه داری ، به خصوص کشورهای پیشرفته صنعتی و توسعه روز افزون فقر و بیکاری و محرومیت های ناشی از تضاد هـای درونی این جوامع و هـمچنین مـوج فـزایـنده هجوم پناهندگان سیـاسی از نقـاط بـحران زای کشورهای مختلف جهان مانند ایران ، یوگسلاوی سابق وکشورهای اروپای شرقی و بسیاری دیگر از کشورهای جهان سوم و از هم پاشیدگی اقتصاد حاکم بر نظام های سوسیالیستی در شوروی سابق و اروپای شرقی و نیز وحدت دو آلمان به طور کلی دلایل عمده گرایش هـای نـژاد پرسـتانه و نئونازیسم در اروپاست .

به موجب گزارش خبر گزاری های معتبر بـین الملل رکود اقتصادی به همراه بـحران اقتصـاد جهانی موجبات بیکاری بیش از بیش کارگران و میلیون ها مردم مـحروم و زحـمتکش را در کشورهای اروپایی به وجود آورده است . بـه دلیل بحران و رکود اقتصادی کـلیه موسسـات تولیدی در بخش خصوصی و یا سازمان های دولتی از اسـتخدام مـتخصصین و کـارشناسان خارجی که بنا به علل سیاسی و شرایط نا مساعد اقتصادی کشور خود را ترک کرده اند امتنـاع می ورزند . به خصوص در کشورآلمان **به علت وحدت دو آلمـان و مشکـلات بسیـار پـیچیده اقتصادی و تورم و رکود اقتصادی وضع از این هم بدتر است .** و اما در مورد بـحران پنـاهندگی ، طبق آمار منتشر شده از طرف وزارت کشور آلمان در بن پایتخت آلمان فقط در ماه مارس ۱۹۹۲ تعداد ۵۹۰۳۵ نفر تقاضای پناهندگی سیاسی کرده اند که این رقم تعداد ۳۷۴۲ نفر بیشتر از مـاه قـبل از آن یـعنی در مـاه فـوریه ۱۹۹۲ می باشد.

در همان ماه مارس تعداد ۱۳۱۷۵ نـفر متقـاضی جـدید پنـاهندگی سیـاسی از یوگسلاوی ۵۵۴۴ نـفر از رومـانی ، ۶۰۲۴ نفر از ترکیه ۱۴۴۵ نفر از ایران و ۶۲۰ نفر از چکسلواکی بوده است .

۶۲/۳ در صد متقاضیان جدید پناهندگی سیاسی در مارس گذشته در آلمان ، ازکشورهای جنوب شرقی و شرق اروپا بوده اند . در میان ۵۴۴۱۲ پرونده رسیدگی شده متقاضیان پناهندگی سیاسی در آلمان در سه ماهه اول سال ۱۹۹۲ فقط بـا تقاضای ۵ درصد آنان موافقت شده است .

بنا براین موج فزاینده تقاضای پناهندگی سیاسی از آلمان در حقیقت به یک بحران سیاسی در دولت کنونی آلمان تبدیل شده است و درست به همین دلیل است کـه **حمله به اتباع بیگانه در آلمان در سه ماهه اول سال ۱۹۹۲ میلادی در مقایسه با سه ماهه اول سال ۱۹۹۱ چهار برابـر افزایش یافته است .** آمار منتشره از سوی دایره جنایی پلیس آلمان حاکی است که نزدیک بـه **۶۰۰ مورد اعمال خشونت علیه بیگانگان در پایان ماه مارس یعنی (اوایل فروردین ماه)** صـورت گرفته است .

روزنـامه **«فرانکفورتر - الگومـاینه»**چاپ آلمان نوشت که **در سال جاری میلادی حدود ۲۲۰۰ اقدام** خشونت آمیز **علیه خـارجیـان و یهودیان مقیم آن کشور بعمل آمده که طی آن ۹۰۰ تن زخمی و ۱۷ تن به هلاکت رسیده اند**

بنا بر همین گـزارش ، از میـان شـبه نظـامیان تندروی دست راستی که مورد شناسایی قـرار گـرفته انـد ، ۳۸۰۰ نـفر در نیـمه شـرقی و ۲۶۰۰ نفر در نیمه غربی آلمان بسرمی برند.

«دولت آلمان به خاطر جلوگیری از موج فزاینده

تقاضای پناهندگی سیاسی و در مواجهه با این بحران ظاهرا" به خاطر حفظ دمکراسی! از اقدامات خشونت آمیز علیه نژاد پرستان و سازمان های دست راستی فاشیستی خود داری می ورزد. ولی در مقابل تظاهرات عظیم اعتراض آمیز مردم در سر تا سر شهر های بزرگ آلمان و تحت تاثیر فشار افکار عمومی مردم جهان و اعتراضات سازمان های یهودی در آمریکا و اسرائیل مجبور گردید فعالیت کلیه سازمان های نئونازی و فاشیستی را غیر قانونی اعلام نماید و رهبران و افراد این سازمان ها را مورد پیگرد قانونی قرار دهد.

ما یهودیان که در جنگ جهانی دوم از اولین قربانیان فاشیسم و گرایش های نژاد پرستانه بوده ایم نمی توانیم و حق نداریم در مقابل اعمال خشونت آمیز و وحشیانه سازمان های نئو نازی و فاشیستی بی تفاوت باشیم و در مقابل آن سکوت اختیار کنیم.

هنوز در دنیای معاصر ما یهودیان بسیاری هستند که از اردوگاه های مرگ آلمان نازی جان سالم بدر بردند. ولی، روی پوست بدن همه آن ها شماره زندان را با آهن گداخته علامت گزاری کرده اند این زندانیان نگون بخت، خاطرات هولناکی را از کوره های آدم سوزی گرفته تا اطاق های گاز و از گرسنگی و بیگاری و از قتل عام های وحشتناک کودکان، پیرمردان و پیرزنان نقل می کنند. و این جنایات وحشیانه تا ابدیت داغ ننگی بر پیشانی ملت آلمان و تمامی بشریت خواهد ماند.

ما از تمام سازمان های دفاع از حقوق بشر و از تمام سازمان و مجامع بین المللی و به خصوص سازمان ملل متحد مصرانه می خواهیم که فریاد اعتراض خود را نسبت به اعمال ضد بشری و غیر مسئولانه مشتی اراذل و اوباش زیر نام سازمان های نئونازیسم بلند کنند. ما معتقدیم که در دنیای معاصر بشریت بیدار و آگاه جهان اجازه نخواهد داد بار دیگر یک چنین اعمال ضد انسانی تکرار گردد.



ترجمه: کورش میزراحی

یهودیان و جهنم یوگسلاوی!!

نقل از: نیویورک تایمز

یهودیان یک گروه ۲۰۰ نفری را که شامل مسلمانان هم می شود از بسینا (یوگسلاوی) تخلیه می نمایند.

شهر سارایوو (بسینای یوگسلاوی) - در شرایطی که صدای رگبار مسلسل و تانک فضای این شهر سرد و گرسنه را فرا گرفته، بیش از ۲۰۰ نفر یهودی و مسلمان در کنار یکدیگر در اتوبوس ها نشسته و از این شهر فرار می نمایند.

برای تخلیه گران که بیشتر صرب ها و کرووات ها بودند این سفر و طول جاده که قوای مسلمان پایتخت بسینا از آن دفاع می نمایند و تا ایستگاه مرزی صرب ها چند دقیقه ای بیشتر نبود، شاید یک عمر طول کشید.

بعد از غروب، هنگامی که تاریکی بر قله کوه های اطراف سارایوو حکمفرما می گردد، این کاروان اتوبوس و ماشین چون ماری از کریدور خطرناک جاده فرودگاه از لابلای مواضع تانک و خمپاره انداز دو ارتش مخالف می خزد. این مسافت معروف به **محله‌ی خمپاره** است و به محض این که این کاروان آن را پشت سر می گذارد، بسیاری از مسافران شروع به دست زدن و هورا کشیدن می نمایند. در حالی که این سفر برای مسافرین جنبه خداحافظی با خانه و خویشان را داشت، برای اعضای جامعه یهودی احساسی تلخ را زنده می نمود. زیرا که این جامعه از کشتار نازی ها جان سالم بدر برد و پس از آن روی پای خود ایستاد و حالا دوباره دچار یک بحران دیگر است.

آلبرت پسح، فردی ٦٦ ساله از این جامعه می گوید:

«این تراژدی دیرینه ما در طول تاریخ است». پدر این شخص در کشتارگاه کرووات ها (که آن زمان تحت کنترل نازی ها بود) در جنگ جهانی دوم ناپدید گشت.

این تخلیه به همت و کمک مالی سازمان جوینت یهودی آمریکایی انجام می پذیرد. از آغاز بحران که ماه آوریل شروع شده تا بحال بیش از ۸۰۰ نفر از جمعیت ۱۳۰۰ نفری جامعه یهودی از طریق کمک این سازمان آن جا را ترک نموده اند.

در کنیسای اسکنازا واقع در قسمت پایین رودخانه میلجاکا، مامورین برنامه تخلیه می گویند: حتی هلوکاست که ۹۵ درصد یهودیان سارایوو را از بین برده، این چنین جمعیت کوچکی از جامعه یهودی ۵۰۰ ساله را باقی نگذاشته است.

بسیاری از یهودیان خانه های خود را ترک کرده و عازم اسراییل و سایر جاها حتی مناطق بالکان شده اند. دانستن این واقعیت که قرعه ی آوارگی و در بدری تنها به نام آن ها نیافتاده است از تلخی و درد آن ها می کاهد.

در بین مسافران اتوبوس تعدادی مسلمان وجود دارد. جمعیت مسلمانان شهر سارایوو به ۴۰۰،۰۰۰ نفر می رسد.

ظرف هفت ماه اخیر که قوای ملی صرب ها شهر را با مسلسل و خمپاره انداز محاصره کرده اند فرار از این شهر به یک معجزه شبیه می باشد.

هیچ گروهی به اندازه یهودیان در این زمینه موفق نبوده اند که تا بحال توانسته اند با تشکیل هفت برنامه مسافرت دستجمعی متجاوز از ۸۰۰ یهودی را خارج نمایند. بر خلاف سایرین، این برنامه های خروج و تخلیه بدون هیچ اتفاق ناگوار کشته و یا زخمی شدن انجام پذیرفته است. حتی بدون هیچ دخالت سیاسی که قادر بود امید زندگی را برای افراد مسن و یا بیمار منقطع سازد.

هفته قبل، برنامه صلیب سرخ که قرار بود که ۶۰۰۰ نفر را تخلیه نماید، دچار اشکال گشت و فقط توانستند ۱۰۰۰ نفر را نجات بدهند.

برنامه تخلیه یهودیان بقدری موفق بوده و حتی برای آن عده که هنوز بجا مانده اند، چنان برنامه غذایی و دارویی تدارک دیده شده است، که عبارت **«یهودی شدن»** ورد زبان اهالی سارایوو گشته است

صدها نفر که از هویت یهودی بودن آن ها قبل از این بحران اثری

نبود ، حالا در این کانون یهودی حضور یافته و مدارکی را ارائه می نمایند که پدر بزرگ و یا پدر جد آن ها یهودی بوده است. از آغاز فعالیت های این کانون ، هر گامی که برداشته شده شامل حال بسیاری غیر یهودی ها نیز گردیده است . بطوری که بیشتر ۱۵۰ وعده غذا و یا داروی مجانی که از داروخانه این کانون توزیع می گردد ویا حتی دو سوم صندلی های اتوبوسهای مسافر بری که آن ها را از شهر تخلیه می نماید ، به غیر یهودی ها تعلق می گیرد .

چنین خط مشی سیاسی از این اعتقاد قوی در بین یهودیان سر چشمه می‌گیرد که در شرایط کنونی جنگ و ملی‌گرایی همه ملیت ها چه مسلمانان ، چه صرب ها و چه کرووات ها همه اقلیت هستند و باید با یک دیگر متحد بمانند .

ایوان سر نجزو یک وکیل ۴۷ ساله که ریاست این کانون یهودی را بعهده دارد می گوید : ماتعهد تاریخی عمیقی به مسلمانان داریم چون که آن ها ۵۰۰ سال پیش ما را این جا پذیرفته اند .

در طول این مدت ، شهر سارایوو یکی از معدودترین شهرهای اروپا بوده است که یهودیان به طور آزاد ، با حقوق مساوی و بدون گتو زندگی می کرده اند .

بسیاری از مسلمانان که امروز منتظر اتوبوس هستند همین اظهار نظر را منعکس می کنند و می گویند که بین مسلمانان و یهودیان همکاری بوده است .

محمود ذجیکی یک پروفسور مهندسی ۴۹ ساله می گوید که برای قرن ها یهودیان شهر سارایوو یک عامل ثبات سیاسی این شهر بوده اند و در واقع این شهر را برای ما بهتر ساخته اند . شخص مذکور در حالی که سوار صندلی چرخدار شده بود منتظر اتوبوسی بود که عازم انگلیس است . وی شش ماه بیش در یک انفجار پاهای خود را از دست داد . از وی پرسیده شد که علیرغم آن چه که در خاور میانه اتفاق می افتد (اختلاف بین یهودیان و مسلمانان) وی فکر نمی کند که این همکاری عجیب باشد . آقای ذجیکی می گوید خیر - ما از دوران طفولیت با هم دیگر دوست و رفیق بوده و هستیم .

پس از این که مسافران صفی تشکیل داده که سوار اتوبوس شوند، پلیس نظامی بوسنی ها با مسلسل خارج از کنیسا ظاهر شده و مدارک و چمدان های مسافران را تفتیش کردند .

بنظر می رسد که حکومت بوسنی ها رفتاری خصومت آمیز با این گروه تخلیه گران شهر دارد . این انتظار در صف بالاخره ۷ ساعت طول می کشد و زمان خروج را به شب هنگام وقتی که جاده فرودگاه بسته است موکول می نماید .

در آخرین لحظه ، آقای سر نجزو والی الیزری یک افسر ۵۷ ساله اسراییلی که از طرف سازمان جوینت اعزام شده است موفق به کمک به برنامه تخلیه شدند و از وزارت دفاع دستور لغو تفتیش را گرفته و به اتوبوس های مسافر بری اجازه داده شد که حرکت کنند .

در طول راه خیلی از ساکنین (عابر خیابان) دست تکان می دادند و خوشحال بودند که یک عده شهر را ترک می نمایند ولو این که خود آن ها پشت سر مانده اند.

پایان

All Pro-Video Photo

فتوگاه

با کادری ورزیده و وسایل مدرن خود با عکسبرداری و فیلمبرداری (ویدئو) از مجالس و جشن های خانوادگی شما، خاطرات شما را جاودانه خواهند ساخت

- عکسبرداری و فیلمبرداری (ویدئو) از جشن ها و کنسرت ها (بایک، دو یا سه دوربین)
- تهیه عکس های خانوادگی و کودکان
- تبدیل فیلم های ۸ میلیمتری (8 mm) اسلاید و عکس به ویدئو و تمام سیستم های دیگر جهان.

1516 Westwood Blvd.

(310) 475-2144

آلبرت طبیبیان

PHILIP NASSIMI ALEXANDER
ATTORNEY AT LAW
433 N. CAMDEN DRIVE, SUIITE 600
BEVERLY HILLS, CA 90210
TELEPHONE (310)288-1948
TELECOPIER (310)288-1801

دفتر حقوقی فیلیپ نسیمی

مشاور قوی و دلسوز



۱ ـ دعاوی با شرکت های بیمه (دزدی ـ خسارت ناشی از آب ـ آتش سوزی)

۲ ـ امور تجارتی ـ تشکیل و ثبت شرکت ها ـ دعاوی تجارتی ـ تنظیم قرارداد ها

۳ ـ تنظیم تراست و وصیت نامه

٤ ـ تصادفات اتوموبیل ـ سوانح ناشی از کار ـ خسارات وارده از معالجه غلط پزشکی





حراج حراج حراج

FLIER FURS فلایر فرز

JANUARY FUR SALE!

در قلب بورلی هیلز!

انواع پالتو پوست

با قیمت های باور نکردنی

822 S. Robertson Blvd.

(between Wilshire and Olympic)

Free parking in circular driveway

(310) 289-1098

Piano Piano Piano

تدریس پیانو



با ساده ترین و پیشرفته ترین متدها
آهنگهای مورد علاقه خود را بهتر و
سریعتر یاد بگیرید
کلاسیک ، مدرن شاد و اصیل ایرانی

نسرین نعمانپور

Masters of Music Degree
Member of Music Teachers
Association of California

310 • 820 • 9212



«عبدالله طالع همدانی»

شاعر ملی یهود ایرانی

بازمانده ای از عاشقان هنر ایران

به قلم : سید علی رضا میر علی نقی

«بخش یکم»

گستردگی تحول هنری ناشی از انقلاب مشروطیت ، موجب پدید آمدن افراد و آثاری شد که گاه از هیچ حیث با انواع گذشته (و حتی آینده) خود در تاریخ ایران قابل قیاس نیستند . این تحول ، و آثار ناشی از آن ، در عرصه های هنری چون شعر ، موسیقی ، نقاشی ، تئاتر و داستان به خوبی مشهود است .

در حوزه شعر ، نهضت ادبی که مدت ها پیش از مشروطیت با ظهور **یغمای جندقی** شروع شده بود ، آهسته راه پیمود و در اوان نهضت مشروطیت ، در کلام سرایندگانی چون **سید اشرف الدین گیلانی**(نسیم شمال)، **علی اکبر دهخدا** ، **محمد تقی (ملک الشعرا) بهار** ، **ایرج میرزا جلال الممالک** ، **ابوالقاسم عارف قزوینی** وتا حدی **میرزاده عشقی** انعکاس یافت . انعکاسی که با مختصات زندگی در آن روزگار و جلوه های نوینش متناسب بود . به دنبال هجوم و نفوذ فرهنگ وارداتی مغرب زمین به فرهنگ کهن ایران ، هر یک از مسائل هنری صورتی متفاوت با صورت پیشین به خود گرفت :«**زبان سرایندگی**» توسط اشخاص نامبرده از قید پیچیدگی و تعقید رهایی یافت و به شیوایی و سلاست گرایش پیدا کرد ، همچنین به حوزه مسائل سیاسی ، اجتماعی و جنبه های خصوصی فردی نیز وارد شد . در موسیقی (که بنا به ماهیت خاصش ، ارتباطی تنگاتنگ با شعر داشت) نیز چنین تحولاتی ، کم و بیش انجام گردید. اما **نهضت تحول ادبی - هنری ایران** نیز همچون **نهضت مشروطیت** به انحراف و انهدام رفت و هم اکنون بازماندگان معدودی از جریانان اصیل گذشته هستند که در کنج خلوت خویش ، میراث گذشتگان را پاس می دارند تا تحویل

نسل بعد دهند. **شاعر ارجمند یهود ایران ، آقای طالع همدانی** ، یکی از این عاشقان است .

عبدالله طالع همدانی ، فرزند سلیمان ، فرزند شهری کهنسال است که در قدیم **«هگمتانه»** و امروز **همدان** اش نام است . هنگامی که او در سال ۱۲۹۲ ش . متولد شد ، این شهر در ایران ده میلیونی آن روزگار ، شهری خلوت و ساکت بود . کودک خردسال اهل محله ی **«قاشق تراشان»** این موهبت را داشت که ضمیر صاف خود را در آرامش محیط سالم و طبیعت سرد و لطیف همدان رشد دهد ، دور از غوغای وحشتناک تمدن عاریتی امروز که با هجوم انواع مسمومیت های جسمی و روحی ، اطفال معصوم را سخت در چنبره ی بی رحم خود فشرده و معلوم نیست اگر استعدادی درخشان میان این بیگناهان یافت شود ، در چنین شرایطی چگونه پرورش خواهد یافت .

خانواده ی طالع ، به نسبت شرایط فرهنگی آن زمان ، بینش بار آور و آینده نگرانه ای داشتند . **در زمانی که تحصیلات اولیه - حتی در حدود خواندن و نوشتن - برای فرزندان ذکور و خاصه اناث محروم از همه چیز ، چندان تشویقی نمی شد ، عبدالله خردسال را به مدرسه ی معروف «آلیانس» گذاشتند که با نظر آموزگاران فرانسوی (اکثرا" یهود فرانسه) اداره می شد .** روش تعلیمی - تربیتی مدرسه ی آلیانس به نسبت دیگر مدارس ، پیشرفته تر بود و برای ورود به آن ، شرط خاصی برای مذهب و مسلک وجود نداشت . اشخاص نامداری چون **برادران نی داود ، برادران محجوبی ، سیدکریم امیری فیروزکوهی و میرزاده ی عشقی** از آن مدرسه فارغ التحصیل شده اند .عجیب این که نه خود طالع و نه

گویی این دو بیت را **ملک الشعرای بهار** از زبان طالع جوان گفته است . اما اگر ملک الشعرای بهار را بتوان محصول طبیعی محیط ادبی خانواده‌اش دانست ، در مورد طالع این چنین نبود. **در خانواده ی طالع ، میل جوشان و فوران اشتیاق به ادب و هنر ، سابقه ی این چنینی نداشته و او تنها محصول غریزه ی صاف ، اشتیاق فراوان و تلاش دائم خود است** . از همین رو هنگامی که به کسب **متاع تن** در حجره ی پدر نشست ، از کسب **متاع جان** نیز غافل نبود.

عبدالله خردسال ، از دوازده سالگی دارای قریحه و طبع شعر بود. «طبع شعر» را عموما" به داشتن حس موسیقی کلام و وزن شعر تعبیر کرده و می کنند . این عوامل ، مقام شاعر را از صاحب خیالات شاعرانه (بیشتر در نثر) تفکیک می کند و اگر با راهنمایی استادان مجرب در مسیر درست پرورش یابد ، افراد و آثار ماندگار خلق خواهد کرد. عبدالله کوچک ، محصل مدرسه آلیانس در طی دوران تحصیل ، قطعات منظومی را به عنوان نخستین تمرینات در این زمینه می ساخت . هنگامی که تحت تعلیم معلمینی چون شادروانان : **امیرخان مینو لاجوردی ، آقا علی ایزدی و سید احمد هدایتی** قرار داشت.

اکثریت اینان ، در شرایطی که همه عوامل برای پذیرش فرهنگ غربی و **«فرنگی بازی»** مهیا بود ،**هیچ کدام از اصالت ایرانی خود بر نگشتند و به میراث نیاکان خود خیانت نکردند .**

عبدالله خردسال ، یک دوره تحصیلات ابتدایی خود را در آلیانس گذرانید و سپس به مدرسه ی **«تایید»** همدان راه یافت . نحوه ی تدریس زبان فارسی در مدرسه ی تایید ، شهرت داشت . اما دوران تحصیل وی در این مدرسه دیری نپایید و برای ادامه ، دوباره به آلیانس بازگشت . در آن جا ، امکان فراگیری زبان های بیگانه میسر بود که برای تحصیل کردگان و شاغلین آن روزگار، امتیاز بزرگی محسوب می شد. زیرا کمتر کسی را این امکان میسر بود . زبان های روسی ، انگلیسی و آلمانی رایج بود اما، زبان فرانسه ، زبان رسمی اهل علم و ادب آن زمان محسوب می شد . طالع جوان در این مدرسه ، فرانسه و انگلیسی را بیاموخت و تا کلاس سوم متوسطه ادامه داد . در آلیانس پیشرفته ی همدان آن دوران ، مرتبه ای بالاتر از این وجود نداشت . به ناچار ، کسب علم موقتا" تعطیل شد و او نیز به اصرار پدر (که بنا به طرز تفکر آن دوران ، برای تحصیلات عالیه چندان قیمتی قائل نبود) ، روی به حجره پدر نهاد :

جد من تاجر و زین روی پدر
در من آهنگ تجارت فرمود
اثر تربیتش گشت هدر لیک
بر روح من آسیب افزود

همین روال را در دوران بعدی تحصیل و اشتغال خود ادامه داد. در آن دوران ، انجمن های وابسته به جریانات کهن ادبی (شعری)، تنها قرارگاه و پرورشگاه ذوق و اشتیاق دوستداران بودند. اکنون نیز تعدادی از این انجمن های ادبی وجود دارند ، اما به رونق گذشته نیستند. به هر حال **در آن روزگار، صاحب فتوتی ، در شب هایی معین از هر هفته ، خوان و خانه اش را برای پذیرایی از اصحاب ادب آماده می کرد**، موضوعی (یا بیتی از یک غزل) به طرح و مسابقه گذاشته می شد و دیگران در این عرصه ، کار خود را عرضه می کردند. نخست متقدمین و سپس سرایندگان جوان . ذکر موارد سهو ، حک و اصلاحات و سایر موارد نیز (که نوع دیگر آن امروزه به نام **«نقد ادبی»** خوانده می شود) در همان محافل انجام می شد . مجلاتی چون **«ارمغان»**(به پایمردی **وحید دستگردی** نیز مشوق برگزاری و تداوم این محافل بودند. طالع جوان ، **در بیست سالگی به عضویت انجمن ادبی همدان درآمد که به ریاست علی محمد آزاد همدانی اداره می شد**. سخن سرایانی چون **ناهید الستی ، بدیعی، محزون ، جعفر پیدا،«باقی» و احمد ساجدی** در آن رفت و آمد داشتند و بالاخره مردی عجیب که **مفتون کبریایی** (همدانی) نام

داشت و بر سنت مردان قدیم ، معجونی غریب از جوانمردی و عیاری و طبع شعر بود و دیوانی قطور (بامقدمه **استاد مرحوم سعید نفیسی**) از وی به یادگار مانده است . طالع جوان در این انجمن نشست و برخاست کرد و از هر خرمنی خوشه ای چید . تا این که آشنایی او با **ادیب وعارف بزرگ شهر، «مولانا یوسف زاده غمام همدانی»** محرکه‌ی اصلی پرورش ذوق و تکمیل معلومات او شد. نقش غیر قابل انکار غمام در این باره باعث شده است که شاگرد همواره و در همه جا ، پاس حرمت استاد را از دست و زبان فرو نگذارد.

اما ذوق حقیقی طالع جوان در موسیقی بود . کلام موزون او نیز در حقیقت ، بیشتر برخاسته از حس قوی و ذوق شفاف موسیقیایی اوست . ممکن است دوستدانش وی را به عنوان **«شاعر ملی یهود ایران»** بشناسند .اما ، **ذوق فطری او نیز در خدمت موسیقی بوده و نیز موسیقی شناس و تصنیف ساز است تا سخن ساز.** در همدان سال های ۱۳۱۰ **«تقی خان شایگان»** نوازنده ی چیره دست و شیرین پنجه ای بود که به تبعیت از زمانه ،کمانچه را مهجور داشته و «ویولن» می نواخت .کما این که در تهران، **ابوالحسن صبا، رضا محجوبی ، حسین یاحقی ، موسی نی داود** (و بسیاری دیگر که شاگرد **حسین خان اسمعیل زاده** استاد مسلم کمانچه بودند) نیز ویولن می نواختند . **طالع جوان نزد تقی خان شایگان به** آموختن موسیقی رفت . آموخت و تمرین کرد و به **سرعت پیش رفت ، تا جایی که استاد تنها بعد از طی حدود یک ماه از ادامه تعلیم او خودداری کرد و باقی کار را به شاگرد واگذاشت .** امروزه از تقی شایگان نامی و حتی صفحه ای باقی نیست تا مبین اهمیت او باشد اما از قول مرحوم صبا و دیگران نقل می کنند که اگر شایگان عمر درازی داشت از اساتید مسلم موسیقی نوین ایران می شد . شایگان در فروردین ۱۳۲۳، در اثر تیفوس در بهار جوانی به خاک تیره رفت .

از سال های دهه ۱۳۱۰ به بعد ، دوران شکوفایی فعالیت های طالع آغاز شد. **در سه عرصه ی موسیقی ، سخن سرایی ، و سازندگی** (اعم از تصنیف یا آهنگ های بی کلام) که گاه آن ها را با صوت خوش خود توأم می کرد. **در روزنامه و نشریاتی چون «ایران»** (به مدیریت زین العابدین رهنما)، «شفق سرخ»(به مدیدیت علی دشتی)، «توفیق»(به مدیریت حسین توفیق، که ابتدا نشریه ی ادبی بود و بعدها فکاهی **شد)، «مجله عالم نسوان»، «کانون شعراء»، «گل های رنگارنگ» و ... قلم می زد.** هم به طنز و فکاهه می سرود (با نام مستعار لوطی کمانچه همدانی) و هم به جد. مقاله می نوشت ، ساز می نواخت و صدای رسای خود را با آن توأم می ساخت . در سال ۱۳۱۰ ، قمر الملوک وزیری ، ماه آسمان آواز ایران به همراه استادش مرتضی خان نی داود و یارانش برای افتتاح سینما «الوند» به همدان آمد و شوری به پاکرد . عبدالله طالع جوان با سری پرشور و دلی پر امید نزد استاد مرتضی خان نی داود رفت ، خود را معرفی کرد و خواستار آشنایی شد . نی داود که هنر و اخلاق را توأمان از استادش درویش خان آموخته بود ، وی را پذیرا گردید و تشویق بسیارش کرد .کنسرت آن شب که سرشار از آبشار «ریز» های شوریده حال تار مرتضی و پرواز شورانگیز تحریرهای بلورین صدای قمر بود ، همگان را سرمست از تجلی هنری کرد که از دست و زبان دو انسان هنرمند و فرشته صفت انعکاس می یافت . آن شب ، رشته مودت طالع با نی داود و قمر بسته شد ، رشته ای که تا آخر عمر هر دوی آن ها دوام داشت .

از **طالع سعد طالع** ، بزرگ مرد دیگری نیز بود که با نی داود و قمر پیوسته و اواخر عمر در همدان سکونت داشت . میرزا ابوالقاسم عارف قزوینی ، شاعر و تصنیف سرای ملی ایران ، زبان رسای انقلاب مشروطیت که بعد از عمری آوارگی و تجربه های هولناک و تلخ ، در تبعید دق آور خود ، ساکن قلعه ی کاظم سلطان بود و جز با معدودی (مانند دکتر بدیع و یا برادران اقبالی و نیکو) معاشرتی نداشت .
عارف ، پذیرای جوان نوزده ساله ای شد که نخستین ترانه ی خود را در بهار جوانی به نام «باد خزان» ساخته و برای آزمون ، نزد او آمده بود . عارف ، به تندگویی و تند خویی مشهور بود اما هرکس را در هر لباسی می شناخت و به جا می آورد . تشویق او از طالع ،کارساز بود و او را با شوق بیشتری در راه کسب هنر انداخت .

طالع از اولین مشوقان برای برگزاری «کنسرت» در همدان شد و به نفع بسیاری کنسرت بر پا ساخت . در سال ۱۳۱۳ هنرمندان مشهور آن زمان ، ارسلان درگاهی و جلال تاج اصفهانی و سرهنگ اشرفی نیز برای اولین بار با او در اجرای این برنامه ها همکاری داشتند.

به یک معنا ، محمد علی امیر جاهد ، طالع همدانی (و پس از او نورالله همایون) حلقه های بین عارف و رهی معیری در عرصه ی تصنیف سازی هستند . اما در این بین ، تنها کسی که از طبع شعر ، ذوق ترانه سازی ، نوا سازی ، نوازندگی و خوانندگی توأمان برخوردار بود ، تنها خود طالع است . مابقی تنها در زمینه ی ساختن کلام مناسب برای آهنگ ها کار کرده اند . طالع ، در حدود استعداد و توان خود آثاری زیبا آفریده است . هنگامی که این آثار ، به عنوان مثال، اولین اثر او با نام **«باد خزان»** شنیده می شود ، گذشته از گوشنوازی نغمات و انتخاب صحیح کلام مناسب با حالات موسیقی ، متوجه ی رعایت اصل مهمی می شویم و آن «توالی گوشه ها» است ، همان چیزی که مرحوم صبا به محمد علی امیر جاهد توصیه می کرد . امروزه دیگر از رعایت این اصول مهم خبری نیست . در محیط هنری همدان پنجاه و چند سال قبل

(که از وسایل امروزی خبری نبود)، از کنسرت و نمایش استقبال بسیار می شد . به خصوص هنگامی که خوانندگان شایسته ای چون «اباذری» «آقا سید رضا عطار» و «آقا سید رضا جمالی فرشچی» در آن شرکت می کردند . استقبال مردم از این برنامه ها نه فقط برای التذاذ سامعه ، بلکه کمک به هدف مقدسی بوده است که تمام کنسرت های طالع مصروف آن بود : امور خیریه و اطعام مساکین از طریق جمع آوری اعانه . هنرمندانی چون درویش خان ، ابوالحسن اقبال آذر ، قمرالملوک وزیری و ملوک ضرابی نیز چنین اهداف انسان دوستانه ای را دنبال می کرده اند و امروز ، با وجود در آمد سرشار از موسیقی (موسیقی ای که به ارزش و زیبایی و اصالت گذشته هم نیست)، از چنین اقداماتی اثری نمی بینیم.

زندگی طالع در سال های ۱۳۱۰-۱۳۱۹ به تناوب در تهران و همدان بود ، تا این که «بُنِه کن» به تهران آمد و به امور مورد علاقه خود پرداخت . تهران آن روزها از لحاظ محیط های کار هنری - فرهنگی ، باز و غنی بود : کنسرت های بسیار ، انجمن های متعدد و مجلات گوناگون . طالع در همه زمینه های مورد علاقه خود فعالیت کرد و چند نمایشنامه هم نوشت . تا این که در ۱۳۱۹/۲/۴ دستگاه «بیسیم پهلوی» یا به قولی «رادیو» افتتاح شد . هنرمندان درجه اول پایتخت ، برنامه ی موسیقی رادیو را افتتاح کردند. صدای سنتور حبیب سماعی و آواز قمر به خانه های مردم تهران راه یافت . در سال ۱۳۲۳ ، عبدالله طالع همدانی به رادیو راه پیدا کرد و در آن جا ، ضمن نوازندگی و نوا سازی ، با عنوان «خواننده ی بی نام» صدایش را به خانه های مردم تهران فرستاد.

ساخته هایش را قمرالملوک وزیری ، ملوک ضرابی کاشانی و عزت روح بخش خواندند . طالع ، تصانیفی به طور مجزا برای هر یک از آن ها ساخت ، بدون دریافت دستمزدی در تمام مدت کار هنری خود در رادیو ، و این چقدر چشمگیر است اگر بدانیم که بعضی از هنرمند نمایان در آن دستگاه بر سر در هم و دینار و یک شاهی و صنار چه روابطی با یک دیگر داشتند.

از آخرین تصانیف ، یکی دو تا توسط خواننده ای جوان (شادروان مرحوم داریوش رفیعی) اجرا شد که اگر قدر خود شناخته و تیشه به ریشه‌ی خود نزده بود ، هم اکنون شاید جایگاهی داشت . اما دوران کار در رادیو تهران دیری نپائید . اساتید بزرگی چون حبیب سماعی ، مرتضی نی داود ، رضا روانبخش ، علی اکبر شهنازی و ارسلان درگاهی با تلخی بسیار آن دستگاه مطرب پرور را ترک گفتند و طالع نیز که محیط را خالی از یار و پر از اغیار می دید ، رادیو را ترک گفت . غیر از این ها ، استغاثه ی پدر نیز مزید بر علت بود . گویا دوستی خیر اندیش از نزدیکان پدر ، جوان لطیف طبع و ظریف اندام را با ویولنش در تهران مشاهده کرده و از روی خیر اندیشی ، جریان را به گونه ای خاص به گوش پدر از همه جا بی خبر گزارش کرده بود . آن جوان ، هیچگاه به هیچ کدام از «اسباب صحو و سکر » ی که قوت غالب اکثر هنرمندان آن دوران بود وابستگی نداشت و اکنون نیز در کمال سلامت جسم و قوت روح است . اما مشاهده ی آن وضع ، پدر را به این استغاثه ی دردناک وادار کرد. عبدالله طالع جوان دوباره در مَکْتَب به تجارت نشست و هنر را برای **کنج خلوت** خود نگهداشت .

در همین اوان که پس از جنگ دوم جهانی ، چهره ی تهران در لاله زار و نادری و بهجت آباد رنگ و بویی پیدا کرده بود ، زندگی طالع نیز رنگ و حالی نو یافت . ماندگار تهران شد و با دختری از هم کیشان خود ازدواج کرد. چهل و سه سال است که «بالفوریا» دمی از شوی خویش منفک نشده است . اکنون هر دو کنار هم نشسته اند ، هر دو نگاه درخشان و موی سپید دارند . نمی توان چشم از نگاه «بال» مهربان آقای طالع برداشت و به تابلوی نستعلیق نوشته ای افکند که بر آن غزل گونه ای در مدح «بال» باکلام نقش شده است .

مقارن با ازدواج ، کار ضبط صفحه در تهران رونقی تازه یافته بود . در خیابان نادری تهران ، «مراداوف» MORADOF که یکی از تجار مهاجر بود ، کمپانی ای به نام «شهرزاد» داشت و صفحه پر می کرد . اما غیر از هنرمندان ، هر کس دیگری نیز می توانست پولی بدهد و صفحه‌ای پر کند . البته در نسخه های معدود با عنوان «صفحه سفید». طالع ، صفحاتش را محض یادگاری خود و بازماندگانش ضبط کرد. صفحات او ، قسمتی آواز است و قسمتی تصنیف . در مایه های شور ، سه گاه ، منصوری ، چهارگاه ، شوشتری و ابو عطا . اکنون چند عدد از آن ها در دسترس نیست ، ظاهرا" یکی از هنر دوستان جوان اناث ، آن ها را برای «تحقیق و پژوهش » به «وام» برداشته است ! از آن هنگام تاکنون، فعالیت های ادبی - هنری طالع همدانی در عرصه های اجتماعی محدود شد ، سال ها ، به او اجازه ی فعالیت بیش از این را نمی داد . اما همواره سروده ، نوشته ، ساخته ، خوانده ، ضبط کرده و خانه ی خود را برای پذیرایی از اصحاب ادب و دوستداران جوان هنر و فرهنگ ، گرم و پذیرا نگه داشته است . شرح احوال و آثار او بارها در نشریات مختلف درج گردیده است . از جمله ، مصاحبه ی مفصلی با عنوان «بدری در کام خسوف» که درباره ی قمرالملوک وزیری بود و به همراه استاد مرتضی نی داود ، منوچهر آتشی (شاعر) و کاوه دهگان (نویسنده ، مترجم و خبرنگار قدیمی روزنامه کیهان) انجام شد. این مصاحبه در مجله تماشا مورخ ۱۳۵۴/۴/۲۰ به چاپ رسیده است .

بقیه در شماره بعد

رویدادهای سازمان سیامک

آموزش کبالا

همان طور که در آگهی این شماره نشریه چشم انداز خواندید ، **کلاس های کبالا ، برای درک بهتر زندگی** و قابلیت مواجه شدن با مسائل آن توسط شخصیت بزرگ و محبوب جامعه مان **خانم دکتر میترا مقبوله** از ماه فوریه شروع خواهد شد . این کلاس ها که در منطقه اورنج کانتی با موفقیت بی نظیری روبرو شده است . شرکت در آن را به تمام دوستان ساکن ولی و لس آنجلس توصیه می نماییم . برای اطلاعات بیشتر با دفتر سازمان سیامک ۱۲۷۰-۵۰۳ (۸۱۸) گفت و گو کنید.

کنیسای جوانان

کنیسای جوانان دانشجو و افراد فارغ التحصیل دانشگاهی از جمعه شب ۱۱ دسامبر ۱۹۹۲ در محل مجتمع فرهنگی ادتص (کنیسای ولی) به طور مداوم شروع به کار کرد.
این برنامه که با همکاری مجتمع فرهنگی ادتص برگزار می گردد از ساعت ۸/۵ جمعه شب ها شروع می شود.
برنامه به زبان انگلیسی و عبری است . در پایان مدعوین با صرف چای و شیرینی پذیرایی می گردند.
رهبری این برنامه به عهده **پروفسور زوگاربر** می باشد که از عالمین یهودیت اند و استاد کالج های کالیفرنیا.
والدین عزیز می توانند با تشویق جوانان خود برای حضور در این برنامه ، آنان را با یهودیت آشنا نمایند . بخشی از این برنامه به صورت سئوال و جواب است واین برنامه هیچ نورم مذهبی را دیکته نمی نماید.

گام های زمستانی!

برنامه های زمستانی سال ۱۹۹۲ (اولین قدم) که مخصوص دانش آموزان کلاس های ۹ - ۱۲ دبیرستان است با همکاری شورای فدراسیون یهودیان لس آنجلس بزرگتر (آمریکایی) و سازمان سیامک از ۲۳ دسامبر شروع شد.
این برنامه قدم مثبت و نو دیگری از طرف سازمان سیامک برای دور نگاه داشتن این نو جوانان از عوامل مخرب جامعه می باشد.
برنامه های زمستانی شامل حنوکا پارتی - سفر به مجیک مانتن - استخر پارتی - برنامه گذراندن شبی در کمپ شالم در مالیبو - گشتی در مال تاپانگا پلازا - اسکی - برنامه آمادگی امتحان SAT - گذراندن شبی در شهر و **شب مونت کارلو** بود که تا ۳ فوریه ۱۹۹۲ ادامه خواهد داشت .

تجرد ، یهودیت ، تعطیلات

برنامه گروه بهاری دیگر (مخصوص جوانان ۲۳ تا ۴۰ سال) روز یکشنبه ۲۰ دسامبر از ساعت ۶ تا ۹ بعدازظهر در غرب لس آنجلس برگزار گردید.
این برنامه شامل سخنرانی و بحث آزاد با دکتر SETH HIRSCH تحت عنوان **مجرد بودن ، یهودیت و تعطیلات بود.**
برای پیوستن به گروه بهاری دیگر و اطلاعات بیشتر از برنامه های آینده آن با دفتر سازمان سیامک و تلفن ۱۲۷۰- ۵۰۳ (۸۱۸) گفت و گو کنید.

دوازدهمین سالگرد

روز شنبه ۱۹ دسامبر به مناسبت ایام حنوکا و دوازدهمین سالگرد سازمان یهودیان ایرانی مقیم شمال کالیفرنیا یک برنامه گردهمایی و شب نشینی برگزار شد.
در این برنامه ، با شام کامل و موزیک از مدعوین پذیرانی به عمل آمد.

رویدادهای دیگر سازمان ها

سازمان پایا (پیوند ایرانیان یهودی اورنج کانتی) که سازمانی غیر انتفاعی خواهد بود از روز یکشنبه ۱۳ دسامبر ۱۹۹۲ به همت خانم ها گیتی شومر و دکتر میترا مقبوله و آقایان دکتر اردشیر بابک نیا و دکتر سیروس ریحان شروع به کار کرد. این سازمان در نظر دارد محیطی مناسب برای **آشنایی جوانان با یکدیگر - تبادل نظر و همکاری اعضاء در زمینه های مختلف - اجرای جشن های مذهبی و سنتی و مسافرت های دسته جمعی - برنامه مخصوص سالمندان و نوجوانان** و غیره باشد.

در جلسه معارفه این گروه بیش از دویست تن شرکت داشتند و برنامه ای بسیار جالب ارائه دادند . آقایان داریوش فاخری و شهرام سیمان از سازمان سیامک و آقای دکتر فروزان پور و آقای نوروش از کنیسای نصح در این برنامه حضور داشتند.

سالن با پرچم های زیبای اسرائیل تزیین شده بود و میزهای شیرینی به نحو بسیار چشمگیری تزیین شده بود. ابتدا توسط **خانم گیتی شومر** خیر مقدم گفته شد و شروع این برنامه با جشن حنوکا را به فال نیک گرفتند. توسط سه دختر خانم جوان **براخای شمع** گفته شد و پس از آن **خانم گیتی شومر - دکتر میترا مقبوله و دکتر اردشیر بابک نیا** سخنرانی کردند.

نوجوان عزیز اشکان تهران زاده با ویلن آهنگ های سرود « ای ایران ای مرز پرگهر و ویلن زن روی بام » را نواخت و غزاله وحدت مرا ببوس را نوای دلنشین لحظه ها کرد. نماینده فدراسیون یهودیان آمریکایی نیز ضمن ابراز خوشوقتی از پای گرفتن این گروه قول همه گونه همکاری را داد. **سازمان پایا جلسه بعدی خود را روز ۱۰ ژانویه ۱۹۹۲ در محل آن فدراسیون برگزار می کند.**

با هم ضمن تبریک و آرزوی موفقیت به این سازمان ، نیایش آخر جلسه آنان را می خوانیم:

▣ نیایش

پروردگارا!
سخنان بی ریا و نیایش های قلبی ما را پذیرا باش.
به ما حکمت و بینش عطا فرما ، تا در راه حقیقت ، مهر و عدالت ، قدم برداریم.

پروردگارا !
آگاهی و دانش ما را افزون نما ، تا از همه استعدادها و توانایی هایمان در راه بهزیستی بشر و ترمیم جهان ، بهره ور شویم .

پروردگارا!
افکار ، عواطف و رفتار ما را چنان روشن و منور گردان ، تا همواره وسیله ای باشیم برای ایجاد صلح و تفاهم میان انسان و خداوند ، زن و مرد ، یهودی و غیر یهودی ، شرق و غرب ، جسم ، روح ، علم و مذهب.

پروردگارا!
پرتو مهرت را در دل یکایک ما بیفکن تا در این دنیای پر از تاریکی ها و کدورت ها منشاء نوری پایا و پابرجا باشیم.

آمین

به یاری شما نیازمندیم - با ما گفت و گو کنید

چشم انداز

(۸۱۸) ۵۰۳ - ۱۲۷۰

جناب آقای سیروس حلاوی

درگذشت دردناک گرانمایه مادرتان را به شما و دیگر بازماندگان تسلیت می گوییم.

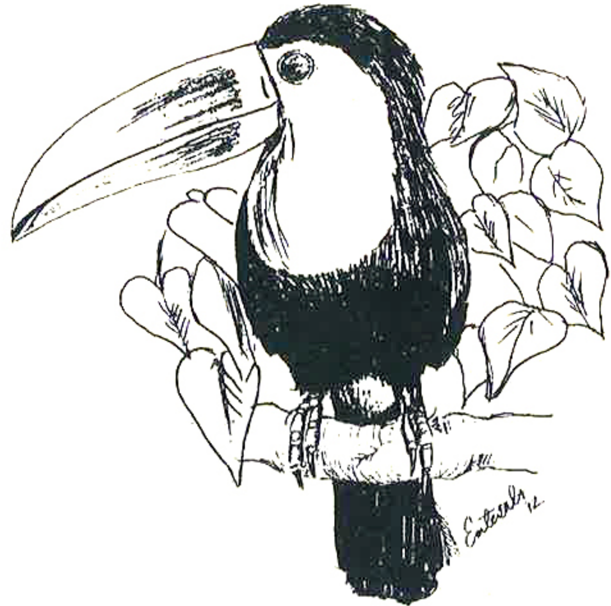
چشم انداز

پروانه صراف

دلم می خواست...

از متن زیبای «همراه با حافظ» اثر شاعر گرامی «فریدون مشیری» الهام گرفته و از آن جایی که من هم انسانم و آرزویی دارم جرات نوشتن به خود دادم - و برای نیل به آرزو ، مستمند کمک شما عزیزانم .

در این آستانه سال نو و روز نو هستی
در این کاخ ستون کبریا یا معبد هستی
پری با بار تسبیح تمناهای رنگارنگ
دعا بر لب همی گوید:
دلم می خواست :
که تا عقلم فراوان بود و قلبم پر توان تر بود
که درد دیگری را در وجودم لمس می کردم
دلم می خواست :
من از این همه قهر و جدایی در امان بودم
صفا و دوستی - عشق و نثار - آیین و آمال حیاتم بود
نفاق و دشمنی را ریشه کن - یکباره در هم می شکستم من
دلم می خواست :
ترحم بر وجودم حکم فرما بود
و قبح و بد زبانی از میان می رفت
نشان از دوستی و دلجویی و رحم و مروت بود
نگاهم سر خوش از مهر و عطوفت بود.
ولب هایم زهر آشوب و هر فتنه گریزان بود
روابط پاک و بی نیرنگ ، خلاء از هرگزندی بود .
دلم می خواست :
همه افکارمان در آرزوی یار و یاران بود
از عناد و کینه و نفرت هراسان بود
به هر نیش زبان ما دیگری را غرقه و قلب ها
در خوناب شرم آسا نمی کردیم
به هر طعنه به قلب و روح این مخلوق ، بی پروا ما
زخمی نمی دادیم
مراد خویش را در نامرادی های یکدیگر نمی جستیم
و با اندیشه خام درون ما ، لانه ها را بر نمی چیدیم
وکس را بی سبب توهین و توبیخی نمی کردیم
و حق را بی محابا از کف حق ناشناس ، باز خواست می کردیم
کسان را در همه احوال عزیز و همنوا پر حرمت و اقوام می دیدیم
چه شیرین است : وقتی سینه ها از مهر آکنده است
دلم می خواست :
هر کس بی ریا آغوش وا می کرد و این مهر خدایی را به قربان وفا می کرد
دلم می خواست :
که خود را حاکم مطلق در این پهناور دنیا نمی دیدیم
و
اجراء عدالت را به موجودات خود مفتون نمی دادیم
خدایا بنده ات امروز ز فرط ناتوانی
سر بدرگاهت همی ساید دعایش را پذیرا باش
در این ماه عبادت توبه و ایمان
بسوی درگهت با توبه می نالد که این
مخلوق این انسان درون را خود حمایت کن
- عتابش کن - پناهی ده - به او راه ونشانی ده
به ما هر یک توانی ده که تا کمبود خویش را از نطفه بشناسیم و از بهر شفایش ما ز درگاهت کمک یابیم
به ما اکسیر انسان ده که چون خالق دگر موجود خاکی را ببخشاییم و خود را
در دم ایثار و بخشایش
درون آن بهشت درگهت یابیم
خدایا سال را بر این عزیزانم مبارک دار
به هر یک از عزیزانم نثار و دوستی - مهر و صفا - آرامش هستی عطا فرما
خدایا من به درگاهت دعا دارم
دعایم را، پذیراباش



توکا
توکا برای بچه ها
نشریه کودکان و نوجوانان
شماره ۳۶ و ۳۷
منتشر شد.
TOUCA INTERNATIONAL
CHILDREN'S MAGAZINE

وام
راحت و مطمئن
کامبیز (دیوید) آرام نیا





Tel.(310) 861-5626
Pager (310) 406-5732
Fax (310) 862-9975

پوزش و تصحیح

در شماره گذشته چند غلط چاپی به ما گوشزد شد که بدین وسیله تصحیح می گردد.

در مقاله من و گنجشک های خونه صفحه ۱۰

شعر نیما

نیست یکدم شکند خواب به چشم کس ولیک» صحیح است.

شعر شاملو

آی عشق آی عشق چهره آبیت پیدا نیست» صحیح است.

زناشویی موفق :

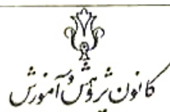
زنی که شوهری خوب و شوهری که زنی خوب داشته باشد صحیح است.

با تشکر از **آقای سعید سیادت به خاطر گوشزدشان.**

در صفحه ۶۱ رویدادهای سازمان سیامک

خط آخر ستون اول محل دیدار و گپ و گفتگو شده بود.

شعر صفحه ۶۷ را خانم عاشقیان فرستاده بودند و متأسفانه شاعرش معلوم نیست.



برای آموزش زبان فارسی

فرزندان خود را به دوست و آموزگار بچه ها

سرور نیری

بسپارید

(۳۱۰)۴۷۴-۴۵۴۷

اروایِن - وست‌وود - وودلندهیلز

یادی از گذشته ها

عکسی راکه مشاهده می فرمایید مربوط به اولین رئیس مدرسه‌ی آلیانس در ایران و نمایندگان جامعه‌ی یهود تهران می باشد.
قدمت این عکس تاریخی در حدود نود سال است .
با تشکر از **آقای یعقوب شیریان** که این عکس تاریخی را ، برای ما فرستاده‌اند .
از خوانندگان عزیز درخواست داریم که در صورت داشتن عکس های تاریخی ، آن ها را در اختیار **چشم‌انداز** بگذارند تابه نام ایشان چاپ و سپس بازگردانده شود .



نشسته از راست :

ایسرائیل الیاهو سیمان طوب ـ آقاجان فتح الله ـ الیسافانان ـ مسیولوی ـ مسیوکازس ـ هاراو ملاابراهام ـ داوود حناکلی ساقی ـ یحزقل لاهیجانی .

ردیف ایستاده : دکتر نجات ـ یوسف سلیمان ـ نورالله نهورای ـ آقاجان مردخای ـ اریحان میرزاآقای فالگیر ـ بابانی موشه ریحان ـ حاجی بابا

ردیف ایستاده بالا :

ملا رحمیم ـ آقاجان ربی ملا اهرون ـ شکرالله فتح الله ـ باروخ دایی نیسان یهودا ـ الیاهو ابراهیم یزدی ـ آقاجان درویش ـ شیمعون الیاهو دردشتی .

פיוס בין אש"ף לחמאס: ישתפו פעולה בהסלמת האינתיפאדה

בפגישה בחרטום החליטו נציגי הארגונים להקים ועדה משותפת לתיאום הפעילות בשטחים, ולפתרון בעיית המגורשים. והאינתיפאדה מתגברת, עמ' 4-7

סלימאן אל-שאפעי, יורם בינור

בתום פגישת פיוס בת שלושה ימים בחרטום החליטו נציגי אש"ף והחמאס לשתף פעולה בהגברת האינתיפאדה בשטחים. כמו כן הוחלט על הקמת ועדה משותפת לתיאום פעילותם ולפתרון בעיית המגורשים. מנהיג סודאן, חסאן טוראבי, שתיווך בין הצדדים, אמר, כי שני הארגונים החליטו לתאם את פעילות הפלשתינים בשטחים ולגייס פלשתינים נוספים לצרכי ההתקוממות. ואילו בדמשק קראו 10 ארגונים פלשתינים, ביניהם החמאס ו-4 פלגים של הפתח, להסלים את האינתיפאדה בשטחים. בהודעתם קוראים הארגונים, המתנגדים לתהליך השלום במזרח התיכון, להמשך האינתיפאדה ולהסלמתה. כמו כן משבחים הארגונים את ממשלת לבנון, "שבמדיניותה חשפה את תגזעות של האויב הישראלי והעמידה את אמינותו של הממשל האמריקני במבחן".

איש השב"כ נפצע קשה והמשיך להיאבק, אבל לא הצליח לירות

חיים נחמני חוסל שעה שהמתין למשתף פעולה פלשתיני בדירת מיפגש של השב"כ בשכונת רחביה בירושלים. הסיפור המלא בעמ' 5

יורם בינור, שלמה דרור, אהרון קליין

כוחות הביטחון בישראל עורכים מצוד רחב היקף אחר רוצחו של איש השב"כ, חיים נחמני. השב"כ עצר מספר בני משפחה וידידים של החשוד ברצח, מתוך תקווה שחקירתם תסייע לגילוי הרוצח. מהממצאים שנתגלו בזירת הרצח עולה, כי איש השב"כ נאבק עם תוקפיו. אופי המאבק, הפגיעות בנחמני וממצאים אחרים, מעידים על כך שבדירת המיפגש היה יותר מתוקף אחד. נראה, כי גם הבריחה ממקום הרצח היתה מתוכננת, וייתכן שהרוצח או הרוצחים נעזרו באנשים נוספים שהמתינו להם בקירבת מקום. כתמי דם נמצאו במקומות שונים בדירת המיפגש של השב"כ והריהוט הוזז ממקומו. ייתכן שנחמני נע ממקום למקום בדירה, גם לאחר שהוכה ונדקר מספר פעמים. נבדקת גם האפשרות, כי אחד התוקפים נפגע. בעדויות שגבו מהשכנים בשכונת רחביה בירושלים נמצא, כי איש מהם לא ראה מי נכנס ומי יצא מן הבית, אולם חלקם סיפרו, כי שמעו רעשים חריגים אותם ייחסו למריבה משפחתית. מבדיקת הפגיעות בנחמני עולה, כי האיש נפגע קשה כבר בראשית המאבק. יתכן שזאת הסיבה שלא הצליח להשתמש באקדח שנשא על גופו. נמסר, כי לא נלקח תיק המסמכים של איש השב"כ. למעט האקדח לא נלקחו פריטים אחרים מהרצח או מהדירה. בשב"כ זועמים על שמועות, כאילו המסמכים הסודיים נלקחו מהדירה. "מי שמכיר את עבודת השב"כ יודע,

המשך בעמוד 2

זינוק לדולר בישראל: 2.78 שקל לדולר

אבי ממקן

השקל הישראלי פוחת השבוע ב-0.87 אחוז לעומת הדולר האמריקני, ושער החליפין של השקל לעומת הדולר נקבע ל-2.788 שקל. שער החליפין ביחס לסל המטבעות שבר בתחילת השבוע את מחסום ה-3 שקלים ליחידת סל, ונקבע ל-3.0102 שקל ליחידת סל. זאת בעקבות פיחות של חצי אחוז. הפיחות המהיר של השקל בא על רקע התגברות הביקושים בישראל למטבע חוץ מצד המגזר הפרטי. עודף הביקוש היה 57 מיליון דולר, ובנק ישראל נאלץ למכור 46 מיליון דולר, כדי למנוע פיחות גדול יותר בשער השקל. ממחצית דצמבר, כאשר החל הגל הנוכחי של קניות מטבע חוץ על ידי הציבור הישראלי, נרשם פיחות מצטבר של כ-4 אחוזים לעומת הדולר. הקניות המוגברות במטבע חוץ גרמו כבר לירידה בולטת ביתרות מטבע חוץ של ישראל. על פי נתונים שפירסם באמצע השבוע בנק ישראל, ירדו היתרות בחודש שעבר ב-434 מיליון דולר, ועמדו בסוף 92' על 5.132 מיליארד דולר. מאז סוף 91' ירדו הרזרבות ב-1.166 מיליארד דולר. בסוף מאי 92' הגיעו היתרות לרמת שיא של 7.157 מיליארד דולר, ומאז נרשמה ירידה של יותר משני מיליארד דולר, למרות קבלת הסיוע האמריקני בסך 1.2 מיליארד דולר, בחודש נובמבר האחרון.

מטען התפוצץ באוטובוס "אגד" שהיה בדרכו מחיפה לירושלים

לא היו נפגעים. המטען היה מאולתר והורכב בצורה חובבנית

מאיר תורג'מן

מטען תבלה התפוצץ השבוע בתא מטען של אוטובוס "אגד" בקו 945, שהיה בדרכו מחיפה לירושלים. איש לא נפגע ולא נגרם נזק.

נהג האוטובוס, רפי ורסנו (28) מחיפה, סיפר למשטרה, כי בתחנה המרכזית בעיר עלו לאוטובוס עשרות נוסעים. לדבריו, השגיח שהאנשים שהכניסו תיקים לתא המטען אכן עלו לאוטובוס ואז נעל את תא המטען בנעילה חשמלית. אחר כך סרק את האוטובוס ויצא לדרך.

בצומת בית ליד, סמוך לנתניה, עצר האוטובוס. המשטרה סבורה, כי בשלב זה הכניס אלמוני את המטען לתא המטען. בצומת עלו לאוטובוס עשרות חיילים במדים. החיילים סיפרו לחוקרי המשטרה, כי "היה אדם שעזר לנו להכניס את התיקים לתא המטען". לדבריהם, לבש האיש מדי צה"ל ומעיל חום, שנראה כמעיל צבאי. האיש לא עורר את חשדם של החיילים, ואיש לא ראה אם זרק תיק ובו מטען החבלה לתא המטען.

האוטובוס המשיך בנסיעה, על כביש הוד-השרון-פתח תקווה. כשהגיע לצומת כפר הבפטיסטים התפוצץ המטען. "ליד פתח תקוה שמעתי 'בום'", סיפר אחד הנוסעים, חייל משמר הגבול סמיר מסאלחה. "חשבתי שאולי נפל משהו על האוטובוס. ירדנו למטה, וראינו עשן יוצא מתא המטען".

כוחות משטרה בפיקוד מפקד מחוז המרכז, ניצב אסף חפץ, ומפקד משטרת פתח תקווה, סגן ניצב דודו מנצור, הגיעו למקום. הכביש נסגר לתנועה וחבלנים חיפשו באוטובוס מטענים נוספים.

המטען שהתפוצץ היה עטוף בחבילת בגדים, בתוך תיק אפור. הפיצוץ חרך את הבגדים, אך לא גרם נזק נוסף. ניצב חפץ אמר, כי המטען היה מאולתר והורכב בצורה חובבנית, מחלקים קטנים של צינורות, סוללה ושעון.

קצין הבטיחות ב"אגד", דורון קרמר, אמר, כי הנהג פעל לפי כללי הבטיחות הנדרשים. לדבריו, גם הוא מתכוון לחקור את הפיצוץ, ולאחר שממצאי המשטרה יימסרו לידיו, "ננתח אותם ונבדוק מחדש את הנהלים".

גם מצרים טוענת: ישראל תחתום בקרוב עם ירדן וסוריה

אמנון ברזילי

המצרים מעריכים, כי ישראל והפלשתינים עשויים להגיע להסכמה על עקרונות להסכם שלום כבר בחודשים אפריל-מאי ולחתימה על הסכם הביניים עד אוקטובר. בשיחה שקיים השבוע סגן שר החוץ הישראלי, ד"ר יוסי ביילין, עם עמיתו המצרי, עמרו מוסא, העריך שר החוץ המצרי, כי השנה אפשר יהיה להגיע להסכם שלום בין ישראל לבין סוריה וירדן. המצרים ציינו בשיחות, כי הם מעריכים שההסכם בין ישראל לסוריה יהיה הסכם שלום בשלבים.

עמרו מוסא ביסס את הערתו על מידע, שהגיע לידיו, לפיו הפערים בין ישראל לבין הפלשתינים והסורים ניתנים לגישור. הוא גם העריך, כי עם חידוש השיחות יגלו האמריקנים מעורבות גדולה הרבה יותר מכפי שניתן לשער, על פי סדרי העדיפויות של הנשיא החדש, ביל קלינטון.

סגן שר החוץ, יוסי ביילין, הגיע למצרים לביקור חטוף שארך פחות מיממה. ביילין נפגש גם עם יועץ הנשיא מובארק, עוסמא אל באז. בשיחות האלה ציינו המצרים, כי סבב השיחות הבא, שיתקיים במחצית השנייה של פברואר בוושינגטון, יהיה סיבוב השיחות החשוב ביותר. הם הדגישו, כי לקראת חידוש שיחות השלום יש ציפיה שישראל תנקוט מהלכים הקשורים במגורשי החמאס במטרה לשפר את האווירה.

ג'יפ צה"לי נרגם ברפיח והתהפך, החיילים פתחו באש ובן 18 נהרג

סלימאן אל־שאפעי

ג'יפ צבאי, שנכנס לתוך מחנה הפליטים ברפיח ונרגם באבנים, סטה והתהפך לתוך שלולית עמוקה, לאחר שנהגו איבד את השליטה. במקום התקהלו עשרות תושבים, אשר החלו ליידות אבנים, בקבוקים וברזלים לעבר החיילים בג'יפ. החיילים החלו לירות לכל עבר. כעבור זמן קצר הגיעו למקום סיורים נוספים, שגם לעברם יידו ערבים אבנים. עדי ראייה סיפרו, כי החיילים פתחו בירי לעבר מיידי האבנים ופגעו ביאסר אל-סופי (18), תושב שכונת שעבורה ובן למשפחה מוכרת של תומכי פתח, שכמה מבני משפחתו כלואים בבתי כלא בישראל. הוא נפגע בראשו ומת במקום. מקורות צבאיים מסרו, כי חיילי הג'יפ נאלצו לירות, בגלל סכנת חיים שנשקפה להם מיידוי המוני של אבנים ובקבוקים. מקורות ערביים דיווחו, כי בתקרית נפצעו 9 תושבים, ביניהם אשה בת 42, שערכה קניות בשוק ונפצעה קשה מכדור בבטנה. הפצועים פונו לבית החולים נאצר בחאן-יונס. ברצועת עזה היו אירועים נוספים, לאחר שהוסר העוצר שהוטל בשבוע שעבר, ערב יום הפתח. במחנה הפליטים ג'באליה היו מספר התנגשויות עם הצבא, ודווח על שני פצועים.

כדורי גומי נגד מתפרעים החרדים

צמתים נחסמו, אשפה הוצתה ושוטרים נפצעו בהפגנת ענק בירושלים

שלמה דדור, יעל אהרונוב

שוטרים ואנשי מג״ב פיזרו ביום ראשון בירי כדורי גומי מאות חרדים שהתפרעו בירושלים בעקבות חפירות ארכיאולוגיות המתקיימות בשכונת ממילא. החרדים התפרעו משעות הבוקר המוקדמות, הציתו עגלות אשפה וחסמו כבישים. הרחובות ירמיהו, שמואל הנביא, יחזקאל, מלכי ישראל, שבטי ישראל ומאה שערים נראו כמו אחרי פוגרום. בשעות הלילה הדפה המשטרה קבוצה גדולה של חרדים, שניסו להצית את קולנוע ״אדיסון״.

״מחתרת יהודית לחיסול נאצים מתאמנת בישראל״

יאיר שמרון (בון)

״אנחנו מתאמנים עכשיו, ובקרוב נתחיל בחיסול הניאו-נאצים בזה אחר זה, בתוך גרמניה ובכל מקום שבו ניתקל בהם״.

כך אמר צעיר יהודי רעול-פנים לתחקירני תוכנית הטלוויזיה הגרמנית היוקרתית ״שפיגל טי-פאו״. הצעיר צולם במרכז אימונים בישראל.

בתוכנית רואיין בגלוי הרב ברוך בן יוסף, ממייסדי ״הליגה להגנה יהודית״, העומד בראש קבוצת מחתרת ששמה לה, לדבריו, למטרה לחסל את הנאצים בגרמניה.

״יש לנו זכות מלאה לחסל את הנאצים, והיא ניתנה לנו מטעם שישה מיליון היהודים שרצחו אבותיהם״, הסביר בן יוסף לכתבים הגרמנים.

בתוכנית הוסבר, כי מדובר אמנם בקבוצה קטנה, המונה עשרות בודדות של חברים, אך כולם שירתו בצה״ל ״ביחידות מובחרות ביותר, ממש באליטה״.

המראיין: האם אין זה תפקידה של המשטרה הגרמנית במדינת חוק לטפל בנאצים?

איש הארגון הישראלי: ״ראינו בדיוק מה לא עושה המשטרה הגרמנית. אנחנו נפעל בשיטת 'עין תחת עין', 'שן תחת שן'. זאת מצווה מהתורה״.

ראש הקהילה היהודית בגרמניה, איגנץ בוביס, שרואיין גם הוא לתוכנית, היה מופתע והטעים, שיש להשאיר למשטרה הגרמנית את הטיפול במפירי חוק ניאו-נאצים.

הרב בן יוסף אמר בעניין זה: ״לא מעניין אותי מה יגידו יהודי גרמניה - רוב היהודים בעולם תומכים בנו. יהודי גרמניה, שנותרו להתגורר בקביעות בארץ הנאצים, משולים לפרוצות״.

התוכנית הסתיימה בדברי אחד מחברי ״המחתרת האנטי-נאצית היהודית״, המכריז: ״לילה טוב גרמניה, אנחנו בדרך אליכם, לחסל את הנאצים״.

ירידה בביצוע עבירות במשולש מאז הגירוש

בכיר במשטרה: ערביי ישראל בהלם. ניכרת גם ירידה בכמות הפיגועים

נירית זך, אהרון קליין

ירידה חדה באירועים פליליים ועבירות ממניע לאומני ניכרת באזור ישובי המשולש בשבועיים האחרונים, מאז גירוש אנשי החמאס - כך מסר מפקד משטרת עירון, סגן ניצב סואל לוי, המופקד על הערים אום אל-פאחם, ג'ת, בקע אל גרבייה, ערערה, כפר קרע ובסך הכל על 83,000 ערבים מוסלמים.

לוי סיפר, כי בסופי שבוע ישנם, בדרך כלל, מיקרים רבים של קטטות, בעיקר סכסוכים בין חמולות, וכן גניבות ממכוניות ופריצות. בשבועיים האחרונים, חלה ירידה חדה בעבירות אלה. ״אם פעם היינו מדווחים על כ-25 מיקרים של אירועים פליליים במהלך שישי-שבת אחד, בסוף השבוע שעבר דווחנו על שתי גניבות בלבד״.

מקור בכיר במשטרה אמר, כי לדעתו ערביי ישראל נתונים מאז גירוש 415 פעילי החמאס בהלם, וגם סכסוכים בין משפחות ובין שכנים כמעט פסקו מאז הגירוש.

גם גורם צבאי בכיר אמר, כי גירוש אנשי החמאס כבר מורגש בשטח. לדבריו, העובדה שפעילות החמאס והג'יהאד האיסלמי מאורגנת פחות, הפחיתה את מספר הפיגועים המבוצעים על ידם. ״אין ספק, כי יקח להם זמן להתאושש. הגירוש, ללא ספק, משפיע על השטח - אם כי אי אפשר להבטיח שלא יהיו יותר פיגועים״.

סגן הרמטכ״ל, אלוף אמנון שחק, הוסיף את דעתו, כי אין ספק שגירוש המנהיגים משפיע.

B"H

در به در به دنبال سرنوشت

If you are interested in meeting Jewish singles, please fill out this form to be on our computer dating service and send in with $10.00 to: JEC - Rabbi Dalfin - 821 N. Formosa, Apt. 202 - Los Angeles, CA 90046. All information is confidential.

Name:______________________

Address:______________________Apt.#____

City, State & Zip:______________________

Phone:______________________

Age:__________

Describe yourself______________________

____

A) What is your Jewish involvement?

____

B) What is your occupation?

____

C) What kind of a person are you looking for? What age?

____

____

D) Have you been married before?

____

E) Did you study in a Yeshiva? How long?

____

F) Do you attend regular Torah classes? Where?

____

____

G) What types of hobbies do you have?

____

____

____

کلاس های ویژه ی

خودشناسی: کلید کامیابی در روابط انسانی

1. Who are you? January 26th
2. Are you thriving, or just surviving? February 2nd
3. How to handle hostility and criticism. February 9th
4. Overcoming love and approval addiction. February 16th
5. Saying "no". The ultimate victory in intimacy. February 23rd
6. Having real expectations in a relationship. March 2nd
7. The cure for lonliness - You aren't alone! March 9th
8. Rethinking our values - The response to harrassment. March 16th

This 8 week course will help you know yourself better. It will assist you in developing and improving your relationships. In our modern era many relationships are shallow and crumbling. Join Rabbi Dalfin in discovering a Jewish perspective to making your relationships more meaningful.

All classes will be held Tuesday evenings, on the dates listed above, at 8:00 p.m. at the Jewish Enrichment Center at 9017 Pico Blvd. (Corner of Crest and Pico). Suggested donation $5.00 per class, $36.00 per series. **For information call: (213)954-0360.**

On SUPER SUNDAY, on this one day, thousands of calls are made throughout the country.

Each phone call bears a message of hope and insures the future of our brothers and our sisters around the world.



On February 7, SUPER SUNDAY will be held at six locations across Los Angeles. We need you-your time, your energy and your enthusiasm. With your help, we can raise the money needed to provide care for hundreds of thousands of our people, locally and worldwide, who depend on United Jewish Fund programs.

SUPER SUNDAY FEB. 7 UNITED JEWISH FUND



سوپرساندی

فدراسیون یهودیان آمریکایی لس آنجلس در روز یکشنبه هفتم فوریه
نیاز به همکاری تنی چند از جوانان ما برای پاسخگویی تلفنی در برنامه‌ی گردآوری کمک های مالی برای یاری دادن به مهاجرین یهودی از شوروی پیشین دارد.
از دوستداران انجام این برنامه خواهشمندیم با ما در سازمان سیامک، گفت وگو کنند.
(۸۱۸) ۵۰۳-۱۲۷۰

Newspeak:

from the Arab world, the United Nations and the Western media? Before and since the two-year old Gulf War, the plight of thousands of Palestinians who have suffered persecution and deportation by Saudi Arabia, Kuwait and the Arab Gulf States.

In defense of its citizens and residents, Jew and Arab, Israel did the "most humane of all options" against Hamas-inspired terrorism. No Arab state would do less, and many would do more. Ask Egypt and Lebanon.

"The Arab-Israeli conflict has been rendered unclear and oversimplified by decades of propaganda and uneven reporting," so observed Leon Uris in his comment on *Myths and Facts* (Near East Report, 1992). Add to this media deconstructionism, politically correct language, and historical revisionism and one can see the near impossible task of distinguishing factuality from Newspeak.

Further, psychologists suggest that we are conscious of only a very small part of what we have experienced in our lifetime; and that language is the conduit sine qua non to express this sense of reality. If our need to communicate arises out of our social nature, then our group identity determines a significant part of what we perceive to be moral goodness or blameworthiness together with an obligation to do right or be good.

Yet our "herd mentality" underestimates our wrong and oversimplifies our right. Empowerment in terms of genes and chromosomes and not morals. "Love your neighbor as yourself," means less than more but never equal. Anthropocentric and not theocentric view of the world rendered in terms of swords and not plowshares, spears and not pruning hooks.

The cycle of the Arab-Israeli conflict is justified by "herd mentality" and the communication of Newspeak. But Jew and Arab must break the cycle and return to Torahspeak: Where are you, Man?

May the Bible's first question be the key of discovery to the basic weapons by which Man has advanced from savagery to civilization: Language and Dialogue.

...Survey on Anti-Semitism

Roughly one in five Americans (20 percent) accept six or more of the 11 questions in the current survey — down from 29 percent in 1964. This translates into 35 to 40 million people — equivalent to the combined populations of New York, New Jersey and Pennsylvania, or to the number of residents in the seven largest cities in the U.S.

There are extraordinary differences between the views of the 20 percent "most anti-Semitic" and the other 80 percent of the American public. The most anti-Semitic endorse a range of anti- Jewish stereotypes overwhelmingly rejcted by the remainder.

Over the last 28 years, there has been a steady decline in acceptance of many of the classical ethical stereotypes traditionally attributed to Jews. However, there has been a steady rise in acceptance of the notion that Jews have too much power in the United States — from 11 percent in 1964 to 31 percent in 1992.

There has also been a slight rise in just the last decade — from 30 to 35 percent — in the number who believe that Jews are more loyal to Israel than to the United States. On the other hand, the percentage rejecting this statement has jumped much more dramatically over the same period. Among the most anti-Semitic segment, Jewish loyalty to Israel is one of the most accepted stereotypes.

However, while nearly one in three Americans believe Jews have too much power, nearly half the public (47 percent) believes whites in general have too much power.

Confirming previous data, black Americans today are twice as likely (37 percent) as whites to fall into the most anti-Semitic category. At the same time, the overall level of anti-Semitism among blacks, as with the general public, has declined over the last three decades.

On three issues, however, the level of anti-Jewish sentiment has been increasing among blacks while decreasing among whites:

- Jews are more loyal to Israel than America.
- Jews still talk too much about the Holocaust.
- Jewish employers go out of their way to hire other Jews.

The 1992 survey refutes a widespread notion that college- educated blacks are more anti-Semiti. Among blacks without college education, 46 percent are in the most anti-Semitic group. Among those who have attended or graduated from college, 27 percent are in that group.

Other basic demographic criteria, such as age or income level, have no statistical correlation with anti-Semitism among blacks.

The amount of daily contact an individual has with Jews or the fact that a person has Jewish friends or relatives appears to have no bearing on anti-Semitic beliefs.

Among blacks, however, greater contact and close friendships with Jews seem to bear some connection to less acceptance of anti- Semitic beliefs.

One of the most significant findings is a strong correlation between anti-Semitism and racism, xenophobia and intolerance of diversity. The seeds of anti-Semitism are much more likely to flow from an individual's basic values or view of the world than from external events, such as a recession or disaffection with the political process. □

Nearly 40 Million Americans Hold Anti-Semitic Views

ADL Issues Survey on Anti-Semitism and Prejudice in America

Nearly 40 million adults — one in five Americans — hold strongly anti-Semitic views according to a major national survey released by ADL at a press conference in New York.

The national poll of 1,101 American adults conducted in May by the Boston firm of Marttila & Kiley, found a hard core — who embrace a wide range of stereotypes — "Jews have too much power" and "Jews are more loyal to Israel than America," among others. The number of Americans within the "most anti-Semitic" segment is down only nine percentage points in 28 years.

Those who are the most anti-Semitic are older — more than 65 years of age — have a high school education or less, and are blue-collar workers. Black Americans are twice as likely as whites to fall into the "most anti-Semitic" category.

Finally, the poll showed a high correlation between anti- Semitism and racism, xenophobia and intolerance.

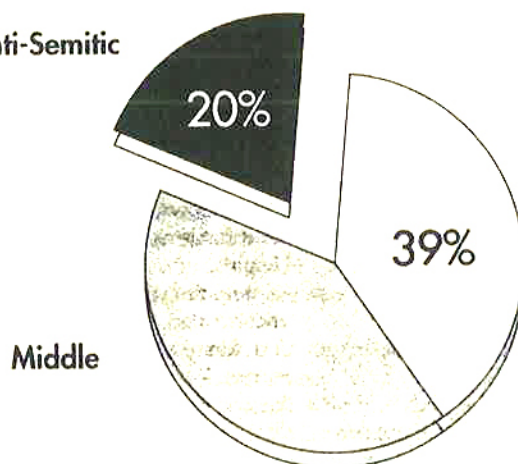
"It boggles the mind that in 1992 a significant segment of American society buys into the classical canards and stereotypes that allege Jewish power," said **Melvin Salberg**, ADL national chairman. "It is both sinister and dangerous that the stereotypes so alive in the 1930s, which led to the horrors of the Holocaust, did not die in the ashes of Europe, but have found a rebirth in America today.

"We are deeply troubled," Mr. Salberg added, "by the extent of anti-Semitic attitudes held by African-Americans. The Black-Jewish relationship is a long-standing and special one, and we are pained by these figures."

To provide an analytic tool to identify and better understand which Americans have anti-Semitic views, ADL developed an Index of Anti-Semitic Beliefs which was first used in a 1964 survey. The same Index, used in the current poll, groups respondents into one of three categories based upon the number of critical responses given to 11 specific topics spread throughout the 115 question survey. In the 1992 survey, the groups are as follows:

1. **Not Anti-Semitic:** People who answer none or one of the questions with a critical response - 39 percent.
2. **Middle:** People who answer between two and five questions critically are considered to be not completely prejudice-free but not an audience to be deeply worried about - 41 percent.
3. **Most Anti-Semitic:** The people who answer six or more questions critically are isolated for special analysis and demographic identification - 20 percent.

How Many Americans Hold Prejudicial Views of Jews?



11-Item Index of Anti-Semitic Beliefs

1. Jews stick together more than other Americans.
2. Jews always like to be at the head of things.
3. Jews are more loyal to Israel than America.
4. Jews have too much power in the U.S. today.
5. Jews have too much control and influence on Wall Street.
6. Jews have too much power in the business world.
7. Jews have a lot of irritating faults.
8. Jews are more willing than others to use shady practices to get what they want.
9. Jewish businessmen are so shrewd that others don't have a fair chance in competition.
10. Jews don't care what happens to anyone but their own kind.
11. Jews are [not] just as honest as other businessmen.

The Index is particularly useful for exploring the composition and attitudes of the most anti-Semitic segment.

Continued on page 74

This Summer, over one hundred Los Angeles teenagers will take part in the experience of a lifetime.

SUMMER ULPAN IN ISRAEL

Register before January 1 and receive an early registration discount!
Call Zvi at (213) 852-7702 ext. 2234, or (818) 990-8640 ext. 2234





Sponsored by the Bureau of Jewish Education of Greater Los Angeles An Agency of Jewish Federation Council and beneficiary of United Jewish Fund.

not destroy, the momentum for a permanent peace between Israel and her enemies.

But a careful read of Middle East history, international law, and Palestinian intent and deed will reveal the above as a canard against the State of Israel.

The West Bank is *unallocated territory* left over from the demise of the Ottoman Empire after World War I. There has never been any inter-nationally recognized sovereign status to this area, neither during the British Mandate (dissolved in 1947) nor during seizure by Jordan 1948-1967, nor during current Israeli rule. Legally, if there is no sovereignty there can be no occupation. The post-1967 media Newspeak to the West Bank as "occupied territory," or "Israeli occupied territory," or "occupied Palestine lands" is prejudicing the case against Israel. Fairness in reporting would be to avoid words favoring neither the Arab or Israeli position.

The PLO Covenant Against Israel redefines Jews as a religion, not a nationality with an independent existence. Thus the Zionist state is a malignant tumor on the side of the Arab polity which must be cut off. Hence, all efforts aimed at Israel's destruction, including Intifada, are by definition defensive in nature. Also, Zionism, in the political program of Fatah (August 1989), is castigated as an enemy of the world, not just of the Arabs or the Palestinians. In the ultimate Newspeak and slander, the Jewish people's national liberation movement is likened to Nazism.

The Covenant of the Islamic Resistance Movement (Hamas), which vies with the PLO for the leadership of the Intifada, proclaims in part:

> **Our struggle against the Jews is very great and very serious. It needs all sincere efforts. The Islamic Resistance Movement is but one squadron that should be supported... It strives to raise the banner of Allah over every inch of Palestine ... It is one of the links in the chain of the struggle against the Zionist invaders ...**
> **The Prophet, Allah bless him and grant him salvation, has said: The Day of judgment will not come about until Moslems fight the Jews (killing the Jews), when the Jew will hide behind stones and trees. The stones and trees will say, "there is a Jew behind me, come and kill him" ... There is no solution for the Palestine question except through, Jihad. Initiatives, proposals and international conferences are all a waste of time and vain endeavors. *Palestine is an Islamic land.***

What unifies the factions of the Palestine National Movement is an express desire to eradicate a Jewish presence in the "Homeland." Also, through intimidation and murder, members of the PLO and Hamas have largely silenced moderate Palestinians who might negotiate a peaceful resolution of the conflict.

> **The Palestinian Arab people, in expressing itself through the armed Palestinian revolution, rejects every solution that is a substitute for a complete liberation of Palestine, and rejects all plans that aim at the settlement of the Palestine issue or its internationalization.**

(Article 21, PLO Covenant Against Israel)

Note well that at least two-thirds of the violent Palestinian deaths in the territories (more than 800) are the result of Palestinian-on-Palestinian violence.

The abduction and murder of Israeli border policeman, Sergeant-Major Nissim Toledano, the fifth Israel soldier killed within one week, for which Hamas claimed responsibility, was the catalyst for the Israeli reprisal against the leadership of this fundamentalist terrorist organization. To see this as an act against innocent Palestinians is an outrage; to suggest that the Israelis lack justice or compassion is brazen *chutzpah*; and to declare that this hinders the peace process, raises the serious question, for whom do these critics toil?

(In late December, Israel thwarted a plot to kill Faisal Husseini, chief Palestinian negotiator.)

What then is injustice against Palestinians and greeted with less condemnation than the Israeli actions

Continued on page 74

Newspeak: Language as a Weapon

By Zev Garber

In common sense knowledge, we have thoughts and our language reports or expresses these thoughts. But scholars reject this simplistic view on the way we think. The linguist Edward Sapir (1884-1939) saw the interconnections between language, culture, and psychology. He observed that the "real world is to a large extent unconsciously built upon the language habits of the group ... we see and hear and otherwise experience very largely as we do because the language habits of our community predispose certain choices of interpretation."

From his work in anthropology, Benjamin Whorf (1879-1941) agreed and he opined that our conceptual mindset is determined by our language. Thus people who speak different languages (phonology, morphology, syntax, etc.) cannot share the same conceptual framework, and conversely, different conceptual forms cannot be expressed in the same language. Contrast, for example, standardized American English (time oriented) and the languages of the native American ("timeless").

Similarly, Ludwig Wittgenstein (1889-1951) observed in his *Philosophical Investigations* that every word in a language signifies something, and since meanings are not given independently of language, some prior agreement must exist between speaker/sender and hearer/receiver so that communication will be possible. As Wittgenstein put it, "If a lion could speak, we could not understand him."

The essayist-novelist George Orwell (1903-1950) sees a sinister side to language: thought control. His classic *1984* portrays society under siege by government control over the language. His protagonist, Syme, recognizes that language is necessary for concepts to find expression. Manipulate language and certain thoughts are not possible. He called this language control Newspeak.

The following excerpt from Syme's dialogue in *1984* is chillingly prophetic:

> **By 2050 -- earlier, probably -- all real knowl edge of Oldspeak will have disappeared. The whole literature of the past will have been destroyed. Chaucer, Shakespeare, Milton, Byron -- they'll exist only in Newspeak versions, not *merely changed into something different, but actually changed into something contradictory of what they used to be.* Even the language of the partly will change. Even the slogans will change. How could you have a slogan like "freedom is slavery" when the concept of freedom has been abolished? The whole climate of thought will be different. In fact there will be no thought, as we understand it now.**



Newspeak means not thinking --- not needing to think. And the media's report -- and the UN condemnation -- of the Israeli action against Palestinian terrorism is a case in point.

Read today's headline and editorial opinion: The Israeli decision to expel 415 members of Hamas and Islamic Jihad is wrong for at least four reasons: 1) It is a violation of international law to expel individuals from "occupied territories," no matter what the crime; 2) The expelled Palestinians were not tried by a court of law and the very nature of collective banishment tarnishes the "innocent" along with the "guilty"; 3) Israel's occupation and denial of fundamental human rights to the Palestinian people, including the right of self-determination, is the source of the violence in Gaza, West Bank and East Jerusalem; 4) The deportations will certainly impede, if

EASTERN EUROPE

MEMORIAL

A ceremony has been held at the Ponary Memorial on the outskirts of Vilnius, Lithuania, where, between 1941 and 1945, 100,000 Jews were executed by Germans with the aid of Lithuanian collaborators.

National flags draped with black ribbon were displayed at government offices and apartment buildings throughout the republic in memory of the genocide of Jews during World War II.

FASCIST REVIVAL

A Romanian ex-policeman has attempted to revive a fascist party buried during World War II, but only he and 40 journalists turned up at its first meeting.

The National Legionary Party was the name used by the fascist Iron Guard movement which ruled Romania from September 1940 to January 1941 under a deal between dictator Ion Antonescu and Nazi Germany.

ARMED NAZIS

Neo-Nazis in St. Petersburg have set up an armed unit and established contact with counterparts in the west, according to an official report.

The disclosure was made after the arrest of Alexei Andreyev, leader of the neo-Nazi National Social Party and the publisher of the anti-Semitic paper *People's Cause*. Items confiscated during a search of Andreyev's apartment included rockets and a launcher, as well as swastika armbands.

HUNGARIAN NEO-NAZI

A Hungarian court gave a right-wing extremist leader a one -year suspended prison sentence after it found him guilty of illegal possession of firearms and encouraging racist acts.

The municipal court in Gyor handed down the sentence to Istvan Gyorkos, leader of the Hungarian National Socialist Action Group, a neo-Nazi organization, which distributed posters and publications inciting hatred against Jews and foreigners. The court also found two of his sons and another associate guilty, but acquitted a fourth defendant.

AROUND & ABOUT

JEWISH MAYOR

An accountant nicknamed "Mr. No" for his tight-fisted policies has become Buenos Aires' first Jewish mayor, charged with pulling Argentina's capital out of the red. Saul Bouer was sworn in when Mayor Carlos Grosso resigned after being criticized for his handling of the city's finances.

Although most of Argentina is Catholic, the country has Latin America's largest Jewish population.

HEALTH FUND

A fund established by Eric Kovler, a Jew who was a founder and for many years president of the NAACP, is providing for as many as 12 Jewish and black physicians and other health professionals to help train South African Blacks in the health-care field.

The health professionals will work at the universities of Cape Town and Western Cape over the next two years.

CHILE NAZI

Miguel Serrano, leader of the Chilean neo-Nazi Party, has said that his party would support Chilean skinheads if they decided to harass the country's ethnic minorities, especially Jews and Asians.

At a neo-Nazi rally Serrano had charged there was a Jewish conspiracy to set up "their promised land" in part of Chile.

SPACED OUT

The Raelians, a Sydney, Australia religious sect, have changed their symbol - an entwined Star of David and swastika - claiming that aliens informed them that the emblem has upset Jews.

The movement is named for Claude Rael, a sports journalist who claims to have made contact with aliens in southern France in 1973.

HELPING HAND

The Union of Jewish women of Zimbabwe has undertaken the mammoth task of feeding some 6,000 malnourished children under 5 years of age.

CHASHM ANDAAZ
Published by:
International Judea Foundation
(Non-Profit Organization)
An affiliated Organization of
Jewish Federation Council
of Greater Los Angeles
P.O.Box 3074
Beverly Hills, CA 90212
Tel. (818) 503-1270
Fax (818) 503-9707
Editor
Dariush Fakheri
Associate Editors
Asher Aramnia
George Haroonian
Shahram Siman
Hebrew Section Editor
David Fakheri
Articles published are not necessarily the views of International Judea Foundations. CHASHM ANDAAZ does not endorse the goods and services advertised in its pages, and makes no representation as to the *kashrut* of food products and services.
All rights reserved

Fliers promoting the band's appearance on campus carried a disclaimer advising students not to take the name seriously.

■ KOSHER ELVIS ?

In his new book, *Elvis: From Memphis to Hollywood*, , author Alan Fortas writes that Elvis Presley claimed to be partly Jewish through his mother's side of the family.

Fortas writes that Elvis' fondness for Jews stemmed from the fact that when his family first moved from Mississippi to Memphis and couldn't find a place to stay, a local rabbi let them stay in his basement.

■ UNION BUSTING

A study by the Jewish Labor Committee found that workers in the 20 countries affiliated with the League of Arab States face serious violations of internationally recognized worker and trade union rights.

In five countries, unions are simply banned outright (Bahrain, Oman, Qatar, Saudi Arabia, and United Arab Emirates). In five countries, no collective bargaining is permitted (Djibouti, Iraq, Libya, Somalia, and Yemen). In Sudan, organizing a strike is punishable by death.

ISRAEL

■ RECORD HIGH

Israel's Ben Gurion Airport handled a record number of passengers during July and August 1992 – 1.057 million versus 947,000 in the same period last year.

The upward trend continued into September, when during the first two weeks the airport handled some 200,000 passengers – an increase of 13.5% compared with the same period last year.

■ ARAB PATRON

Sheik Idris Sakhouta, a religious advisor to the World Islamic League, an international religious organization based in Saudi Arabia, has donated $1,000 to the Israel Museum, becoming its first Arab patron.

■ GRATITUDE

Thirty-five Palestinians from the Gaza Strip have completed a two-year refresher course in medical sciences at Israel's Ben Gurion University.

Photographers covering the graduation ceremony were advised that "most of the graduates did not wish to be identified and refused to be photographed."

■ HASH HEAP

An archeological excavation at Beit Shemesh in Israel has yielded evidence that hashish was used for medical purposes in the 4th century.

The therapeutic use of the narcotic is known from historical sources, but this is the first time that it has been confirmed from archeological evidence.

EUROPE

■ GERMAN THREAT

A poll conducted by professors at Cologne University has found that Germany's small Jewish community feels threatened by the rise of the extreme right since German unification in 1990.

Results of the study show that 45% of Jews in Germany believe that democracy is being strongly threatened by right-wing extremism. Only 10% of non-Jewish Germans share this fear.

■ GLASGOW GAFFE

Glasgow's Jewish community has expressed concern that the city might be drawn into Middle East politics following a ceremony in which a Palestinian flag was flown from the City Chambers, the municipal headquarters.

The Palestinian colors were hoisted when Elias Freij, mayor of the town of Bethlehem and a leading Palestinian, signed a friendship agreement with Glasgow's Lord Provost, Robert Innes.

■ OXFORD YIDDISH

A Pole studying Mongolian, a Japanese translator of the work of Isaac Bashevis Singer, and a German high court judge were among the 58 participants in the summer Yiddish program at Britain's Oxford Center for Postgraduate Hebrew Studies.

Seventy percent of the students in the program were non-Jews under 25 years of age.

■ GREEK PROTEST

Greece's Jewish community has protested that new national identity cards being issued to all citizens are requiring the insertion of the bearer's religion.

The new cards are to be used as passports within European Community countries.

■ AUSTRIAN OUTRAGE

Right-wing extremists broke into a Jewish graveyard in the eastern Austrian town of Eisenstadt and spray-painted 80 gravestones with swastikas and slogans.

Neighboring residents reported the damage to police after finding slogans daubed on the gravestones which included the Nazi salute "Seig Heil," as well as "Foreigners Out," "Gas" and "Jewish Pig." The attackers left behind a leaflet which identified them as the "Racial-Socialist Aryan Resistance Movement."

DATELINE WORLD JEWRY

SCIENCE & TECHNOLOGY

HI-TECH YARZEIT

Solar Interplex Ltd. of Petah Tikvah has acquired the rights to an Israeli patent on a solar-powered Yarzeit (memorial) candle, designed for use in cemeteries.

The candle can burn for up to two weeks after being exposed to sunlight for only two hours.

CELL BACKING

A promising new technique developed at the Surasky Medical Center in Tel Aviv uses laser irradiation to reactivate cells damaged in spinal-cord injuries.

Clinical testing of the procedure is currently being conducted in Israel, Germany, India, Japan, Spain, and Russia.

ROBOTICS I

A new device has been developed by Israeli company T.M.N. to aid the mobility of the handicapped.

The "Robot 2000" stores a wheelchair in a car's trunk, lifts the chair out by remote control and brings it to the driver's side door. Unlike existing rooftop mechanisms, which are heavier, Robot 2000 can be installed in smaller, economy-sized cars.

ROBOTICS II

Gavish of Kibbutz Givat Brenner has developed a programmed remote control device called "MB-71" for use by disabled drivers in modified vans.

The appliance allows the user to manipulate the van doors and elevator and to control the gear shift at the push of a button.

EASY-GEL

Clinical testing conducted in Israel has demonstrated the effectiveness of a new topical ointment in the treatment of lower back pain.

The formula, made by Israeli pharmaceutical firm Abic Ltd., is sold under the trade name Easy-Gel.

WATER RAYS

Israeli company Isralaser-Reim has a new production line which uses "water rays" to cut and process steel and metal alloy armor plating with thicknesses of 40mm or greater.

The new system, which prevents deformation of the metal, can be used to process tungsten, titanium, tantalum, and stainless steel, as well as a number of different alloys.

NORTH AMERICA

KKK CACHE

Auctioneers searching the boarded-up attic of a Freemont, Michigan, farmhouse found white robes, photographs, and official records of a Ku Klux Klan chapter which operated in the 1920s.

Listed among the 679 paid members of the chapter were the sheriff, several clergymen, judges, attorneys, farmers, mechanics, painters and retailers. Also found was a detailed report of county residents, listed according to race and religion.

DUKE SUIT

Louisiana state ethics officials have filed a suit seeking thousands of dollars in civil damages against former Ku Klux Klan grand wizard and neo-Nazi, David Duke.

The lawsuit charges Duke with improper financial record-keeping during his unsuccessful 1991 campaign for governor of Louisiana.

TOP TOMATO

During his recent trip to Israel, New Jersey Governor Jim Florio signed an agreement with the Volcani Center of Agricultural Research Organization to work jointly on a project to improve the quality of New Jersey tomatoes.

The goal of the agreement is to develop and market superior produce suitable to New Jersey's climate and growing conditions, for international sale.

FIGHTING ANTI-SEMITISM

The Anti-Racism Secretariat of Ontario, Canada, has announced it is developing a "pro-active" plan to fight anti-Semitism.

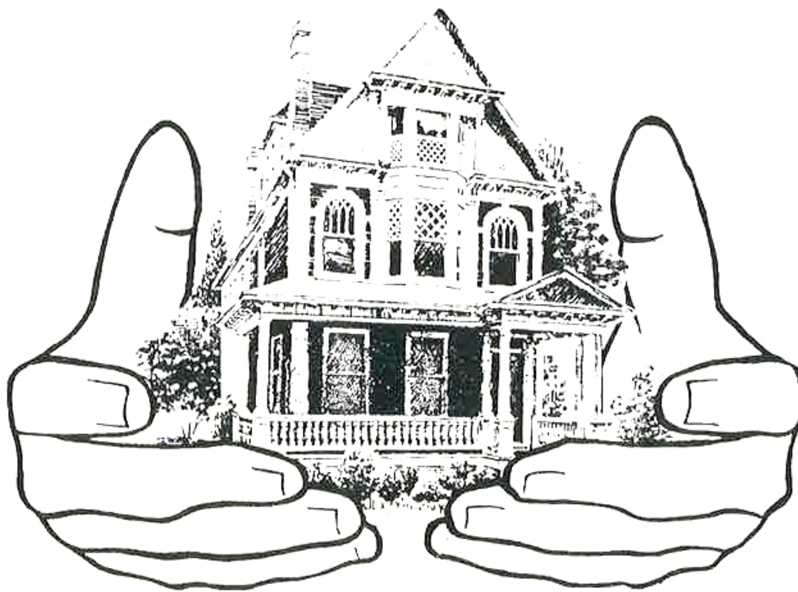
The plan, contained in a four-page report released to Canadian Jewish communal leaders, includes a public education program and examination of Ontario's Human Rights Code dealing with harassment and promoting hatred.

ELVIS HITLER

A scheduled performance by a band called "Elvis Hitler" has drawn complaints from Florida Atlantic University students who say the name reeks of ethnic hatred.

من

فروشنده ملك شما خواهم بود



جمشید صِله



COLDWELL BANKER

BUS. (310) 393-6061
RES. (310) 278-8729
PAGER (213) 230-7905

Design: Saeed Siadat





بت میدراش تورت حئیم مفتخر است برای اولین مرتبه

کلاسی تحت عنوان :

آشنائی باتعالیم ابتدائی قَبالا

درارتباط بازندگی روزمره

برای عموم برادران وخواهران همکیش ارائه دهد

بااستفاده ازکتاب « دِرِخ هشم » اثر یکی ازبزرگترین مقوبال های (KABBALIST) تاریخ مان ، ربنو مشه حئیم لوتظاطو ، توسط هاراو داوید زرگری به تعالیم اساسی یهودیت ، این آشنای ناشناخته معرفی میشویم :

هدف ازآفرینش ، مکان نوع بشر درآفرینش ، مشیت الهی در زندگی روزمره ، چرا حوادث ناگوار ونامساعد برای ما اتفاق می افتد، چرادر حالیکه اشخاص صدیق زندگی پرمشقتی دارند، دیگران از زندگی راحتی برخوردارند، تاثیر ستارگان درزندگی ما، نبوت ، ارتباط با ملائک درحین خواب و . . .

این کلاس با تائیدات خد-اوند در دوازه جلسه بر گزار خواهد شد.

سه شنبه شب ها، ازساعت ۸ تا ۹ بعدازظهر درمحل بت میدراش تورت حئیم .

اولین جلسه سه شنبه پنجم ژانویه مطابق با دوازهم طوت و آخرین جلسه سه شنبه ۲۳ مارچ مطابق بااول نیسان .

شرکت دراین کلاسها برای عموم همکیشان عزیز آزاد میباشد.

برای کسب اطلاعات بیشتر باتلفن ۸۳۴۹ - ۶۵۲ (۳۱۰) تماس حاصل فرمائید.

بامید دیدار

* « هاراو داوید زرگری » لیسانسیه دانشگاه عبری یروشالیم وفوق لیسانس از دانشگاه لایولا درمریلند، تحصیلات یشیوائی ومدرک ربانوت خودرا از یشیوای « رنر بیسرائیل » دریافت نموده وبیش از پانزده سال سابقه تدریس درمدارس ودانشگاههای مختلف داشته اند.

BET MIDRASH TORAT HAYIM
1210 S. La Cienega Blvd., Los Angeles, CA
(310) 652-8349



International Judea Foundation
P.O.Box 3074 • Beverly Hills, CA 90212

NON-PROFIT ORG.
U.S. POSTAGE
PAID
Permit No. 1562
Van Nuys, CA